

شماره ۱۰۰۰

دوره هشتم

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

روزنامه نگاران قربانی کشتار ۶۷
اعضای یک تحریریه اعدام شدند

کشتار تابستان ۱۳۶۷
تحریریه روزنامه مردم
تحریریه اش در زندان جم
زن بود؛ ملکه محمدی که



انتشار روزنامه
حزب در ۲۳ اسفند
پیشین این روزنامه

دستگیری، مرگ و اعدام

هدف هر نظام مردمی، باید رفاه انسانها و اعتلاء معنوی آنان باشد

بیت آزاد تلویزیون
پشت حزب توده ایران پیش میشود

نامه مردم
ارکان مرکزی حزب توده ایران

لايحه قصاص را مسکوت سدارید!

ملايان جوانان تودايان انقلاب اسلامي ايران

لايحه قصاص قابل دفاع نيست



در ۱۷ بهمن ۱۳۶۱ سرکوب حزب توده عملی شد، در اولین دور دستگیری کلیه توده دستگیر شدند. تمامی اعضای تحریریه روزنامه "نامه مردم" نیز در میان آنها بودند. در جمع رهبران علنی حزبی که صبح روز پورش به این حزب دستگیر شدند، همراه تعداد دیگری از افراد حزبی در بطور اتفاقی در ساختمانهای که، یکی از آنها مطبوعاتی توده ای بود دستگیر شده است. او اما دو ماه بعد از دستگیری توده همراه جوانان توده ای و رهبران توده ای دستگیر شدند.

حزب توده ایران



ویژنامه هزارمین شماره «نامه مردم»، دوره ششم

نامه مردم

شماره ۲۰۵، دوره هشتم
سال هجری ۱۳۷۶، تیرماه

یکسال یا یککار طبیفه کارگران ایران

جمع بندی کنگره ایستادگاری کارگری در سال گذشته

کنگره کارگری ایران، سال گذشته را به عنوان یک سال مبارزه و ایستادگی در برابر حاکمان و سرمایه داران و دولت و نهادهای وابسته به آنها، به یاد می‌آورد. در این سال، کارگران ایران با وجود تمام سختی‌ها و موانع، موفق شدند تا در زمینه حقوق و دستمزد، شرایط کار و ایمنی و بهداشت کار، و همچنین در زمینه مبارزه با تبعیضات و تفرقه بیندیشی، دستاوردهای قابل توجهی را به دست آورند. این دستاوردها، نتیجه ایستادگی و همبستگی کارگران ایران در برابر تمام موانع و مصلحت‌اندیشی‌ها است.

شماره ۲۰۴، دوره هشتم
سال هجری ۱۳۷۶، تیرماه

فرزنده پاد اول، مباده دله، روز جهانی کارگر و روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان جهان!

اسلامیه کمیته مرکزی به مناسبت اول ماه مه در ۳ ص

ایران، اسرائیل، سودان، نجره، زیر و بونی در کمیسیون فوق بشر محکوم شدند

بر اساس گزارش آسوشیته پریس، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در آخرین جلسه خود در آوریل ۱۹۷۶، بعد از چهار روز مذاکره، اسرائیل، سودان، نجره، زیر و بونی، و همچنین در خارج از سازمان ملل متحد، محکوم کرد.

انگلیزه کنگره یوکرایی حزب توده ایران به مناسبت سالگرد ترویر سران رژیم «ولایت فقیه» مجرمان اصلی ترویر دکتر شرفکندی و یارانش

پس از چهار سال زجرهای بی‌سابقه، سران رژیم شاهنشاهی ایران در روزهای ۱۳ و ۱۴ تیرماه در ولایت قزوین، در محفل یکدیگر گرد آمدند. این محفل، به عنوان «کنگره یوکرایی» نامیده می‌شود. در این محفل، سران رژیم شاهنشاهی ایران، در مورد عملکرد خود در طول سال گذشته، گزارش دادند. در این محفل، سران رژیم شاهنشاهی ایران، در مورد عملکرد خود در طول سال گذشته، گزارش دادند.

شماره ۲۰۳، دوره هشتم
سال هجری ۱۳۷۶، تیرماه

رفیق رضا شلنوی در اثر شکنجه جان سپرد

روز ۱۶ آبان ۱۳۷۶ رفیق رضا شلنوی، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، در اثر شکنجه جان سپرد.

انتزاسیونالیسم پرولتری، استقلال و میهن پرستی

سخنانه میخائیل کورباچف، رهبر کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، در مورد استقلال و میهن پرستی.

پاسخی به دوستان «راکاکو»

«راه کارگر» پس از چندین روز، در مورد پاسخی به دوستان «راکاکو».

سازمان آزادیبخش فلسطین

رفقای عزیز، سازمان آزادیبخش فلسطین، در مورد مبارزه با استعمار.

کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامه مردم

ادگار کزیمب-تدیان

شماره ۲۰۱، دوره هشتم
سال هجری ۱۳۷۶، تیرماه

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران - هشدار باش به جنبش مردمی! سوق دانه کشور به سمت خشونت، ترور و سرکوب خونین، توطئه جدید رهبری رژیم «ولایت فقیه» بر ضد جنبش مردمی

رفقای عزیز، جنبش مردمی ایران، در مقابل سرکوب و ترور، سوق دانه کشور به سمت خشونت، ترور و سرکوب خونین، توطئه جدید رهبری رژیم «ولایت فقیه» بر ضد جنبش مردمی.

کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامه مردم

ادگار کزیمب-تدیان

شماره ۲۰۶، دوره هشتم
سال هجری ۱۳۷۶، تیرماه

۱۸ تیرماه، سالروز قیام قهرمانانه دانشجویان بر ضد ارتجاع و استبداد گرامی باد!

یک سال از قیام قهرمانانه دانشجویان ایران، در روز ۱۸ تیرماه، می‌گذشت. این قیام، به عنوان یک سال مبارزه و ایستادگی در برابر حاکمان و سرمایه داران و دولت و نهادهای وابسته به آنها، به یاد می‌آورد.

ویژه نامه هزارمین شماره دور هشتم "نامه مردم"



- * نگاهی به هفتاد و پنج سال تلاش فستگی ناپذیر نشریات توده ای برای تحقق آزادی و عدالت اجتماعی در ص ۱۴
- * سرگذشت «نامه مردم» پس از انقلاب بهمن ۵۷ در ص ۶
- * «نامه مردم» همگام با جنبش زنان در ص ۱۰
- * گشت و گذاری در هزار شماره «نامه مردم»: در ص ۱۳
- * در دفاع از محقق کارگران و زمتکشان،
- * در کنار نبرد جوانان و دانشجویان
- * در دفاع از محقق فلق های زیر ستم
- * در گسترش همبستگی با مبارزات مردم ایران، افشاء جنایت رژیم ولایت فقیه، و برای آزادی زندانیان سیاسی

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۱۰۰۰، ۱۰ خرداد ۱۳۹۵
دوره هشتم، سال سی و دوم

پرچم همیشه در اهتزاز
حزب توده ایران و
صدای رسای پیکار
کارگران و زحمتکشان
میهن!

در این شماره

- انتخاب جنتی و لاریجانی بر کرسی های ریاست و بن بست تئوری بافی های بی سرانجام اصلاح طلبان حکومتی در ص ۲۰
- کارل مارکس و کار سیاسی در ص ۲۱
- بیانیه حزب توده ایران به: همه انانی که در کارزار همبستگی با گردهمایی اعتراضی "خیزش شبانه" شرکت دارند در ص ۲۴
- مصاحبه با رفیق پروفیسور جان فاستر، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست بریتانیا و دبیر شعبه بین المللی در ص ۲۶

انتشار هزارمین شماره «نامه مردم» و ادامه مبارزه با دیکتاتوری

هجوم همه جانبه و سازمان یافته ارگان های امنیتی رژیم و وابستگان شان به حزب توده ایران از ۱۳۶۱ تا کنون، با هدف بی اعتبار کردن و سپس انهدام ایدئولوژیک، سیاسی، و تشکیلاتی حزب- که هنوز هم ادامه دارد- مهم ترین چالش فراروی حزب در تاریخ موجودیتش بوده است. در مقابله با انواع و اقسام ترندهای به کار رفته شده از سوی رژیم ولایت فقیه و حاشیه هایش، و نیز تلاش هم زمان در زمینه روند بازسازی حزب، ادامه انتشار "نامه مردم" ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران- نقشی مهم و عمده داشته است. سپری شدن ۳۲ سال از ادامه چاپ و نشر "نامه مردم" و انتشار هزارمین شماره آن را فرصتی مناسب دانستیم تا روش و شیوه کار پیگیر آن را در ارتباط با تحول های کلیدی اوضاع و احوال ایران و پهنه جهان از جهت هایی مشخص واکاوی کنیم. توجه به این نکته ضروری است که "نامه مردم" را در مقام ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران می باید مورد بررسی قرار داد و بنابراین، دیدگاه ها و ابراز نظرهایی که در مقاله های مختلفش مندرج اند، به طور الزامی با سندهای تصویب شده از سوی حزب هماهنگ اند. از این روی، برخلاف شماری دیگر از نشریه ها ادامه در صفحه ۱۷

هزارمین شماره دوره هشتم "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران اینک پیش روی شماست. به رغم همه دشواری های پر مخاطره، دستبردهای ارتجاع، و کشتار شماری از برجسته ترین کادرها، نویسندگان و همکاران "نامه مردم"، توسط مزدوران تاریک اندیشی و ذوب شدگان در حکومت استبدادی ولایت فقیه، ارگان مرکزی حزب در سی و دو سال گذشته، بدون کوچکترین وقفه ای، به انتشار خود ادامه داده است. سی و دو سال پیش، پس از برگزاری هیجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، اولین شماره "نامه مردم"، دوره هشتم، در ۱۷ خرداد ۱۳۶۳ انتشار یافت و به عنوان پرچم حزب توده ایران، مجدداً وظیفه مهم و عاجل دفاع از منافع کارگران و زحمت کشان ایران و هم چنین یاری رساندن به بازسازی و انسجام صفوف حزب را بر عهده گرفت. در نخستین ادامه در صفحه ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!

نگاهی به هفتاد و پنج سال تلاش خستگی ناپذیر نشریات توده ای برای روشنگری، تحقق آزادی و عدالت اجتماعی

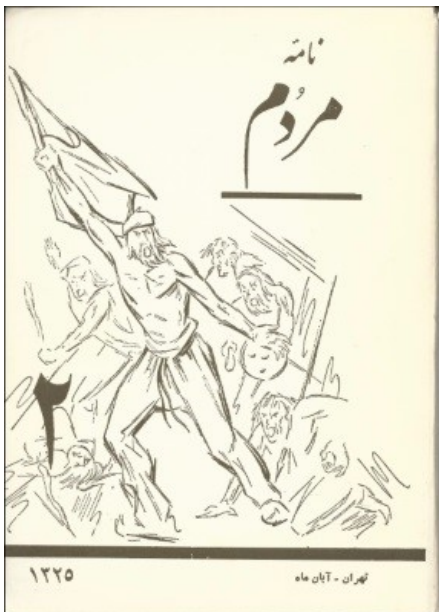
تیراژ پیش از صد و بیست هزار نسخه انتشار یافت که این میزان تیراژ نه تنها برای آن دوران، و با توجه به میزان سواد و افراد روزنامه خوان در جامعه، بلکه حتی برای دوران کنونی حیرت آور است.

“رهبر” در طول حیاتش نقش اساسی در افشای فاشیسم و نیروهای وابسته به استعمار ایفاء کرد. افشای چهره های فاسدی همچون سید ضیاءالدین طباطبایی، مهره سرشناس سیاست های انگلیس در ایران و کسانی همچون تقی زاده که در تلاش حفظ و تحکیم سیطره استعمارگران در میهن ما بودند، در کنار سازماندهی افکار عمومی و حمایت از منافع رنجبران و کارگران کشور و همچنین فشاندن بذر آگاهی درباره حقوق زنان، جوانان و دانشجویان و همچنین برای نخستین بار در تاریخ مطبوعات میهن ما دفاع از حقوق خلق های تحت ستم از جمله کارنامه پرافتخار روزنامه “رهبر” به عنوان ارگان مرکزی حزب ما بود. “رهبر”، همچنین نخستین روزنامه کشور بود که پرده از روی سیاست های استعماری آمریکا در ایران برداشت و به افشگری در این زمینه پرداخت.

“رهبر” به دلیل فعالیت افشاگرانه و تلاش خلل ناپذیرش در دفاع از حقوق مردم ۷ بار به محاق توقیف کشانده شد. نخستین توقیف “رهبر” در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۲۲ بود که مدت درازی به طول نینجامید. دومین توقیف در ۱۴ مرداد ۱۳۲۲ به مدت ۶۵ روز ادامه یافت و سومین و چهارمین توقیف “رهبر” در تاریخ های ۱۰ آذر ماه ۱۳۲۲ و سپس در ۱۵ آبان ماه ۱۳۲۳ رخ داد. در تمام چهار دوره ای که “رهبر” توقیف گردید نشریه “رزم”، که ارگان مرکزی سازمان جوانان توده ایران بود وظیفه ارگان حزب را بر دوش کشید. هفتمین توقیف “رهبر” در تاریخ ۱۶ آذرماه ۱۳۲۵، و در آستانه یورش ارتجاع به جنبش ملی آذربایجان رخ داد و بدین سان پس از انتشار ۸۹۰ شماره و چهارسال تلاش کار “رهبر” به عنوان ارگان مرکزی خاتمه یافت. در این یورش گسترده ارتجاع به نشریات مترقی و خصوصاً حزب توده ایران کار دیگر نشریات حزبی همچون “رزم” و “بشر” نیز به پایان رسید.

تولد “مردم” و خانواده آن

در ۱۲ بهمن ماه ۱۳۲۰، در آستانه دومین سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی، نشریه ای در تهران به صاحب امتیازی مبارز قدیمی صفر نوعی و مدیریت عباس نراقی منتشر شد که



خیلی زود جای ویژه ای در مطبوعات آن دوران به خود اختصاص داد. آماج اصلی “مردم”، افشای فاشیسم و وابستگان داخلی آن در ایران بود و از همین رو خیلی زود به “مردم ضد فاشیست” مشهور شد. نشریه “مردم” ستون مشهوری داشت با عنوان “ماسک ها را بردارید” که در آن



نخستین نشریه رسمی حزب توده ایران در تاریخ ۴ اسفندماه ۱۳۲۰، شش ماه پس از سقوط حکومت رضا شاه منتشر شد. روزنامه “سیاست” در پی امتناع حکومت از انتشار نشریه ای به عنوان ارگان مرکزی حزب با نام: “روزنامه یومیه، ارگان حزب توده ایران” منتشر شد.

“سیاست” طی ۱۵۹ شماره ای که انتشار یافت توانست نقش موثری در بسیج افکار عمومی مردم ما بر ضد فاشیسم و رشد آن در ایران ایفاء نماید. افشای هئیت حاکمه فاسد و وابسته و بردن اندیشه های مترقی و دوران ساز در میان مردم از جمله خدمات ارزنده ای بود که “سیاست” در دوران کوتاه فعالیتش انجام داد. پایداری در دفاع از حقوق زحمتکشان و محرومان سرانجام خشم رژیم فاسد پهلوی را برانگیخت و “سیاست” سرانجام در ۱۲ شهریورماه ۱۳۲۱ توقیف گردید. در پی توقیف “سیاست” طولی نکشید تا حزب نشریه “نامه رهبر” را به عنوان ارگان مرکزی حزب منتشر کرد. در پی برگزاری نخستین کنفرانس ایالتی حزب در تهران، در ۱۷ مهر ماه ۱۳۲۱، نخستین شماره “نامه رهبر” در ۱۰ بهمن ۱۳۲۱، به صاحب امتیازی و مدیریت ایرج اسکندری آغاز به کار کرد و اعضای اصلی هئیت تحریریه آن شامل احسان طبری، پروین گنابادی، ایرج اسکندری، احمد قاسمی و انور خامه ای بود.

“نامه رهبر” در طول فعالیتش به عنوان ارگان مرکزی حزب نقش ویژه ای در بسیج طبقه کارگر ایران و زحمتکشان و همچنین مبارزه بر ضد فاشیسم ایفاء کرد. ویژه نامه “نامه رهبر” به مناسبت پنجمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران در

نگاهی به هفتاد و پنج سال...

ایادی حکومت رضا شاه، فاشیست ها و کسانی که بر ضد منافع ملی کشور توطئه می کردند مرتبا اقصاء می گردیدند. فعالیت گسترده و افشاگرانه "مردم" خیلی زود با مخالفت و کینه ارتجاع رو به رو شد و "مردم" پس از انتشار ۲۲۷ شماره در ۱۱ آذرماه ۱۳۲۱، به دستور فرمانداری نظامی تهران تعطیل شد و کمی بعد با درگذشت صفر نوعی در ۲۷ آذرماه ۱۳۲۱، نخستین دوره پربار انتشار "مردم" پایان یافت. پس از درگذشت صفر نوعی کار "مردم" به مدت ۴ ماه تعطیل بود و در پی این نخستین شماره اینبار "نامه مردم"، به صاحب امتیازی و مدیریت دکتر رضا رادمش کار "مردم" را در ۲۹ فروردین ماه ۱۳۲۲ از پی گرفت و تا ۱۵ دی ماه ۱۳۲۵، که اینبار نامه مردم به عنوان ارگان هیئت اجراییه موقت حزب توده ایران منتشر گردید، ادامه داد. خانواده "مردم" در ۹ تیرماه ۱۳۲۳ گسترده تر و وسیع گردید. در این روز نخستین شماره "مردم برای روشن فکران" و در مدت کوتاهی پس از آن "مردم ماهانه"، (به سردبیری رفیق فقید احسان طبری)، "مردم ادینه" و "مردم برای جوانان"، به عنوان ارگان مرکزی سازمان جوانان توده ایران منتشر گردید. پس از برگزاری دومین کنگره حزب توده ایران و انتخاب رهبری جدید، از ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ (شماره ۳۳۶)، تا پایان دوره سوم به عنوان ارگان مرکزی حزب توده ایران در یکی از طوفانی ترین و حساس ترین دوران تاریخ معاصر ما کار دشوار مبارزه با امپریالیسم و توطئه های داخلی و خارجی و مقابله با عناصر مزدوری همچون خلیل ملکی را با موفقیت و سربلندی به پیش برد. "نامه مردم" در طول دو سال انتشار خود به عنوان ارگان مرکزی حزب ۵ بار مورد یورش ارتجاع قرار گرفت و توقیف گردید. پنجمین و آخرین باری که نامه مردم در دوره سوم فعالیتش توقیف گردید در ۱۴ بهمن ماه ۱۳۲۷ (شماره ۴۸۹) بود، که رژیم پهلوی به دستور اربابان انگلیسی و آمریکایی اش حمله گسترده ای را بر ضد همه نیروهای مترقی و جنبش آزادی خواهانه میهن ما آغاز کرد.

چهارمین دوره حیات "مردم" / نامه مردم" در ۱۰ مهرماه ۱۳۲۸، در شرایط بسیار دشوار مخفی آغاز گردید. با وجود آنکه انتشار "مردم" با خطر دستگیری، شکنجه و مرگ همراه بود، مداخلک با تیراژ وسیع ۱۵۰۰۰ نسخه در سراسر کشور منتشر می گردید. آخرین شماره دوره چهارم "مردم" در ۱۵ آذرماه ۱۳۳۴ منتشر شد و با تشدید حلقه محاصره نیروهای امنیتی مردم و همکاران و نویسندگان آن به تبعید رفتند.

دوران تبعید دوران دشوار اختلاف ها و شرایط منفی متاثر از شکست جنبش مردمی و روی کار آمدن دولت کودتایی شاه-امریکا بود. از آذرماه ۱۳۳۴ به مدت چهار سال مردم به عنوان ارگان مرکزی حزب ما دچار خاموشی شد و نتوانست به فعالیت خود ادامه دهد. برای دوران کوتاهی در فاصله ۱۷ بهمن ۱۳۳۶ تا ۳۰ تیرماه ۱۳۳۹، نشریه توده ای "صبح امید" هر دو هفته یکبار منتشر می شد و توانست طی ۵۵ شماره انتشار جرعه های امید را در صفوف رفقای توده ای و دیگر مبارزان راه آزادی روشن نگاه دارد. "مردم" پس از سکوت چهار ساله اش در تاریخ ۱۳۳۸ دوره پنجم انتشارش را آغاز کرد و این کار را به مدت پنج سال و انتشار ۱۰۰ نسخه ادامه داد و توانست در دوران بسیار دشوار گسست ها در صفوف جنبش نقش مهمی را ایفاء نماید.

در این دوران با توجه به تحولات مهم جهانی و با آشکار شدن طلیعه گسترش مبارزه در درون کشور کمیته مرکزی حزب تصمیم به آغاز کار رادیو "پیک ایران" و همچنین انتشار دومین دوره انتشار مجله "دنیا"، به عنوان ارگان تئوریک سیاسی کمیته مرکزی گرفت. دومین دوره نشریه "دنیا" پس از گذشت ۲۶ سال از انتشار آخرین شماره آن توسط رفیق شهید دکتر تقی ارانی کار خود را در سال ۱۳۳۹ آغاز کرد و طی ۱۴ سال انتشار منظم به صورت هر سه ماه یکبار گنجینه پرربهایی از اسناد، مدارک و مقاله های علمی و اطلاعات درباره مبارزه خلق های جهان را در اختیار جنبش مردمی و آزادی خواهانه مردم میهن ما قرار داد. در نامه ای از هیئت دبیران کمیته مرکزی به رفقای دست اندرکار دنیا در فروردین ماه ۱۳۵۳، از جمله قید شده است: "مجله دنیا نقش مهمی در ترویج مارکسیسم-لنینیسم، طرح و تحلیل مسائل حاد جامعه و جنبش انقلابی کشور، توضیح مشی حزب در عرصه های مختلف و دفاع از آن ایفاء کرده و به همین سبب حیثیت و اعتبار بزرگی در نزد نیروهای انقلابی و مترقی کشور کسب نمود."

ششمین دوره "مردم" در اول فروردین ماه ۱۳۴۴، به عنوان ارگان مرکزی

فهرست

موضوع	نویسنده	صفحه
سیاست ما	دکتر رضا رادمش	۱
احزاب سیاسی فرانسه دربرابر قانون اساسی	ابراهیم گلستان	۶
انحراف های بورژوازی در علم الاجتماع	ترجمه: مهندس شرمینی	۱۷
عروج یهود		۲۸
مادری و پسری	نیما یوشیج	۲۹
جهان بینی مارکسیستی و منابع تاریخی آن	احسان طبری	۳۲
ماده و تشتمع		۳۹
اردشیر		۴۰
دکتر رضا رادمش		۴۴
دکتر فریدون کشاورز		۴۷
دانسته های درباره جهان بزرگ	ا. ط.	۵۰
پلنگ و وله	گردآورده: زیورماوند	۵۲
از منتهای سورمق	فرخ شیرزاد	۵۳
درآمد ملی و سطح زندگی در ایران	دکتر اپریم	۵۴
کودپراریسم و سندیکالیسم	مهندس زاوش	۶۷
شغال شاه	احسان طبری	۷۵
امثال ملل		۸۷
مطاسن و ممالپ حزب ما	اردشیر او انسیان	۸۸
ذخائر زیرزمینی ایران	مهندس بدال الدین مرعشی	۹۸
منظرهای از استاجات ابتدایی در علم جدید	مهندس حسین تمدن	۱۰۷
امثال ملل		۱۱۸
در پیرامون روش و نقش کار «مردم»		۱۱۹

فهرست سزاورها:

اردشیر	مقابل صفحه	۲۸
دکتر رضا رادمش		۵۲
دکتر فریدون کشاورز		۸۸

پشت جلد: «قیام گاه»، «تابو از: ضیاء پور»، «دسن از: مفید عهد»
 بنامیت دستور کمیته مرکزی که:
 پرچم کابانی را پرچم رسمی حزب توده ایران اعلام کرد

کلیشه مطالب منتشر شده در "نامه مردم" شماره ۲، به سردبیری

دکتر رادمش، ابان ماه ۱۳۲۵

حزب توده ایران آغاز به کار کرد و از آغاز سال ۱۳۵۳، با اوج گیری جنبش انقلابی میهن هر ۱۵ روز یکبار منتشر می شد و توانست نقش مهمی در تحلیل شرایط روز کشور و در راه اعتلای معنوی جنبش آزادی خواهانه و عدالت پویانه کشور ایفاء نماید. آغاز ششمین دوره انتشار "مردم" همچنین همزمان بود با مبارزه شدید در ون حزبی و در سطح جنبش جهانی با مائوئیسم و اثرات مخرب و تفرقه افکنانه آن. مبارزه نظری "مردم" با گروه انحرافی "نجبران" از جمله عرصه های مهم و پیروزمند فعالیت "مردم" در ششمین دوره انتشارش بود.

برضا تشدید مبارزه جنبش مردمی بر ضد حکومت وابسته و پلیسی شاه از دیماه ۱۳۵۴، نشریه هفتگی "نوید"، با ابتکار رفیق شهید رحمان هاتقی (مهرگان) در داخل کشور شروع به انتشار کرد و توانست با انتشار ۷۳ شماره نقش سترگی در بردن شعارهای حزب ما به درون توده ها و مبارزه سرنوشت ساز آنان با رژیم شاه ایفاء کند. آغاز کار "نوید" همزمان است با مختل شدن کار انتشار نشریه "به سوی حزب" که به همت رفیق قهرمان هوشنگ تیزابی، منتشر می شد. در پی دستگیری و شهادت رفیق تیزابی، زیر شکنجه های وحشیانه ساواک، رفقای مرکز حزب به رفقای سازمان "نوید" در داخل کشور پیغام دادند: "ایا حاضرید این درفش خونین را، که بر زمین نبرد افتاده، دوباره به اهتزاز در آورید؟"

پاسخ رفقای نوید روشن بود: "این افتخار بزرگی است. روح مشتعلی که در وراي "نام سوی حزب" آرمیده است، دیگر بار در نخستین سنگر های انقلاب حاضر خواهد شد. بگذار پیکر غرق به خون رفیق تیزابی از زیر خاک لبخند بزند..."

و این چنین بود که توده ای ها به استقبال انقلاب بهمن ۵۷ رفتند و این چنین است که به رغم هفتاد و پنج سال سرکوب و خفقان و کشتار شمار بسیاری از اندیشمندان، نویسندگان، مترجمان و هنرمندان از صفوف حزب ما، پیکار روشنگرانه حزب توده ایران و مطبوعات آن همچنان ادامه دارد. دوره هفتم انتشار "مردم" و دیگر نشریات توده ای مصادف است با پیروزی انقلاب بهمن که ما در مقاله جداگانه ای به آن پرداخته ایم.

سرگذشت «نامه مردم» پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷

و بدین ترتیب بود که هفتمین دوره انتشار مردم آغاز شد. در سرمقاله اولین شماره «نامه مردم» که در جریان انقلاب شکوهمند مردم ایران انتشار یافت، چنین تاکید شده بود: «مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران است. دوست و دشمن دقیقاً می دانند که مشی سیاسی این روزنامه چیست و لذا نیازی به معرفی مفصل برنامه و روش خود نداریم. حزب ما حزب طبقه کارگر ایران است و «مردم» وظیفه دارد که در راه دفاع از حقوق طبقه کارگر و همه توده های ستمکش جامعه، در راه بیداری و سازماندهی و بسیج نیروی زحمتکشان علیه امپریالیسم و ارتجاع و ایجاد جامعه ای عادلانه برزمد. ما مبارزه برای حقوق زحمتکشان را تنها و تنها در چهارچوب مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک می بینیم و لذا در شرایط نوین سمت اصلی حرکت ما تلاش برای ایجاد و تحکیم نیروهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی است. ما میدانیم که در این راه دشواریهای فراوانی وجود دارد.» («نامه مردم»، دوره هفتم، شماره اول: ۲۳ اسفند ۱۳۵۷).



با بازگشت شماری از رفقای رهبری حزب، از تبعید، مسئولیت انتشار و سردبیری «نامه مردم» به رفیق شهید منوچهر بهزادی محول شد و او این مسئولیت را تا انتشار آخرین شماره روزنامه ادامه داد.

کتاب شهیدان توده ای در رثای زندگی پرپر رفیق جان باخته منوچهر بهزادی از جمله نوشت: «در هیئت تحریریه «نامه مردم» او را «رفیق منوچهر» یا به سادگی «منوچهر» صدا می زدند. جمع نویسندگان «نامه مردم» خانواده ای

بود صمیمی، با انضباط و جدی. همان گونه که «منوچهر» بود. هر روز صبح در اتاقی که می شد از ورای پنجره های آن دیوارهای کهنه و خاطره آمیز دانشکده حقوق دانشگاه تهران را دید - جایی که سی و سه سال پیش رفیق به هنگام تحصیل در آن به عضویت حزب پذیرفته شد - جلسه هیئت تحریریه تشکیل می شد. آخرین اخبار ایران و جهان را می خواندند و به بحث می گذاشتند. هرکس «سهم» خود را می گرفت و کار شروع می شد. وقت تنگ بود. می بایست روزنامه ای منتشر کرد که شایسته نام ارگان مرکزی حزب توده ایران باشد. آئینه ای که صادقانه سیمای حزب را بازتاباند... مقالات دقیق، کوتاه و پر محتوای رفیق بهزادی، چه در مجله «آرمان» که خود مسئولش بود و چه در «نامه مردم» و مجله «دنیا» حاکی از نظر صائب، استدلال محکم و تجربیات بسیار غنی او در مبارزات اجتماعی و سیاسی بود. هنگامی که در نخستین روزهای انقلاب، رفیق منوچهر بهزادی همراه با دیگر هم زمانش به کشور بازگشت، با خود دریایی از دانش و تجربه را، که طی سالیان دراز قطره قطره جمع کرده بود، برای جوانان انقلابی به ارمغان آورد. رفیق بهزادی سهم ارزنده ای در انتشار «نامه مردم» به عهده داشت... مبارزه پیگیر ارگان مرکزی حزب بر ضد ارتجاع و انحصارگرایی نیروهای مذهبی و تاکید بر ضرورت تعمیق انقلاب از مرحله سیاسی و ضرورت فرارویی آن به یک انقلاب اجتماعی برای تحقق حقوق زحمتکشان و همچنین مبارزه مداوم با توطئه های رنگارنگ امپریالیسم برای ضربه زدن به انقلاب خیلی زود خشم ارتجاع را برانگیخت. عمر انتشار علنی «نامه مردم» پس از انقلاب بسیار کوتاه بود. آخرین شماره دوره هفتم «نامه مردم» در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۶۰ (شماره ۵۲۸) با تیر بزرگ «پیروزی قطعی و نهایی انقلاب در گرو اتحاد همه نیروهای خلق است» منتشر گردید و بعد از آن هم به جرم دفاع خستگی ناپذیر از منافع کارگران و مردم محروم، دیگر هرگز اجازه انتشار نگرفت.

با آشکار شدن خیانت سران رژیم و پشت کردن آنان به آرمان های مردمی انقلاب بهمن ۵۷، موجی از سرکوب های خونین علیه نیروهای آزادی خواه و مترقی آغاز گشت. در بهمن ماه ۱۳۶۱ یعنی درست چهار سال پس از پیروزی انقلاب خلقی و ضد سلطنتی مردم میهن ما متعاقب سرکوب نیروهای سیاسی، حمله سراسری به حزب توده ایران نیز شروع شد. در جریان این حملات شمار زیادی از رهبران، کادرها، اعضاء و

ادامه در صفحه ۷

The collage includes several articles with headlines such as:

- روز کارگر به جشن عمومی تبدیل شد** (Worker's Day turned into a public festival)
- چرا قرار داد دو جانبه نظافتی با آمریکا** (Why a two-sided cleaning agreement with America)
- کمیته عالی حزب توده ایران با وظیفه انقلابی است** (The High Committee of the Tudeh Party is with the revolutionary duty)
- مردم ایران چشم به راه آفتاب آزادی** (The people of Iran are looking for the sun of freedom)
- آنها را منتکس ساز** (Make them into exploiters)
- کلیشه روزنامه «مردم»** (Stereotype of the newspaper 'Mardam')

کلیشه روزنامه «مردم»، شماره ۹، دوره هفتم، پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

با پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، دوران حکومت وابسته و پلیسی محمدرضا شاه به پایان رسید و فصل تازه ای در مبارزات حزب ما و جنبش آزادی خواهانه کشور گشوده شد. انتشار هفتمین دوره «مردم» نیز با این دوران مقارن است.

رفیق علی خاوری، در مصاحبه با «نامه مردم» شماره ۹۸۴، ۲۷ مهرماه ۱۳۹۴، به مناسبت هفتاد و چهارمین سالگرد حزب از جمله می گوید: «با آخرین گروه زندانیان سیاسی از زندان قصر آزاد شدم. چندین هفته در اطراف زندان تظاهرات سنگینی بود در شب اول بهمن در میدان جلوی زندان قصر انبوه بزرگی تظاهر کننده جمع بودند و شعار میدادند. آخرین بازماندگان زندانیان سیاسی با وسایل خودشان در پشت در بزرگ زندان جمع بودند و آماده خروج از زندان. افسر نگهبان در سردر زندان با بلندگو رو به زندانیان گفت: «رفقا خلقی در انتظار شماست... در همین روزها بود که پیام رفیق کیانوری که تا عید تابولی «مردم» در محل مناسب نصب شود بدستم رسید. تصمیم مرکزیت حزب بود و باید سریعاً انجام می شد. قراردادی موقت با زنده یاد م. هرمز و بردارش تنظیم کردم. و ساختمان ۴ طبقه ای در ضلع غربی دانشگاه تهران، در خیابان ۱۶ آذر در اختیار حزب قرار گرفت. و تابلو «مردم» بعد از ۲۵ سال، موجودیت علنی حزب را اعلام کرد.»

ادامه سرگذشت نامه مردم ...

هواداران حزب روانه سیاه چال های رژیم شده و زیر شکنجه های غیر انسانی قرار گرفتند.

در چنین شرایطی بود که دور جدیدی از مبارزه برای آن دسته از توده ای ها که در جریان ضربات پی در پی دستگیر نشده بودند، آغاز گشت. کار سازماندهی دوباره حزب، ایجاد و بازسازی ارگان های رهبری برای ادامه مبارزه در شرایط سرکوب وحشیانه از اهم فعالیت های اعضای باقی مانده رهبری و توده ای ها بود. آن دسته از اعضای محدود رهبری حزب که جان سالم بدر برده بود با یاری و تلاش کادرهای باقی مانده و سایر اعضا که از این حملات مصون مانده بودند به فعالیت مخفی روی آورده و توانستند در مدت کوتاهی با فعالیت شبانه روزی خود آن هم در شرایط بی نهایت دشوار، زیر حمله تبلیغاتی و جنگ روانی گسترده ای که علیه حزب در جریان بود، صفوف حزب را انسجام داده و متناسب با شرایط موجود فعالیت و مبارزه حزب توده ایران را سازماندهی کنند.

پس از حمله و زیر ضرب قرار گرفتن حزب توسط رژیم تا مردادماه سال ۱۳۶۳ وظیفه تبلیغ مواضع و مثنی سیاسی حزب و افشاکاری علیه ارتجاع و دیدگاه های حزب را نشریه "راه توده" (نشریه هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور) بر عهده داشت. این نشریه در واقع تا زمان انتشار دوباره "نامه مردم"، ارگان کمیته برون مرزی حزب محسوب می شد، که با مسئولیت رفیق علی خاوری به عنوان ارگان موقت رهبری حزب عمل می کرد. پس از انتشار اولین شماره از دوره جدید "نامه مردم" به عنوان ارگان مرکزی توده ایران، از آن رو که دیگر لزومی بر ضرورت ادامه انتشار "راه توده" نبود، بر اساس تصمیم کمیته مرکزی حزب پس از انتشار صد شماره انتشار آن متوقف شد. در آخرین شماره این نشریه چنین آمده است: "امروز با انتشار دوباره "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران، وظایفی که شرایط ویژه تاریخی بر عهده "راه توده" گذاشته بود، پایان می یابد." ("راه توده" نشریه هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور، شماره ۱۰۰، ۲۹ مرداد ۱۳۶۳).

اولین شماره "نامه مردم" (دوره هشتم) در خردادماه ۱۳۶۳، با مسئولیت رفیق حمید صفری انتشار خود را آغاز کرد. در سرمقاله اولین شماره تحت عنوان: "سخنی با خوانندگان" چنین تصریح شده بود: "نامه مردم دوره هشتم خود را در شرایطی آغاز می کند، که آزادی بیان و قلم، اجتماعات و احزاب، سندیکاها و اتحادیه های صنفی و غیره لگدمال شده، زندان و شکنجه و اعدام و قتل میهن پرستان و مدافعان توده های محروم، که طی سالیان دراز ستم شاهی بار سنگین مبارزه علیه استبداد و ارتجاع و امپریالیسم را بدوش می کشیدند، به سطح سیاست مستمر دولتی ارتقاء یافته است. تاریخ "نامه مردم" تاریخ مبارزه در راه دفاع از منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران، تاریخ نبرد بی امان علیه استعمار و امپریالیسم، تاریخ رزم پی گیر در راه تشکیل نیروهای ضد امپریالیستی و مبارزان استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و صلح است."

این گونه بود که دوباره پرچم مبارزه توده ای ها برافراشته شد. حزب ما و جنبش کارگری کمونیستی جهان در این سالها یکی از دشوارترین دوران حیات خود را طی کردند. نامه مردم در تمامی این سی و دو سال به سد جدی بی در مقابل تلاش های ارگان های امنیتی رژیم و وابستگان به آنها برای ادامه برنامه انحلال حزب تبدیل گردید و از همین رو بود که هدف کارزار سنگین تبلیغاتی دشمنان نیز حزب قرار گرفت. افشاء و مقابله نظری با سرمایه داری جهانی، در پی فروپاشی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی، و مقابله با تهاجم نظریه پردازان سرمایه داری در زمینه "پایان تاریخ" و "مرگ مارکسیسم" و همچنین تلاش در بسیج افکار عمومی برای مبارزه با رژیم ولایت فقیه از جمله عرصه های مهم فعالیت سیاسی-نظری ارگان مرکزی حزب ما در دوره هشتم آن بوده است.

با درگذشت رفیق حمید صفری، در بهمن ماه ۱۳۷۰، و در پی برگزاری سومین کنگره حزب توده ایران، مسئولیت "نامه مردم" به رفیق محمد امیدوار سپرده شد.

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران پیرامون برگزاری سومین کنگره حزب

سومین کنگره حزب توده ایران در دشوارترین خطرات حیات حزب و پس از گذشت ۴۲ سال از دومین کنگره حزب توده ایران، در بهمن ماه ۱۳۷۰ برگزار شد. کنگره با اعلان بانه ولایت فقیه، به انزواء حزب و جنبش، و پس از نواختن سرود حزب، در محلی آکنده از شور و فرخ انقلاب، وقت و درخ صحنی از شورش و صحت آزاده و صلح حزب، به تعویق موثرترین اسناد حزب پرداخت. کنگره در ابتدا اسناد کارنامه را با وقت و باارست نام و با قدرت قلم و وسع رفتاری فایده به تصویب رساند. در خلال آن، اساسنامه حزب که طرح آن طی ماهها در محله و بررسی رفتاری داخل و خارج از کشور قرار گرفته بود، به تصویب کنگره رسید. سپس طرح برنامه حزب پس از بحث های جدی و مستند، و با توجه به تمامی ضرورت های مبارزه حزب در حال حاضر و دوران قابل توجهی پس از آن، با رأی سده در صد فایده گان شرکت کننده در کنگره، به عنوان چراغ راهنمای عمل حزب به تصویب رسید.

اصول حزب در داخل و خارج از کشور، در کنار اسناد و نشست های خود جمعا ۱۸۷ فایده را برای حرکت در کنگره انتخاب کرده بودند که تعداد معینی از آنها به علت بی ثباتی فکری و نداشتن تصور داشته باشند، و به همین دلیل رای وگانی خود را به تعدادی از فایده گان حاضر در کنگره سپرده بودند. با این وجود، و به علت اتفاق کل بچ نظرات فایده گان حاضر در کنگره و فایده گان حاضر، ضرورتی به استفاده از رأی وگانی اسامان نشد و کنگره تصمیمات خود را بر اساس رأی فایده گان حاضر به تصویب رساند.

این همی و شرکت فعال، هنگام انتخاب کمیته مرکزی حزب نیز در کنگره قایبان شد. این مهم نیز در محلی کاملاً آزاد و دموکراتیک پاسخ شایسته خود را پیدا کرد. کنگره، به اتفاق آراء فایده گان، رفیق علی خاوری را به عنوان صدر حزب و رفیق حمید صفری را به عنوان معاون صدر حزب انتخاب کرد. کنگره همچنین به اتفاق آراء پیام های به مردم ایران، به کارگران و زحمتکشان میهن، به زندانیان سیاسی و خانواده های آنان و خانواده های شهید، به اعضا و هواداران حزب، و به نیروهای سازمان دموکراسی ایران فرستاد.

پیام های رسیده از طرف احزاب برادر، که به ترویج در ارگان مرکزی حزب متشرف خوانند شد، در کنگره فرستاد شد و کنگره روح و احساسات صمیم کمونیست و برادری حزب توده ایران با جنبش کارگری و کمونیستی را به قیام گدارد.

کنگره با نواختن سرود استرالیانیدل به کار موفقیت ای خود پایان داد.

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت درگذشت رفیق حمید صفری، معاون صدر حزب توده ایران

پیام سومین کنگره حزب توده ایران به مردم ایران
پیام سومین کنگره حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان ایران
پیام سومین کنگره حزب توده ایران به اعضا و هواداران حزب
پیام سومین کنگره حزب توده ایران به زندانیان سیاسی و خانواده های شهید و زندانیان سیاسی
پیام سومین کنگره حزب توده ایران به همه نیروهای تحول طلب و هواداران دموکراسی در ایران

زنده باد آزادی و صلح، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

"نامه مردم" شماره ۳۶۹، ۲۹ بهمن ماه ۱۳۷۰، با انتشار خبر برگزاری سومین کنگره حزب توده ایران، پس از یک وقفه ۴۳ ساله، و در پی یکی از مهلک ترین حملات ارتجاع در تاریخ حزب ما و همچنین شکست جنبش کارگری و کمونیستی، برگزار می شد، در سرمقاله اش، با عنوان "طلوعی دیگر"، از جمله نوشت: "فصل نوینی در تاریخ حزب ما گشوده شد. پس از گذشت بیش از چهار دهه، سه حمله ارتجاع، هزاران شهید، و دهها هزار سال زندان حزب توده ای ما بار دیگر ققنوس وار از میان آتش برخاست و بار دیگر امیدهای ارتجاع و دشمنان مردم میهن ما را به یاس مبدل ساخت..."

انتشار منظم و بی وقفه "نامه مردم" روزنامه ارگان مرکزی حزب ما در سی و دو سال اخیر، با وجود همه کاستی ها و دشواری ها خود دلیل روشنی است بر این امر که توطئه های دشمنان قسم خورده حزب توده ایران، برای سرکوب و نابودی قطعی آن عقیم مانده است. زیرا نه بیگرد و دستگیری هزاران توده ای، نه شکنجه های اعدام شمار زیادی از رهبران و کادرها و اعضای حزب ما در کنار توطئه های دیگر، مانند چاپ و انتشار وسیع انواع "خاطرات" و آثار در زمینه تحریف تاریخ حزب و جنبش کمونیستی ایران و هم چنین "حزب سازی" و دیگر اقدامات ارگان های امنیتی رژیم نتوانسته است حزب توده ایران را از صحنه سیاسی ایران حذف کند. در مقابله با این توطئه ها "نامه مردم" نقش مهمی را در دفاع از حزب ایفاء کرده است. انتشار "نامه مردم" در این سالهای دشوار مهاجرت و تهاجم قطع ناشدنی ارگان های امنیتی رژیم و همچنین تهاجم تبلیغاتی سرمایه داری جهانی مدیون تلاش های شمار زیادی از رفقا و کادرهای حزبی بوده است. ما اعضای هیئت تحریریه "نامه مردم" امیدواریم که انتشار دوره هشتم ارگان مرکزی حزب با پیروزی جنبش مردمی بر ضد رژیم استبدادی ولایت فقیه به زودی با موفقیت و پیروزی به سر آید و دوباره فرصتی دست دهد که "نامه مردم" کار انتشار علنی خود را در ایران آغاز نماید و بانگ رسای "آی مردم، نامه مردم" توده ای ها دوباره طنین افکن خبیانان ها و کوچه های شهرهای مختلف میهن باشد.



شماره ۳۶۹، دوره هشتم، سال هشتم، بهمن ۱۳۷۰

طلوعی دیگر

فصل نویی در تاریخ حزب ما گشوده شد. پس از گذشت بیش از چهار دهه، سه حمله ارتجاع، هزاران شهید، و دهها هزار سال زندان حزب توده ای ما بار دیگر ققنوس وار از میان آتش برخاست و بار دیگر امیدهای ارتجاع و دشمنان مردم میهن ما را به یاس مبدل ساخت.

پیام سومین کنگره حزب توده ایران به مردم ایران
پیام سومین کنگره حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان ایران
پیام سومین کنگره حزب توده ایران به اعضا و هواداران حزب
پیام سومین کنگره حزب توده ایران به زندانیان سیاسی و خانواده های شهید و زندانیان سیاسی
پیام سومین کنگره حزب توده ایران به همه نیروهای تحول طلب و هواداران دموکراسی در ایران

ادامه پرچم همیشه در اهتزاز حزب ...

شماره دوره هشتم "نامه مردم" قید شده بود که: "انتشار ارگان مرکزی حزب توده ایران، به این آرزوی دیرینه ارتجاع و امپریالیسم مبنی بر نابودی حزب توده ایران و سرکوب کامل آن پایان داد و دوباره خواب آنان را آشفته کرد."

انتشار دوباره "نامه مردم" آغاز نوینی در سازماندهی کار تبلیغاتی - نظری حزب ما در افشای رژیم خودکامه و همچنین بسیج افکار عمومی و مقابله با انحرفات چپ و راست در درون جنبش آزادی خواهانه میهن ما بود. بررسی نزدیک به هفتاد و پنج سال فعالیت مطبوعات توده ای که "نامه مردم" در میان آنها جایگاه خاصی دارد، گواه خدمات ارزنده و بزرگ مطبوعات حزب ما در تکامل زبان و فرهنگ و هنر ایران و اشاعه اندیشه های مترقی علمی و فلسفی در جامعه است.

این نکته نیز بر اهمیت است که حزب ما در شرایطی این کار سترگ مطبوعاتی، سیاسی - نظری را در ایران سازماندهی کرد که بخش عمده ای از زندگی خود را در دشوارترین شرایط فعالیت غیر علنی و یورش رژیم های مردم ستیز و ارتجاعی سپری کرده است. این امر در خصوص "نامه مردم" ("مردم") بیش از سایر مطبوعات و نشریات توده ای صادق است. زیست نامه "نامه مردم" ("مردم") به ۸ دوره تقسیم می شود که فعالیت آن به عنوان ارگان مرکزی حزب، ۶ دوره اخیر را دربر می گیرد. در واقع دوره های ۶ گانه نامه "نامه مردم" ("مردم") هر یک دوره های زندگی و مبارزه حزب توده ایران نیز هستند و در عین حال مراحل به کلی متفاوت مبارزات انقلابی میهن ما را نیز متجلی می کنند. نخستین شماره "مردم" در ۱۲ بهمن سال ۱۳۲۰، در تهران تولد یافت و در سرلوحه خود نوشت: "این روزنامه پشتیبان کسانی است که با فکر و با بازوی خود کار کرده و از حاصل دسترنج خود نان می خورند."

در تمام سالیان درازی که از انتشار نخستین شماره تا به امروز می گذرد، "نامه مردم" به این اصل وفادار بوده و همین وفاداری، کینه و دشمنی امپریالیسم و ارتجاع را برانگیخته و برمی انگیزد.

انتشار دوره هشتم "نامه مردم" مصادف بود با یکی از دشوارترین دوران تاریخ هفتاد و پنج ساله حزب ما. یورش گسترده ارگان های امنیتی رژیم در سال های ۶۱ و ۶۲، گروهی از برجسته ترین نویسندگان، اندیشمندان و همکاران "نامه مردم" را به زنجیر کشیدند و دشواری های جدی در مقابل ادامه فعالیت و مبارزه حزب ما پدید آورد. کارزار گسترده تبلیغاتی ارگان های امنیتی رژیم برای بدنام کردن حزب و تاریخ طولانی پیکار آن سازمان دهی شوهای تلویزیونی از انسانی هایی نحیف و در هم شکسته که زیر شکنجه های وحشیانه "سربازان گمنام امام زمان" حتی توان تکلم عادی را نیز نداشتند، در کنار تلاش های ارگان های امنیتی رژیم برای ضربه زدن به بازمانده های حزب و انفجار آن از درون، در مجموع شرایط بسیار دشواری را برای ادامه کار حزب و ارگان مرکزی آن پدید آورد.

این دوران دشوار همچنین مصادف بود با بحران جهانی بی که جنبش کارگری و کمونیستی جهان را در اواخر دهه هشتاد میلادی و اوایل دهه نود میلادی در خود فرو برد و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای سوسیالیستی در اروپای شرقی به اوج رسید. تهاجم جهانی تبلیغاتی گسترده رسانه های امپریالیستی به گسست های جدی در صفوف جنبش جهانی طبقه کارگر منجر شد و وظایف بسیار حساس و مهمی را در مقابل "نامه مردم"، به عنوان ارگان مرکزی حزب قرار داد. حزب توده ایران و ارگان مرکزی آن، با وجود این بحران ها، برخلاف سایر نیروهای مدعی که یک شبه تغییر ماهیت دادند و جبهه عوض کردند، به اعتقادات خود، از جمله به سوسیالیسم علمی وفادار ماند، و هم چنان به مبارزه خود در راه



رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان بدی و فکری از زنجیرهای استثمار سرمایه انحصاری ادامه داد.

تولد دوباره "نامه مردم"، به مثابه ارگان مرکزی حزب توده ایران، با استقبال پرشور رفقای توده ای روبرو شد و موجی از شادی و امید در قلب همه توده ای ها برپا کرد. انتشار مجدد ارگان مرکزی حزب دلالت بر ادامه پیکار توده ای ها و تشدید مبارزه ای داشت که مدت کوتاهی پیش از این دشمنان "تابودی" و "انحلال" آن را اعلام کرده بودند. به همین مناسبت نامه ها و تبریک های گرمی از جانب رفقای حزبی و خوانندگان "نامه مردم" به رهبری حزب و هیئت تحریریه "نامه مردم" رسید. که برای نمونه با استفاده از آرشيو روزنامه در این جا شمار محدودی از آنها را نقل می کنیم:

* رفیقی می نویسد: "ای کاش می دانستید که از شدت شادی چگونه بغض گلویم را گرفته بود. برای اولین بار که "نامه مردم" را دیدم چند لحظه به آرم آن در صفحه اول خیره شدم، گویی میلیونها زحمتکش را می دیدم که هورا می کشند. نامه مردم خاری است در چشم دشمنان..."

* جمعی از هواداران حزب نوشتند: "تبریک و شادباش ما را به مناسبت انتشار مجدد "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزبمان را بپذیرید. موفقیت و پیروزی شما را در امر خطیری که در پیش دارید آرزو می کنیم..."

* رفیق دیگری یادآور شد: "چنان پر شد فضای سینه از دوست، که فکر خویش گم شد از ضمیرم. در این سکوت و ظلمت وحشتناک، چاپ دوباره "نامه مردم" چقدر نوید بخش است. آن را چنان به سینه می فشارم که غریقی، ساحل نجات را، یاد بچه ها می افتم که قطور "نامه مردم" را در خیابانها و سرچهارراه ها در دست می گرفتند و می فروختند: "آی مردم، نامه مردم"... هنوز روی بعضی از دیوارهای تهران خوانده می شود، "نامه مردم" را بخوانید!"

ادامه پرچم همیشه در اهتزاز حزب ...

* رفیق دیگری به حزب نوشت: "همسرم تلفنی به من خبر داد که "نامه مردم" منتشر شده است. یکبارہ تمام بدنم از شوق لرزید. گفتم، یک بار دیگر بگو! گفت: "نامه مردم" منتشر شده، نامه مردم... فریاد زدم، به کوری چشم خفاشان خورشید سر زد! به رسم مزده گانی پیراهن سپیدی به پاکی حزب و گل سرخی به رنگ خون شهیدان حزب به همسرم هدیه دادم. در خانه ما درخت شادی سر به آسمان می‌سایید..."

* برادر یکی از شهدای حزبی نوشت: "با رسیدن "نامه مردم" فریاد کشیدم، شاخه را می‌توان شکست ولی ریشه را نمی‌توان کند. تنها احق ما می‌کوشند این صدا را خاموش کنند..."

* در نامه جمع دیگری از اعضا و هواداران حزب آمده بود: "با تبریک و اظهار مسرت از ظهور مجدد "نامه مردم" در عرصه پیکار، دستیابی هرچه زودتر به اهداف حزب را آرزو می‌کنیم..."

* یکی از رفقای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بعد از دریافت "نامه مردم" نوشت: "انتشار نامه مردم در این شرایط حیاتی و خطیر نقش بسزائی در روند آگاهی بخشیدن به مبارزان راستین و میهن پرستانه خواهد داشت. از طرفی نشانه آن است که برخلاف ادعاهای دروغین مزدوران رنگارنگ، کار بازسازی حزب و سامان بخشی آن به طرز شگفت‌انگیزی دارد صورت می‌گیرد... پیروز باشید."

این‌ها نمونه‌هایی چند از نظرات و احساسات رفقا در ارتباط با انتشار دوباره "نامه مردم" بود که به همراه ده‌ها شعر و کارت تبریک به موقع خود برای حزب فرستاده شد.

با مروری گذرا به آرشیو "نامه مردم" در سی و دو سال گذشته می‌توان خطوط عمده تلاش‌های نظری و سیاسی ارگان مرکزی حزبمان را در چارچوب‌های زیر خلاصه کرد:

* مبارزه در راه بازسازی سازمان حزب و انسجام و حفظ وحدت صفوف آن. مقابله با توطئه‌های دستگاه امنیتی رژیم برای ضربه زدن به تاریخ مبارزات حزب ما و مختل کردن فعالیت‌های افشاگرانه حزب؛

* دفاع بی‌گیر از آرمان‌ها و مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان و دفاع از اندیشه‌های مارکسیسم - لنینیسم. ایستادگی بر مواضع اصولی، دوری از جزم‌گرایی و دفاع منطقی از جهان بینی حزب؛

* بسیج و تدارک کارزار جهانی دفاع از زندانیان سیاسی ایران و افشاگری مستمر جنایت‌های رژیم ولایت فقیه.

* تلاش خستگی‌ناپذیر در راه اتحاد و همکاری نیروهای آزادی خواه و مترقی، و مبارزه برای ایجاد "جبهه واحد ضد دیکتاتوری"؛

* پیکار در راه خواست‌های برحق مردم ایران در مقابل استبداد و واپس‌گرایی برای تحقق آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک

* دفاع از مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمت‌کشان برای بهره‌وری از دستمزد عادلانه، بیمه‌های اجتماعی، و دست‌یابی به حقوق صنفی-سندیکایی؛

* دفاع قاطعانه از حقوق خلق‌های تحت ستم میهن ما برای دست‌یابی به حقوق ملی‌شان و تلاش در راه استقرار ایرانی آزاد و فدرال؛

* حمایت بی‌گیر از مبارزه شجاعانه زنان میهن بر ضد قوانین قرون وسطایی و زن‌ستیزانه رژیم تاریک اندیش و حمایت از پیکار زنان برای دست‌یابی به حقوق پایمال شده‌شان، و برابری جنسیتی؛

* همگامی و همراهی با جوانان و دانشجویان کشور در گرمای داشت هفت دهه تاریخ درخشان جنبش دانشجویی کشور به عنوان یکی از گردان‌های اجتماعی رزمنده برای تحقق آزادی و عدالت اجتماعی و دفاع از مبارزه آنها برای راه‌های از بند‌های واپس‌گرایی تحمیل شده به مراکز آموزش عالی و دست‌یابی به حقوق صنفی؛

* دفاع از صلح عادلانه و مبارزه بر ضد جنگ خانمان سوز ایران و عراق. آن‌هم در شرایطی که رژیم بر طبل جنگ می‌کوبید، و شعار "فتح کربلا" و "جنگ، جنگ تا پیروزی" سر می‌داد. بدون شک پیکار توده‌ای‌ها از همان فردای فتح خرمشهر برای استقرار صلح و پذیرش آتش بس بین دو کشور یکی از آن عوامل اصلی کینه و درنهایت حمله به حزب توده ایران بود. با این وجود حزب ما با سیاست درست و اصولی خود و افشاگری در زمینه سیاست ادامه جنگ سهم معینی در نواندازن جام زهر به سران رژیم داشته است. "نامه مردم" در بازتاب و تبلیغ این سیاست در میان مردم سهم جدی داشته است.

* دفاع اترناسیونالیستی از حزب‌ها و نیروهای کارگری و کمونیستی جهان و جنبش‌های مترقی، مانند دفاع از کوبای انقلابی، و جنبش خلق فلسطین در برابر فشارهای امپریالیسم. مخالفت با سیاست جنگ و آتش افروزی کشورهای سرمایه‌داری در گوشه و کنار جهان برای انقیاد خلق‌ها، از جمله سیاست‌های مخرب اعمال شده در خاورمیانه؛

* مبارزه با جریان‌های اپورتونیستی و پوپولیستی که با ماسک "تواندیشی" به راست‌گلتیدند و از جبهه ضد کارگری سر درآوردند.

* از دیگر وظایف مهم "نامه مردم" هم چنین گرمی داشت یاد و خاطره شهیدان حزب و جنبش بوده است. این امر در ارگان مرکزی ما جای مهمی داشته است. بسیج نیرو و تدارک کارزار در کشورهای مختلف در زمینه افشاء جنایات رژیم به ویژه در جریان فاجعه ملی سال ۱۳۶۷ که سران جمهوری اسلامی به تلافی شکست سیاست ادامه جنگ خود، جنایت بی‌سابقه‌ای را در زندان‌های سراسر ایران سازمان دادند، که در پی آن صدها تن از رهبران برجسته و انقلابی، نویسندگان، هنرمندان مردمی، سندیکالیست‌ها و اعضا و هواداران جریانات سیاسی به ویژه رهبران و اعضا حزب توده ایران به شهادت رسیدند. نقش ویژه‌ای در افشای ماهیت ضد انسانی رژیم در افکار عمومی جهان داشت. ما یقین داریم که اگر روزی در دادگاهی صالح به کارنامه‌نگین جمهوری اسلامی رسیدگی شود و در سایه مبارزات مردم میهن ما مثلاً کمسیون حقیقت‌یابی برای بررسی جنایات رژیم تشکیل گردد، شماره‌های مختلف "نامه مردم" که درون برگ‌های خود جنایات رژیم را ثبت کرده است از اسناد مهم و غیر قابل انکار برای ارایه به این کمسیون خواهد بود.

این موارد تنها نمونه‌هایی چند از مجموعه فعالیت‌های "نامه مردم" در ظرف سی و دو سال اخیر است، که به شکل خلاصه به آن‌ها اشاره شد. "نامه مردم" در آینده نیز هم چون گذشته به وظایف انقلابی خود عمل کرده و در این راه پرچم توده‌ای‌ها در میان کارگران، محرومین جامعه، زنان، جوانان و دانشجویان است و در یک کلام به ایفای وظیفه خود یعنی بردن دیدگاه‌ها و مواضع حزب توده ایران به میان جنبش مردمی عمل خواهد کرد.

انتشار هزار شماره "نامه مردم"، بدون تلاش پیگیر ده‌ها تن از رفقا، هواداران و دوستان حزب در ایران و خارج از کشور که در این سال‌های طولانی در راه کمک به اعتلای علمی و محتوایی آن از هیچ کمکی دریغ نکردند امکان پذیر نمی‌بود. ادامه این تلاش نیز همچنان گذشته‌مدیون فدکاری‌های بی‌چشم داشت رفقا، هواداران و دوستان حزب خواهد بود.

"نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران با وجود دشواری‌های گوناگون، کمبودها و کاستی‌های موجود، وفادار به سنت‌های درخشان انقلابی و مردمی خود، خستگی‌ناپذیر در سنگر نخست مبارزه حضور دارد و با امید به آینده‌ای بهتر به مثابه پرچم همیشه در اهتزاز حزب توده ایران و سخنگوی زحمتکشان فعالیت خود را ادامه می‌دهد.

هیچ زورگوی مستبدی نتوانسته و نخواهد توانست این فعالیت روشنگرانه و آینده‌ساز را متوقف کند. "نامه مردم" همچنان در سنگر محرومان و ستمدیدگان، در سنگر کارگران، زنان، جوانان و دانشجویان و مبارزان راه طبقه کارگر و آزادی و عدالت اجتماعی در سراسر جهان به پیکار خود ادامه خواهد داد.

ادامه "نامه مردم" همگام با جنبش ...

زمینه ارائه می‌کند.

میهن ما از آغاز دوران جمهوری اسلامی با وضعیتی مواجه گردیده است که در تنگنا قرار دادن زندگی زنان و اعمال تبعیض‌های گوناگون اجتماعی و حقوقی بر آنان نمود ویژه‌ای یافته است. تحمیل این فشارها و بی‌حقوقی‌ها بر زنان میهن ما، موجب گردید تا حساسیت نسبت به سرنوشت نیمی از توده آفرینشگر و زندگی‌بخش میهن ما بیش از هر زمان دیگری در تاریخ معاصر ایران، افزایش یابد. تشدید این احقاف‌ها نسبت به زنان و دختران موجب گردید تا یکی از گسترده‌ترین و مؤثرترین جنبش‌های اجتماعی - که با جرئت می‌توان گفت در دنیا بی‌نظیر است - از سوی زنان ایرانی شکل بگیرد. وضعیت کنونی جنبش زنان چنان است که، با وجود سرکوب شدید کل این جنبش و تک‌تک فعالان آن، از پتانسیل عظیم آن به‌هیچ‌عنوان کاسته نشده است.

"نامه مردم"، با توجه به دشواری‌های ویژه‌ی زنان در رژیم ولایت‌فقیه، در این ارتباط جستارهای گوناگونی را منتشر کرده است. باینکه زنان میهن ما از همان فردای استقرار جمهوری اسلامی با سیاست‌های زن‌ستیزانه این رژیم به مقابله برخاستند، اما تحولات در این زمینه، از دوران دوم خرداد به بعد، جایگاهی ویژه در جنبش زنان دارد. گزارش‌ها و مقاله‌های تحلیلی "نامه مردم" در این دوره شایسته‌ی بازبینی‌ای دوباره است، زیرا در بردارنده‌ی درس‌هایی آموزنده برای همگان است. باور به نیروی اجتماعی، بسترساز تمام تحولات اجتماعی‌ای است که در تاریخ معاصر میهن ما روی داده‌اند. حرکت دوم خرداد ۱۳۷۶، که رژیم ولایت‌فقیه را تکان داد و به‌هراس افکند، برآمده از جنبشی بود که زنان در برپایی آن سهم عمده‌ای داشتند. این واقعیت از دید هیچ نیروی سیاسی‌ای پنهان نماند. اصلاح‌طلبان حکومتی درصدد بهره‌برداری از آن پرامند و مرتجعان زن‌ستیز به تجهیز قوا برای متوقف آن دست زدند. متأسفانه در این دوران بسیار سرنوشت‌ساز، امکان فعالیت نیروهای خارج از حاکمیت به‌شدت محدود بود و همین امر موجب گردید تا جنبش زنان در چارچوب‌هایی فعالیت کند که اصلاح‌طلبان از یک سو و ارتجاع حاکم از دیگر سو در آن دست بالا را داشتند. بدون شک فعالیت حتی در همین چارچوب‌ها هم دستاوردهای بزرگی به‌همراه داشت، اما دیدگاه‌های بعضی نیروهای سیاسی موسوم به اصلاح‌طلب درنهایت نتوانست امر مهم "تکیه کردن به نیروی اجتماعی" را بر "حفظ نظام" ترجیح دهد و باورهای غلط در ارتباط با ماهیت زن‌ستیز رژیم حاکم را تصحیح کند. "نامه مردم"، در این باره بحث‌های گوناگونی را دامن زد که بازخوانی برخی از آن‌ها مفید است.

"نامه مردم"، شماره ۵۸۶، ۷ تیرماه ۱۳۷۹، در مطلبی با عنوان: "تأملی بر مبارزهٔ جنس دیگر" و تأثیر آن بر روند اصلاحات و جنبش اصلاح‌طلبانه، به بررسی موضع‌گیری‌های عباس عبدی می‌پردازد که در ارتباط با تعداد کم زنان انتخاب‌شده در مجلس ششم، گفته بود: "... به‌این دلیل است که مهم‌ترین مسئله جامعه ما در حاضر، شکاف مردسالاری و آمريت یا به‌عبارتی دمکراسی است. ... این خصوصیات عموماً در مردها خودش را متجلی کرده است. شاید اگر از این مرحله گذر کنیم و مسئله عدالت و برابری و رفع تبعیض پیش بیاید زنان هم بتوانند مشارکت بیشتری داشته باشند ولی در مرحله دمکراسی، جنسیت، خودش را خیلی نشان نمی‌دهد. یعنی کسی دنبال این نیست که به یک زن رأی بدهد یا یک مرد. ... من [عباس عبدی] در مصاحبه‌ام گفتیم که مسئله اصلی ما دموکراسی است و نه جنسیت و تبعیض جنسی". "نامه مردم"، در جواب این اظهارات، با تشریح درک صحیح از دموکراسی، به برداشت‌های نظری نادرست و مغشوش بخشی از طیف نیروهای اصلاح‌طلب می‌پردازد و در رابطه با این دیدگاه که مسئله مشارکت زنان در حیات سیاسی کشور را باید به بعد موکول کرد، سخنان عبدی را چنین تحلیل کرد: "به‌عبارت روشن‌تر، در مبارزه بر ضد استبداد و ارتجاع حاکم، این مردان‌اند که نقش اساسی را برعهده دارند، و از این رو طبیعی است که نقش مردان نیز در حیات سیاسی کشور بیشتر باشد." و در ادامه می‌آورد: "در رد نظر آقای عبدی کافی است اشاره کنیم که زنان دلیبر میهن ما، در بیست سال گذشته، در هیچ عرصه‌ای از پیکار برای آزادی و عدالت اجتماعی نبوده است که دوش‌پدوش سایر نیروهای اجتماعی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای را ایفا نکرده باشند." و باز در قسمتی

دیگر اضافه می‌کند: "هر جنبش مترقی، برای رسیدن به‌هدف‌های خود به پشتوانهٔ مردمی احتیاج دارد، بازناب خواست‌های مردم در برنامه و مبارزهٔ جنبش است که این پشتیبانی را به‌همراه می‌آورد نه سکوت در برابر آن‌ها." کسانی که مسائل سیاسی ایران را از آن زمان تا کنون پی‌گیری کرده‌اند، می‌دانند که عباس عبدی از جمله نیروهای سیاسی‌ای بود که موضوع خروج از حاکمیت را مطرح کرد و برای مدتی هم به زندان رفت و درنهایت با جناح رفسنجانی به همکاری پرداخت و اخیراً هم به‌طور تلویحی با شرکت در انتخابات موافق بود و موضع‌گیری‌هایی مغشوش و مبهم دارد. سرنوشت سیاسی افراد و گروه‌های سیاسی‌ای که به جنبش‌های اجتماعی باور ندارند و یا درکی ابتدایی از نقش آن‌ها دارند، درنهایت به سرانجامی می‌رسد که عباس عبدی یکی از نمونه‌های آن است.

"نامه مردم"، شماره ۶۲۱، ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۸۰، در مطلبی کوتاه به مقاله‌ی مندرج در روزنامهٔ "توروز" که در ارتباط با انتصاب زنان در پست‌های کلیدی است می‌پردازد و می‌نویسد: "نگاهی گذرا به تقاضای عمومی زنان در جامعه نشان می‌دهد که مشکل اصلی زنان آن چیزی نیست که نمایندگان محترم به‌دنبال آن هستند. با یک نگاه کلی به جامعه و خواست‌هایی که مطرح شده است می‌توان گفت آن چیزی را که نیمی از جمعیت ما به‌دنبال آن هستند با دیدگاه و ایدهٔ زنان مسئول یکی نیست. ... آیا اگر عدهٔ قلیلی که از شمار انگشتان کمتر هستند به پست‌های بالای اداری راه یافتند، تمام مشکلات پیش‌روی زنان از بین می‌رود؟" نامهٔ مردم در ادامه این نقل‌قول نسبت به این بینش صحیح واکنش مثبت نشان می‌دهد، اما در عمل نشان داده شد که چنین بینشی در بین اصلاح‌طلبان وجه غالب نیست.

"نامه مردم"، شماره ۶۲۲، ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۸۰، در رابطه با تفکرات طالبانی، نوشت: "معاون امنیتی - انتظامی استانداری تهران، در مصاحبه‌ای، در مورد تدابیر امنیتی لازم برای بازی فوتبال ایران - ایرلند، گفت: "همانند سابق خانم‌ها نمی‌توانند برای تشویق تیم ملی به ورزشگاه بروند. با پیش‌بینی‌های انجام‌شده تعداد محدودی از خانم‌های ایرلندی که از این کشور به‌صورت قانونی برای تشویق تیم ملی کشورشان به ایران سفر کرده‌اند بلامانع است. درخصوص حضور خانم‌ها در این‌گونه مسابقات باید از نظر مسائل امنیتی، اجتماعی و سیاسی کار کارشناسی صورت گیرد و مسئولان نیز به یک جمع‌بندی واحد در این مورد برسند." لازم به توضیح است که حضور زنان در ورزشگاه‌ها هنوز هم ممنوع است.

"نامه مردم"، شماره ۶۲۷، ۱۶ بهمن‌ماه ۱۳۸۰، سخنان خانم شهین مولوردی که در آن زمان سرپرستی ارتباطات بین‌الملل مرکز امور مشارکت زنان را عهده‌دار بود و هم‌اکنون هم شغلی کمابیش مشابه را در دولت روحانی دارد را می‌آورد که در ارتباط با پیوستن ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان است: "این الحاق راهی است جهت کاهش فشارها بر ایران، همچنین زمینهٔ درک بهتر قوانین مربوط به زنان فراهم خواهد شد. ... ازآنجاکه الحاق ایران به این کنوانسیون مشروط است، با قرار دادن شرط کلی "عدم مغایرت با موازین شرعی"، ابتکار عمل را به‌دست گرفته و می‌توانیم پیامدهای مختلف این الحاق را با توجه به منافع خود و به‌صورت ارادی تنظیم کنیم." نامه مردم با تحلیل این سخنان و با تأکید بر سرشت ضد‌مردمی رژیم ولایت‌فقیه، نتیجه می‌گیرد که تأمین حقوق برابر برای زنان میهن‌مان در چارچوب رژیم ولایت‌فقیه خیالی عبث است.

صرف‌نظر از سخنان مولوردی، موضوع مهم‌تر این است که پیوستن ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان اصولاً عملی نشده است، و مسئله تطبیق آن با موازین شرعی و غیرشرعی هم بحثی مع‌الفارغ بود. "نامه مردم"، علاوه بر آن شماره، در شمارهٔ ۶۶۶، ۱۴ مردادماه ۱۳۸۲، در سرمقاله‌اش با عنوان: "ارتجاع قرون وسطایی در برخورد با حقوق انسانی زنان"، تصویب لایحهٔ پیوستن ایران به "کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان" را موردبررسی قرار می‌دهد. در این مقاله، سخنان آیت‌الله نوری همدانی نقل می‌گردد که تصویب این لایحه را "امام نه‌تنها" مصیبت بلکه فاجعه بزرگ" نام می‌دهد. سخنان احمد خاتمی [امام جمعهٔ کنونی تهران] هم نقل می‌شود که تصویب این لایحه را غیرممکن می‌داند. "نامه مردم"، در همان مقاله، می‌نویسد: "مخالفت تاریک اندیشانه حاکم بر میهن ما با این کنوانسیون امری اتفاقی و صرفاً تبلیغاتی نیست. مسئله زیر پا گذاشتن خشن و غیرانسانی حقوق زنان، از همان [آغاز] استقرار رژیم ولایت‌فقیه در میهن ما، تجاوز به حقوق زنان، و تبدیل بیش از نیمی از جامعه ما

ادامه "نامه مردم" همگام با جنبش ...

به شهروندان درجه دوم، بخشی از برنامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی رژیم بوده است و این سیاست همچنان ادامه دارد.

"نامه مردم"، شماره ۶۱۷، ۲۰ شهریورماه ۱۳۸۰، سخنان محمد خاتمی را نقل می‌کند که در جواب چرایی کابینه بدون وزیر زن، گفته بود: "الزامی برای انتخاب یک زن به‌عنوان وزیر وجود ندارد. وانگهی من نمی‌توانستم با انتخاب یک زن به‌عنوان وزیر، ریسک کنم. ... اگر یک آقا در کابینه باشد و خوب عمل نکند، لطمه‌ای ایجاد نمی‌کند ولی اگر یک زن بدون تجربه و سابقه بیاید، لطمه‌اش به کل زنان می‌خورد. ... باید فعلاً در سطوح مدیریت میانی از وجود زنان استفاده بشود." این تیپ سخنان هنوز هم کلیشه‌وار از طرف نحله‌های فکری نزدیک به حکومت با عنوان اصلاح‌طلبی بیان می‌شود تا زن‌ستیزی رژیم ولایی را توجیه کنند و جنبش‌های اجتماعی را در بن‌بست قرار دهند.

"نامه مردم"، شماره ۶۲۰، اول آبان‌ماه ۱۳۸۰، در مطلبی با عنوان: "حقوق زنان و ولی فقیه"، سخنان فاطمه حقیقت‌جو را نقل می‌کند که پس از دیدار با خامنه‌ای ایراد شده بود. فاطمه حقیقت‌جو که آن هنگام نماینده مجلس بود و هم‌اکنون در آمریکا به‌سر می‌برد، در رابطه با آن دیدار ازجمله می‌گوید: "موضوع‌های موردبحث بیشتر پیرامون توجه حوزه‌های علمیه به مسائل حقوقی زنان، ارتقای مدیریتی این قشر از جامعه و همچنین ارائه یک الگوی ایرانی و اسلامی به دختران و نسل جوان کشور بود. ... مقام رهبری در مورد حضور زنان در سطح مدیریتی فرمودند که در این خصوص معارضه‌ای نیست." حقیقت‌جو در جایی دیگر می‌گوید: "اگر جامعه و اراده سیاسی مسئولان اجازه پاسخگویی به مطالبات زنان را ندهند، به‌زودی جنبش زنان متولد می‌شود. ... ما این هشدار را می‌دهیم که چه‌بسا این جنبش، فمینیستی، افراطی و خارج از چارچوب‌های اندیشه‌های دینی باشد." در همان مطلب فاطمه حقیقت‌جو، اندیشه‌های خمینی و خامنه‌ای در مورد زنان را مترقی اعلام می‌کند.

مربوط شماره ۷۳۸، ۲۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۵، مصاحبه خانم شیرین عبادی با روزنامه "اومانیته" را منتشر می‌کند که در مورد شکست اصلاح‌طلبان می‌گوید: "خاتمی به دموکراسی اعتقاد داشت، اما بر اساس قانون اساسی، قدرت‌های رئیس‌جمهوری محدودند. ... این شورای نگهبان است که باید قوانین را تأیید کند. مجلس ششم به یک قانون برای تصویب لایحه‌ای علیه تبعیض بر ضد زنان رای داد. شورای نگهبان آن را به بهانه اینکه این قانون مغایر شرع است رد کرد. ... می‌بینید که قدرت واقعی در دست شورای نگهبان و رهبر است."

"نامه مردم"، در شماره ۷۴۰، ۱۸ خردادماه ۱۳۸۵، پشتیبانی حزب توده ایران از مبارزات دلیرانه زنان ایران برای رفع نابرابری‌های جنسی و دستیابی به آزادی و برابری را اعلام کرد که با فراخوان زنان برای یک گردهمایی مربوط می‌گردید. در شماره بعدی، "نامه مردم" در سرمقاله‌اش، بازهم به این گردهمایی و سرکوب آن از سوی رژیم ولایت‌فقیه می‌پردازد. "نامه مردم"، چند هفته پس از سرکوب گردهمایی زنان، در شماره ۷۴۳ خود، به افشاگری درباره طرحی می‌پردازد که در آن قرار بود به‌اصطلاح ارتقای سطح زندگی زنان موردبررسی قرار گیرد.

"نامه مردم"، شماره ۷۵۴، ۳۰ آذرماه ۱۳۸۵، به بررسی مبارزات زنان میهنی می‌پردازد و ضمن برشمردن کارزارهای عملی این جنبش و حمایت از آن‌ها، می‌نویسد: "جنبش زنان، به‌درستی دریافت که حضور نخبگان جنبش با تمام گستردگی خود، بدون ارتباط با بدنه اجتماعی خویش، یعنی با توده‌های محروم زنان، و انتقال آگاهی به میان آنان، نخبگانی جدا از توده خواهند بود و نیز این تجربه گران‌بها که تغییر در قوانین ضد زن بدون حضور توده‌ها و از طریق چانه‌زنی در "بالا" و پشت درهای بسته به‌دست نمی‌آید."

۸ مارس، روز جهانی زن، در نشریه "نامه مردم" جایگاه ویژه‌ای دارد و هرساله به‌این مناسبت اعلامیه کمیته مرکزی در آن منتشر می‌شود و مقاله‌های متعدد دیگر و گزارش نشست‌ها و گردهمایی‌ها به‌مناسبت این روز جهانی در صفحه‌های آن انعکاس می‌یابند.

"نامه مردم"، در بسیاری از هزار شماره دوره هشتمش، به وضعیت اشتغال و حقوق زنان کارگر و زنان سرپرست خانوار و نان‌آور خانواده پرداخته است و در انعکاس رنج‌ها، تنگناهای معیشتی و دشواری‌های زندگی روزمره

کارگران همه کشورها متحد شوید!

۲۲ خرداد روز همبستگی زنان ایران!

"بازی و در کنار بکریگر بودن" نتیجه داد و به این ترتیب در روز موعود هزاران نفر در جلو دانشگاه تهران گرد آمدند و با شعارهایی از قبیل "ما زنی هستیم، شهروند این داریم، اما حق نداریم" و "آزادی، برابری، حق طبیعی ماست" پارادگرم رایج خود را برای مبارزه ای بیگرو و حسنگی نابین و دستپا به حقوق انسانی خود اعلام کردند.

آن روز صدای رسای اعتراضی زنان در هم ایخته شد و باهم بودن و در کنار هم مبارزه کردن به نمایش درآمد. امری که به هیچ وجه

خرداد ماه اسال نو سال از ۲۲ خرداد سال ۸۴ می گذرد، روزی که گروه های مختلف زنان با استفاده از فضای انتخاباتی پس از منتهای بحث و هم اندیشی تصمیم گرفتند تظاهرات مسالمت آمیزی را در اعتراض به موارد زن ستیز در قانون اساسی و قوانین مدنی سازمان دهند در بینه ای که صادر کردند ضمن دعوت به تظاهرات مسالمت آمیز، آوردند: "در اوضاع کنونی، مشکلات و موانع بسیاری بر سر راه احقاق حقوق زنان وجود دارد و ما زنان برای بگیری حقوق خود ازای جز رساندن صدای خود نداریم، برای اینکه بتوانیم مشکلات خود را با صدای رسای به گوش گروههای دیگر جامعه برسانیم، نیاز به بازی بکریگر و در کنار بکریگر بودن داریم."



ارگان مرکزی حزب توده ایران
شماره ۷۶۶، دوره هشتم
سال بیست و یکم، ۱۹ خرداد ۱۳۸۶

ادامه در صفحه ۳

آنان در قالب جستارهایی گوناگون مطالبی روشنگر نگاشته و منتشر کرده است. بخشی مهم از فعالیت حزب توده ایران رابطه با نشریه‌های بین‌المللی‌ای است که نماینده و ارگان جنبش‌های اجتماعی در سراسر جهان‌اند. ارتباطات بین‌المللی حزب توده ایران ازجمله فعالیت در عرصه جهانی مبارزه به‌منظور رفع تبعیض علیه زنان میهن ما و اطلاع‌رسانی در این مورد و، درمجموع، مبارزه در راه دستیابی زنان به حقوق راستین‌شان را نیز دربر دارد. "نامه مردم"، شماره ۷۴۶، ۲۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۶، گزارشی از چهاردهمین کنگره فدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان را منتشر کرد که متن پیام "تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" را هم شامل می‌شد. در این پیام، سعی شد تا سیمای واقعی رژیم زن‌ستیز ولایت‌فقیه و مسائل و مشکلات زنان میهن ما برای شرکت‌کنندگان در کنگره به‌وضوح ترسیم گردد و درباره آن توضیح داده شود.

"نامه مردم"، شماره ۷۶۶، ۱۹ خردادماه ۱۳۸۶، در سالگرد تظاهرات زنان در ۲۲ خرداد سال ۱۳۸۴، به تجلیل و تجزیه‌وتحلیل این حرکت جسورانه زنان میهن پرداخت و به‌درستی از آن تقدیر کرد، و در شماره ۷۷۳ خود، در ۲۴ شهریورماه ۱۳۸۶، در مقاله‌ی، لایحه رسوای "حمایت از خانواده" موضوع بحث قرار گرفت، یعنی لایحه‌ی که در آن، چندهمسری قانونی می‌شد. در قسمتی از این مقاله آمده است: "از دولت امنیتی - نظامی ای [دولت اول احمدی‌نژاد] که وزیر کشور رسماً صیغه یا فحشای رسمی را تبلیغ می‌کند و حاکمیت مردسالارانه‌ای که برای زن هیچ‌گاه شخصیتی مستقل قائل نبوده بلکه او را تسلیم مرد می‌خواهد (مواردی مثل نداشتن حق کار بدون اجازه همسر، حق مسافرت، محل زندگی...) انتظار لایحه‌ای در حمایت واقعی از خانواده و در جهت ایجاد زمینه‌های مناسب برای رشد و شخصیت‌انسانی زن، امری دور از انتظار است."

پس از انتخاب حسن روحانی به ریاست‌جمهوری و امیدها و وعده‌هایی که برای بهتر شدن وضعیت زنان داده شده بود، "نامه مردم"، در مقاله‌هایی متعدد درباره این توهم‌پراکنی افشاگری کرد. در جریان انتخابات مجلس دهم فعالان سیاسی وابسته به رژیم به‌منظور استفاده از رای زنان به‌نفع جریان‌های نزدیک به هاشمی رفسنجانی و روحانی، مانورهای گوناگونی دادند. "نامه مردم" با اشاره به هوشیاری جنبش زنان، ترندهای گوناگون و شعارهای پوچ جناح‌های حکومتی در حمایت از زنان را افشا کرد. تجربه کاری سه‌ساله دولت روحانی به‌روشنی اثبات کرد که به‌وجود آوردن تغییرهای کیفی به‌نفع زنان در چارچوب بده‌بستان‌های جناح‌های انگلی رژیم میسر نمی‌شود. "نامه مردم" توانست در این زمینه به وظیفه خود تا حد امکان عمل کند. رشته مقاله‌های "نامه مردم" چندین ماه پیش از انتخابات [۷ اسفندماه مجلس شورا] بار دیگر نشان داد که این نشریه حزبی، مسیر منطقی هم‌گامی با توده‌ها را همچنان راهنمای عمل خود قرار می‌دهد.

اشاره به تک‌تک جستارها، گزارش‌ها و تحلیل‌ها در ارتباط با جنبش زنان میهن که در "نامه مردم" نگاشته و منتشر شده‌اند در این مختصر ممکن نیست. سعی ما بر آن بود که در همین حد و به‌طورمستند نشان دهیم که اعتبار هدف‌های نشریه "نامه مردم"، بدون درنظر گرفتن پیوند آن‌ها با جنبش‌های اجتماعی، نمی‌تواند ارزیابی شود. تاریخ نزدیک به سه‌چهارم قرن فعالیت حزب توده ایران گواه زنده‌ای بر این مدعاست. فعالیت دوره هشتم نشریه "نامه مردم"، انتشار هزار شماره آن بدون وقفه، و آغاز سی‌وسومین سال انتشار منظم آن، جایگاه ویژه حزب توده ایران را بار دیگر برجسته می‌کند.

گشت و گذاری در هزار شماره (نامه مردم)

در دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان؛

آرشیو هزار شماره دوره هشتم "نامه مردم" از یک سو نماینگر طیف گسترده ای از موضوع ها و مطالب مختلفی است که نشریه ارگان حزب ما با توجه به اولویت های روز مبارزه به آنها پرداخته است و از سوی دیگر نشانگر خط سرخ دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان میهن ما، مبارزه بر ضد استبداد و همبستگی با مبارزه زحمتکشان سراسر جهان است.

در هزار شماره "نامه مردم" سدها مطلب در زمینه مبارزه طبقه کارگر ایران بر ضد سیاست های مخرب و ولیبرالی رژیم ولایت فقیه، برای تامین حقوق صنفی و سندیکایی و همچنین ضرورت سازماندهی طبقه کارگر ایران انتشار یافته است. "نامه مردم" با درک نقش تاریخی و دوران ساز طبقه کارگر و زحمتکشان در جنبش آزادی خواهان میهن همواره بر ضرورت تلاش مشترک گردان های اجتماعی و اتحاد عمل همه نیروهای آزادی خواه تأکید ورزیده است.

"نامه مردم"، شماره ۷۶۷، ۲ تیرماه ۱۳۸۶، در مطلبی با عنوان "در راه فعالیت ثمر بخش سندیکایی" از جمله می نویسد: "با رشد آگاهی طبقاتی زحمتکشان و حمایت روزافزون آنان از سندیکاهای مستقل و احیای حقوق سندیکایی، جنبش کارگری - سندیکایی میهن ما در مرحله ای دشوار و حساس قرار گرفته و وظایفی خطیر و سنگین در برابر آن خود نمایی می کند. یکی از این وظایف اساسی که در عین حال از اولویت ویژه در دوره کنونی برخوردار است، چگونگی فعالیت ثمر بخش برای تشکل و سازماندهی وسیع کارگران و زحمتکشان در سازمان های پایه ای خود در واحدهای مختلف تولیدی و خدماتی است. همین امر سبب بحث و داوری هایی در درون و بیرون از جنبش سندیکایی گردیده و ذهن بسیاری از فعالان کارگری و نیروهای هوادار منافع زحمتکشان را به خود مشغول داشته است... اصولاً جنبش سندیکایی بنابه ماهیت خود، از آنجا که وظیفه اصلی آن متشکل ساختن کارگران در دفاع از حقوق و منافع صنفی آنان و دیگر مزدبگیران است، از حقوق و منافع همه زحمتکشان صرف نظر از رنگ، مذهب، نژاد و اعتقاد و وابستگی سیاسی دفاع کرده و وجود عقاید متفاوت سیاسی در میان کارگران در امر مبارزه برای تامین حقوق صنفی، مانعی در راه سازماندهی آنان در سندیکاها به عنوان یک سازمان طبقاتی نبوده و نیست. این امر به ویژه در مرحله کنونی رشد و گسترش جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران از اهمیت درجه اول برخوردار است. جنبشی که هنوز نو پا قلمداد می شود، بیش از هر چیز به وحدت و اتحاد عمل نیازمند است!..."

"نامه مردم"، شماره ۸۳۴، ۲۸ دی ماه ۱۳۸۸، در سرمقاله ای با عنوان "تشدید فشارهای اقتصادی اجتماعی بر کارگران و زحمتکشان و ضرورت پیوند نزدیک تر مبارزه کارگران با جنبش ضد استبدادی" از جمله می نویسد: "برکسی پوشیده نیست که دولت نامشروع کودتا در خدمت به منافع کلان سرمایه داری خصوصاً لایه های انگلی و غیرمولد و ارگان های نظامی-امنیتی و انتظامی، اقتصاد ملی، بخش تولید و به همراه آن منافع وسیع ترین طبقات و قشر های اجتماعی را نادیده و پایمال ساخته است. حقوق و منافع طبقه کارگر به شکل گسترده بی مورد تعرض و دستبرد قرار گرفته، و علاوه بر آن، برنامه های دولت ضد مردمی احمدی نژاد در عرصه های مختلف سیاسی-اقتصادی و اجتماعی تا به امروز اثرات و نتایج فاجعه باری برای زحمتکشان به بار آورده است. ... کارگران و زحمتکشان و فعالان جنبش سندیکایی به خوبی آگاهند که، اگر خواستار مبارزه با اصلاح قانون کار، توقف خصوصی سازی، لغو قراردادهای موقت و احیای حقوق سندیکایی هستند، این آماج ها بدون پیوند تنگاتنگ و خلاق با جنبش دمکراتیک و آزادی خواهانه کنونی، صورت تحقق نخواهد یافت. به بیان دیگر، تامین خواست ها و حقوق طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان پیوند تنگاتنگی با تحقق خواست های جنبش ضد استبدادی در لحظه دارد. حضور و مشارکت زحمتکشان در مبارزه با استبداد ولایتی و دولت نامشروع کودتا، مبارزه و حضوری کاملاً آگاهانه و مبتنی بر منافع طبقاتی



ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۷۸۹، دوره هشتم
سال یست و دوم ۷ اردیبهشت ۱۳۸۷

جنبش کارگری و مبارزه برای
تأمین منافع صنفی-سیاسی
نامی بر اهداف و ویژگی های
جنبش کارگری-سندیکایی کشور
در صفحه ۳

برگزاری مجمع عمومی
«شورای جهانی صلح»
در صفحه ۸

استوار یاد همبستگی
زحمتکشان جهان!
در صفحه ۲

ضرورت حضور فعال زنان
کارگر
در مبارزات جاری
در صفحه ۵

کارگران بر کشور متحد شوید!

ویژه نامه اول ماه مه

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر
فرخنده باد اول ماه مه، روز همبستگی رزمجویانه
کارگران جهان بر ضد استبداد، بی عدالتی، ستم
طبقاتی و امپریالیسم



کارگران و زحمتکشان!
کمیته مرکزی حزب توده ایران فرارسیدن اول ماه مه روز جهانی کارگر، روزی که کارگران سراسر جهان در صفوف میلیونی عهد و پیمان خود را در راه مبارزه برای رهایی از زنجیر استبداد و ستم سران، برای کسب آزادی واقعی و عدالت اجتماعی تجدید می کنند، سیمین ساله شان با شما می گوید.
امسال ۱۱۹ سال است که مراسم اول ماه مه برگزار می شود. این سنت بزرگ و وسیع اهمیت انقلابی در ژوئیه ۱۸۸۹، در جریان برگزاری نخستین کنفرانس بین‌المللی بود، که در خلال آن، جنبه بینکار جهانی کارگران جهانی، که در سه سال قبل، یعنی در روز اول ماه مه ۱۸۸۶ برگزار شد، می شد. پایه گذاری شد و از آن تاریخ تاکنون، طبق ریشه عمیق مبارزه برای همه سدها در سراسر جهان برگزار شده است. کارگران در شرایط استبداد متفاوت حکام بر کشورهای مختلف، با شعار اتحاد برای صلح، پیشرفت و عدالت این روز تاریخی را به مناسبت فرم می برانند. مبارزات خود و تجدید عهد و پیمان برای ادامه آن گرمی می دارند. مبارزات راه طبقه کارگر حتی در سخت ترین شرایط دشوار و سرکوب این پیچیدگی بر افکار را که نماینده نیرومند مبارزه جبهه کار و زحمت برای رهایی از یوغ ستم سرمایه است، همچنان در اهتزاز نگاه داشته اند. در کشور ما ایران نیز کارگری و زحمتکشان و نیروهای ثقی می توانیم بگوییم که به همه ما بزرگاری جسدات راه پیمایی ها و نظائر متنوع در شهرهای مختلف به گزیدنیات اول ماه مه پرداخته

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

حال و آینده آنان است. در اوضاع حساس کنونی کارگران، هماهنگ و همگام با مبارزه دلیرانه دانشجویان، زنان و زحمتکشان می توانند با مبارزه سازمان یافته خود، موجبات تقویت و استحکام جنبش ضد استبدادی را فراهم آورده و از این رهگذر مسیر دستیابی به خواست هایی چون احیای حقوق سندیکایی خود را هموار سازند! حضور موثر و تأثیر گذار جنبش کارگری ضامن تداوم مبارزه برضد ارتجاع و استبداد و تحقق مطالبات مردم میهن ماست!

"نامه مردم"، شماره ۸۳۶، ۲۸ بهمن ماه ۱۳۸۸، در مقاله ای درباره تهاجم دولت ضد مردمی احمدی نژاد به سازمان تأمین اجتماعی و عوارض ناشی از آن نوشت: "کارگران و زحمتکشان میهن که طی سالیان متمادی و به دلیل سیاست های خانمان برانداز اقتصادی وضعی بسیار نامطلوبی را متحمل گردیده اند، هم اکنون با یک چالش جدی و حیاتی توسط دولت ضد کارگری احمدی نژاد مواجه شده اند. بحران در سازمان تأمین اجتماعی که نقش اساسی و کاملاً حیاتی بی درزندی میلیون ها نفر از کارگران و زحمتکشان میهن دارد، موضوعی است که باید با حساسیت کامل پیگیری شود. سازمان تأمین اجتماعی از آن رو با اهمیت است که حیثه کاری این سازمان هم در ارتباط با کارگران و زحمتکشانی است که هم اکنون به کار مشغولند و هم در ارتباط با کسانی است که قبلاً بازنشسته شده اند..."

یکی از عرصه های مهم فعالیت "نامه مردم" در عرصه حقوق کارگران و زحمتکشان تأکید مداوم بر ضرورت مبارزه برای احیای سندیکای های مستقل کارگری و ضرورت درک مبارزه طبقاتی در جامعه ما و درک ارتباط دیالکتیکی مبارزه برای حقوق صنفی و مبارزه سیاسی-طبقاتی بر ضد حاکمیت استبدادی در میهن ماست. "نامه مردم"، شماره ۹۴۳، ۲۶ خرداد ماه ۱۳۹۲، در پی انتخابات ریاست جمهوری در این زمینه می نویسد: "یکی از بحث های اصلی بین فعالان کارگری و جنبش سندیکایی موجود زحمتکشان میهن مان، پیش و پس از رقابت های انتخاباتی اخیر ریاست جمهوری، بازدهم، بررسی راهکارهای مخالفت با لایحه به اصطلاح اصلاح قانون کار، و اصلاح افزایش حداقل دستمزدها بوده است... بی تردید طرح هایی مانند اصلاح قانون کار و اصلاح قانون تأمین اجتماعی، به بحرانی تر شدن شرایط زندگی و کار میلیون ها تن از زحمتکشان منجر خواهد شد. مبارزه با سیاست های ضد کارگری در قالب احیای

ادامه در صفحه ۱۴

ادامه گشت و گذاری در هزار شماره ...

در دفاع از حقوق خلق های زیر ستم؛

مبارزه خلق های تحت ستم ایران، برای رهایی از ستم ملی-طبقاتی بخش مهمی از مبارزه عمومی خلق بر ضد رژیم ولایت فقیه بوده است. مبارزه خلق های ایران در شرایط حاد منطقه و گسترش جنگ های داخلی و دخالت های خارجی و نیروهای امپریالیستی و تهاجم تبلیغاتی نیروهای راست برای متهم کردن مبارزان راه تحقق حقوق خلق های ایران به تجزیه طلبی، از جمله عرصه هایی بوده است که "نامه مردم" تلاش کرده است با جدیت و احساس مسئولیت به آن برخورد کند.

"نامه مردم"، شماره ۷۸۰، اول دی ماه، ۱۳۸۶ در مقاله مهمی درباره ضرورت حل عادلانه مسئله ملی و ضمن تأکید بر مواضع اصولی حزب ما می نویسد: "حزب توده ایران العالی ستم ملی و تأمین حقوق برابر خلق های ساکن کشور را از اولویت های مبارزاتی خود به شمار می آورد، و قویا خواستار حل عادلانه مسئله ملی در چارچوب حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران است. حزب ما قاطعانه با تحریکات امپریالیسم در زمینه ایجاد نفاق ملی مبارزه کرده، و هر گونه اقدام جدایی طلبانه از سوی هر نیرویی را به زیان منافع ملی میهن ما می داند... حزب توده ایران همواره تأکید کرده، ایران کشوری است، که خلق های گوناگونی در آن زندگی می کنند که هر یک سابقه هزاران سال زندگی در این کشور دارند. این خلق ها علاوه بر آن که با یکدیگر میهن مشترکی به نام ایران، ریشه های مشترک فرهنگی و سرنوشت و تاریخ مشترکی دارند، در عین حال هر یک دارای ویژگی های ملی خاص خود هستند و بنابراین برای اداره کردن امور صرفا محلی خود حقوق طبیعی و مشروعی دارند که باید به آن توجه و آنها را برآورده ساخت. در اوضاع حساس کنونی، به ویژه با توجه به حضور گسترده امپریالیسم در منطقه ما، ضرورت حل عادلانه مسئله ملی، اهمیت دو چندان کسب می کند. برای آنکه از یکپارچگی ملی و تمامیت ارضی کشور در برابر تحریکات و مقاصد شوم استعمار گران دفاع کرد، برخورد اصولی با این مسئله، اولویت اساسی دارد."

حزب ما و ارگان مرکزی آن، در سال های اخیر همواره در دفاع از حقوق خلق های ایران و ابراز همبستگی با مبارزه خلق های کرد، عرب، آذری، ترکمن و بلوچ همه امکانات و تلاش های خود را به کار گرفته است. در پی یورش نیروهای سرکوبگر رژیم به کردستان، "نامه مردم" شماره ۷۱۹، ۲۵ مرداد ماه ۱۳۸۴، با انتشار اعلامیه مهم کمیته مرکزی حزب در این زمینه از جمله می نویسد: "کردستان ایران در هفته های اخیر شاهد یورش سرکوبگرانه مزدوران مسلح رژیم ولایت فقیه برای سرکوب خشن و خونین اعتراض های حق طلبانه مردم شهرهای گوناگون این خطه بوده است. اعتراض های مردمی در سنجند، مهاباد، سردشت، پیرانشهر، اشنویه، دیواندره و بانه، تعطیلی بازار و بستن مغازه ها در سطح شهر های مختلف باردیگر انزجار شدید اکثریت قاطع مردم کردستان را از ادامه بی عدالتی ها و تشدید ستم طبقاتی - ملی بر ضد خلق کرد نشان می دهد. حزب دموکرات کردستان، در آخرین اطلاعیه خود، مورخ ۲۰ مرداد ماه، ضمن اشاره به ادامه نا آرامی ها و اعتراض های مردمی از نگرانی شدید سران رژیم نسبت به گسترش نا آرامی ها به دیگر شهرها و استان های کشور خبر داد. بر اساس گزارش های گوناگون در جریان یورش مزدوران مسلح ارتجاع به حرکت های اعتراضی مردم تاکنون حداقل سه تن کشته، ده ها زخمی و صدها تن دستگیر و روانه شکنجه گاه های رژیم شده اند. سرکوب مبارزات حق طلبانه مردم کردستان و نمایندگان سیاسی آن امر تازه ای در حیات رژیم ولایت فقیه نیست... کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن ابراز همدردی با همه خانواده های مصیبت دیده حملات نیروهای مسلح ارتجاع، باردیگر همبستگی خود را با مبارزات برحق مردم کردستان اعلام می کند. حمایت از نبرد دلیرانه خلق کرد و نمایندگان سیاسی برحق آنان، بخش جدا ناپذیری از مبارزه عمومی خلق ما بر ضد ستم رژیم ولایت فقیه و در راه دست یابی به آزادی، دموکراسی، استقلال و عدالت اجتماعی است. هم زمانی روی کار آمدن دولت ارتجاعی احمدی نژاد با سرکوب خونین و خشن مردم کردستان در عین حال نشانگر نقشه های شوم و خطرناک ارتجاع برای سرکوب کل جنبش مردمی و تحکیم پایه های خشن استبداد در میهن ماست. بدیهی است که در شرایط بسیار حساس منطقه و با توجه به حضور نیروهای اشغالگر خارجی در همسایگی مرزهای ایران دشمنان

کارگران همه کشورها متحد شوید!

ضرورت حل عادلانه مسئله ملی

"حزب توده ایران العالی ستم ملی و تأمین حقوق برابر خلق های ساکن کشور را از اولویت های مبارزاتی خود به شمار می آورد، و قویا خواستار حل عادلانه مسئله ملی در چارچوب حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران است. حزب ما قاطعانه با تحریکات امپریالیسم در زمینه ایجاد نفاق ملی مبارزه کرده و هر گونه اقدام جدایی طلبانه از سوی هر نیرویی را به زیان منافع ملی میهن ما می داند."

سالگرد رخداد تاریخی ۶۱ آذر و تشکیل حکومت ملی آذربایجان فرصت مناسبی برای تأکید بر مبارزه در راه تحقق حقوق برابر ساکنان ایران و رفع ستم ملی است. جشن ۶۱ آذر و حکومت ملی آذربایجان، به عنوان نشانه ای از حیثیت و مبارزه با استبداد و تهاجم تبلیغاتی نیروهای راست برای متهم کردن مبارزان راه تحقق حقوق خلق های ایران به تجزیه طلبی، از جمله عرصه هایی بوده است که "نامه مردم" تلاش کرده است با جدیت و احساس مسئولیت به آن برخورد کند.

نامنه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران شماره ۷۸۰، دوره هشتم سال ۱۳۸۶، یکم دی ماه ۱۳۸۶

ادامه در صفحه ۳ وزارت کار و اجرای سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ از حکمتی که چهری وزیر کار و امور اجتماعی دولت نهم ضمن رد شایعه اشتغالی خود خواستار افزایش سهم وزارت کار در تعیین اجزای برنامۀ اقتصادی دولت به نامه قالیباف است. برای وزارتخانه و شخص وزیر کار به نحوی چشمگیر بود. افزوده گردید، و به عبارتی، چهری می گویند نقش به نسبت قابل توجهی در زمینه اجرای سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ بر عهده نگرداند. در جریان مصاحبه مطبوعاتی ۱۲ آذر ماه، علی ان در باره اقدام نژاد میزان عدلی کارگران را در حد ۳۶۶ هزار تومان اعلام داشت، به توضیح در باره اعداد وزارت کار در خصوص ابلاغیه اصل ۴۴ پرداخت و افزود: برای کرد، ۳۰ درصدی استانی بهره داری در بخش اداری، اقتصادی و وضعیت های ملی و منطقه ای افزایش می یابد و در پی آن درآمد مردم و بهره برنده درآمد پس انداز، برآمده از ویرانه های اشتغال افزایش خواهد یافت."

دولت ورشکسته احمدی نژاد، بحران فزاینده ارتجاع و وظایف ما با تخفیف موافقت نشتی ها و فشارهای بین المللی، که دولت احمدی نژاد از آن به عنوان ابزاری برای خاموش کردن مخالفت های داخلی و پشت پرده لشکرکشی ارتجاع، چنان رژیم بهره می جست مسئله دشواری های فراوانه اقتصادی - سیاسی رژیم ولایت فقیه و دولت سرگردان احمدی نژاد پیش از پیشی در معرض فسادات حکماتی قرار می گیرد. احمدی نژاد در مصاحبه ای که روز دوشنبه ۲۶ آذرماه انجام داد در پاسخ به سؤال علی ویم چون اوضاع اقتصادی و افزایش شدید تورم علیل مشکلات ساختاری اقتصاد کشور را "مهمتره وری پایین، بالا بودن هزینه تمام شده کالا، نداشتن سرمایه گذاری در تولید، گنگی، درآمدهای دولت، به نسبت بالا بودن صرف دولت، نژاد غنی و فراوانه تجاری کشور، دانست و "گنگی به وژدات و آرز" اعلام کرد. از جمله عوامل افزایش تورم احمدی نژاد در ادامه مصاحبه خود علت دوم خارجی ناتوانی در افزایش تورم را "کاهش برابری دلار در برابر سایر ارزها" دانست و افزود "اقتصاد داخلی ما بر پایه دلار گره خورده است و چون در تمام دنیا

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

خارجی و نیروهای مشکوک ضد ملی نیز مترصدند تا از شرایط بحرانی موجود به نفع منافع دراز مدت و سلطه جویانه خود استفاده کنند. مقابله با این نقشه ها و برنامه های ضد میهنی و ضد مردمی نیازمند هوشیاری هرچه بیشتر، اتحاد عمل و مبارزه مشترک همه نیروهای ضد استبداد و ضد ارتجاع است. حزب توده ایران همه نیروهای ملی و مترقی کشور را به همراهی و مبارزه مشترک بر ضد رژیم ولایت فقیه فرا می خواند و از همه نیروهای انسان دوست و آزادی خواه جهان می طلبد که صدای اعتراض خود را بر ضد این اعمال ضد انسانی رژیم بلند کنند..."

"نامه مردم"، شماره ۹۶۸، ۱۸ اسفندماه ۱۹۹۳، در مطلبی با عنوان: "گزارشی از برگزاری مراسم روز بین المللی "زبان مادری"، و گرامی داشت جان باختگان و فعالان فرهنگی خلق عرب ایران" با اشاره به سخنان نماینده حزب ما از جمله می نویسد: "مادری، موضع گیری های حزب توده ایران را در زمینه حقوق خلق های ساکن ایران برای حضار بیان کرد. او در سخنرانی اش از جمله گفت: "مبارزه فرهنگی خلق های ساکن ایران در راستای شکل گیری فرهنگی غنی و برپایی اتحادی آفریننده در سراسر محدوده جغرافیائی ایران، اهمیتی حیاتی دارد. در این راستا، بزرگداشت روز جهانی زبان مادری گامی مهم و تاثیرگذار است... نماینده حزب در پایان سخنانش با اشاره به سیاست های سرکوبگرانه و فاجعه بار رژیم ولایتی در کشورمان، گفت: "حقیقت اینکۀ دامنه اجحاف های رژیم نسبت به خلق عرب و به طور کلی اقلیت های ملی در ایران به مسئله زبان مادری ختم نمی شود، بلکه عرصه های مهم دیگری از حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این خلق ها را دربر می گیرد، و طبیعی ست که در رویارویی با تجاوز به حقوق شان، آنان نیز به مقاومت برمی خیزند. این رویارویی نه فقط طبیعی بلکه احترام برانگیز است. حزب توده ایران، مدافع و همراه مبارزان راستین راه دستیابی به حقوق ملی خلق های ایران، از جمله خلق عرب، است و همواره نقش مبارزانه و بیکارگران خلق ها را ستوده است. ما سرکوب خلق ها از سوی رژیم ولایتی را محکوم می کنیم. ..."

ادامه در صفحه ۱۶

ادامه گشت و گذاری در هزار شماره ...

در گسترش همبستگی با مبارزات مردم ایران، افشاء جنایت رژیم ولایت فقیه، و برای آزادی زندانیان سیاسی

یکی از درخشان ترین عرصه های فعالیت حزب توده ایران و ارگان مرکزی آن در سی و دو سال گذشته تلاش خستگی ناپذیر در راه افشاء جنایات رژیم ولایت فقیه و جلب همبستگی با مبارزات مردم ایران و تلاش مستمر در راه آزادی زندانیان سیاسی بوده است. برگزاری صدها همایش در اعتراض به جنایت های رژیم جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف جهان، جمع آوری هزاران امضاء، اعتصاب غذا، سازماندهی اعتراض ده ها حزب کارگری و کمونیستی جهان و اعتراض سندیکاهای کارگری جهان به نمایندگی از سوی ده ها میلیون عضو خود کارزار عظیم همبستگی را سازمان داد که بر اثر آن سیمای راستین رژیم ولایت فقیه به عنوان یک جنایتکار، منفور و تاریک اندیش به جهانیان شناسانده شد.

شرکت نمایندگان حزب ما در نشست های بزرگ بین المللی و گذراندن قطعنامه در محکوم کردن حکومت جمهوری اسلامی، "نظام نمونه" جهان را در تنگنای دشوار بین المللی قرار داد و خشم حاکمان مستبد را به شدت برانگیخت.

حزب ما در جریان فاجعه ملی کشتار هزاران زندان سیاسی کارزار گسترده ای را در افشای سکوت جنایتکاران حاکم در این زمینه و فشار بر حاکمیت برای روشن کردن وضع زندان ها سازمان دهی کرد. اثر بخشی این کارزار جهانی آنچنان بود که سران وقت رژیم از جمله هاشمی رفسنجانی در آن دوران برای تخفیف فشار افکار عمومی بین المللی به دروغ منکر کشتار جمعی زندانیان سیاسی شدند و مدعی گردیدند که تنها معدودی تروریست در زندان ها اعدام شده اند.



زندان ها سازمان دهی کرد. اثر بخشی این کارزار جهانی آنچنان بود که سران وقت رژیم از جمله هاشمی رفسنجانی در آن دوران برای تخفیف فشار افکار عمومی بین المللی به دروغ منکر کشتار جمعی زندانیان سیاسی شدند و مدعی گردیدند که تنها معدودی تروریست در زندان ها اعدام شده اند.

ها حزب ما تمام امکانات خود را برای یاری رساندن به جنبش و دفاع از قربانیان سرکوب خونین رژیم به کار بست.

حمایت پیگیر حزب ما از جنبش اعتراضی توده ها در سال ۸۸، در حالی که شماری از نیروهای به اصطلاح اپوزیسیون با انگ های مختلف حاضر به دفاع از این جنبش توده ای نبودند از نقطه های روشن و جالب کارنامه ارگان مرکزی حزب ما در هشتمین دوره انتشار آن است. "نامه مردم"، شماره ۸۱۹، اول تیرماه

۱۳۸۸ با انتشار اعلامیه شماره ۳ کمیته مرکزی در این زمینه می نویسد: "هم میهنان مبارز!

در تاریخ سراسر مبارزه میهن کهنسال ما، روز درخشان دیگری به ثبت رسید. مردم دلیر و هوشیار ایران در صوفی فشرده و در یک نمایش پرشکوه و مسالمت آمیز، استبداد و ارتجاع حاکم را به چالش گرفته و در برابر دولت دروغ و تزویر وابسته به ولی فقیه و کودتای واپس گرایان، اراده و نیروی لایزال خود را به نمایش گذاردند. تظاهرات میلیونی امروز توده ها در سه دهه اخیر بی سابقه بوده است!

راه پیمایی عظیم مردم که به دعوت میرحسین موسوی و بررغم صدور مجوز از سوی وزارت کشور برپا شد، بار دیگر ثابت کرد که، صدای مردم ایران را نمی توان به زور سرنیزه و با فریب خاموش ساخت.

برخورد کودتاچیان با این حماسه بزرگ گویای هراس ارتجاع حاکم است. شب پیش از برگزاری تظاهرات، مزدوران ولی فقیه و گزمنگان مسلح رژیم با یورش وحشیانه به خوابگاه های دانشجویی در تهران و اصفهان تلاش کردند فضای جامعه را متشنج ساخته تا در سایه آشوب و اغتشاش کور مانع از تجلی اراده میلیون ها ایرانی شوند. .. در این زمینه باید با هوشیاری سیاست ولی فقیه و جناح هوادار احمدی نژاد را افشاء کرد، موضع گیری تازه علی خامنه ای

Advertisement for 'Mardam' magazine. It includes the magazine's logo, a list of articles such as 'درد آستن به یسار قهرمانان نوده ها بر ضد رژیم جناسکار و ولایت فقیه!' and 'فراخوان حزب نوده ایران، حزب طبقه کارگر، به کارگران و زمینکنان سن!' and 'ضرورت ایجاد جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی، در داخل کشور'. It also features a small photo of a crowd and a red rose logo.

در مورد رسیدگی به شکایت های موسوی و کروبی، صرفا یک عقب نشینی تاکتیکی برای ضد حمله جدید به جنبش و جدا کردن بخش هایی از اصلاح طلبان از جنبش مردمی و سرکوب نهایی نیروهای آزادیخواه، اصلاح طلب و مردم معترض است. واگذار کردن امر بررسی تقلبات گسترده در انتخابات به شورای نگهبان ارتجاع، یعنی یکی از نهادهای سازمان ده تقلبات گسترده و همیار کودتای ضد مردمی احمدی نژاد مانند واگذار کردن امر دادخواهی به یکی از مجرمان اصلی است...

Advertisement for 'Mardam' magazine. It features the magazine's logo and a list of articles including 'نلسین در آتش و خون' and 'ضرورت ایجاد جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی، در داخل کشور'. It also includes a small photo of a crowd and a red rose logo.

"نامه مردم"، شماره ۵۹۴، ۲۶ مهرماه ۱۳۷۹، در سرمقاله مهمی، ضمن اشاره به تشدید یورش ارتجاع به دولت خاتمی و دستگیری شماری از یاران او از جمله عبدالله

نوری و دیگران و تشدید فشار در زندان برای گرفتن توبه نامه از زندانیان دستگیر شده از همه نیروهای متروقی و آزادی خواه خواست تا ایجاد تشکل واحدی در راه رهایی همه زندانیان سیاسی تلاش های خود را تشدید کنند.

شکایت حزب به نهادهای بین المللی از جمله کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، سازمان عفو بین المللی و پارلمان اروپا برای نجات جان زندانیان سیاسی و کاهش فشارها از جمله دیگر فعالیت های توده ای و ارگان مرکزی حزب ما بود.

در جریان کودتای انتخاباتی خرداد سال ۸۸ و در پی هجوم گسترده مزدوران و اوباش رژیم به مردم و سرکوب خونین جنبش اعتراضی توده

ادامه انتشار هزارمین شماره نامه مردم و ...

«اعتدال گرایی» از طریق «اعتمادسازی با حاکمیت» به جای مبارزه با دیکتاتوری، همگی این تحول‌های منفی در صحنه سیاسی و اقتصادی کشور، گواه صحت تحلیل‌ها و هشدارهای حزب‌اند که در مقاله‌های «نامه مردم» مکرر نوشته می‌شدند. توجه‌برانگیز اینکه، در بازه زمانی بر سر کار بودن دولت اصلاحات (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴) نیز، مانند امروز وضعیت کنونی، ایده مبارزه قاطعانه با دیکتاتوری ولایی امری مردود شمرده می‌شد و به‌منظور توجیه سیاست‌های مبتنی بر مماشات با دیکتاتور در پشت درهای بسته، مبارزه ضد دیکتاتوری «تندروی» تلقی می‌شد و شماری از اصلاح‌طلبان شیوه حرکت به جلو را طریق «آرامش فعال» می‌دانستند و تجویز می‌کردند! و باز هم توجه‌برانگیز اینکه، با گذشت پانزده سال از تیتیر هشدارآمیز سرمقاله «نامه مردم» [شماره ۶۰۰، ۲۷ دی‌ماه ۱۳۷۶] اکنون می‌توان دید که این تیتیر تا چه حد دقیق و صحیح زده شده بود و جای تأسف بسیار دارد که مضمون آن هنوز هم موضوعیت دارد و لازم می‌آید که در ۴۰۰ شماره بعدی «نامه مردم»، یعنی در شماره هزارم، این هشدار حزب ما بازگو شود که «توروی باقی درباره تندروی جنبش اصلاح‌طلبی، گامی خطرناک به سوی به‌سازش کشاندن جنبش مردمی است.

مطلب‌های مندرج در «نامه مردم» نشان می‌دهند که حزب ما در سه سال گذشته جزو معدود نیروهای سیاسی‌ای بوده است که توانسته در ارتباط با انتخابات اسفند ۱۳۹۴، ظهور پدیده حسن روحانی و اعتدال‌گرایی، امضا شدن «برجام» و تعامل رژیم ولایی با آمریکا، الگوی نظری‌ای منظم ارائه دهد. «نامه مردم»، از شهریورماه ۱۳۹۲ تا کنون، در گزارش‌ها، تحلیل‌ها و مقاله‌هایش، چرخش‌های عمده سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه را تشخیص داده و تشریح کرده و این چرخش‌ها را به‌مثابه «بازچینی سیاست‌های دولت آمریکا» در تعامل با رژیم ولایی، دانسته است. تحلیل‌های آرگان حزب توده ایران استدلال کرده‌اند و به‌طورمستمر آگاهی‌رسانی کرده و نشان داده‌اند که مذاکرات رژیم ولایت‌فقیه با آمریکا به‌هدف امضای «برجام»، از موضع اقتصادی و بین‌المللی‌ای بسیار ضعیف در برابر ابرقدرتی امپریالیستی انجام شده و می‌شوند، زیرا تحریم‌های مالی خزانهداری آمریکا اقتصاد کشور ما را عملاً به‌اسارت گرفته‌اند. محور تحلیل‌های حزب توده ایران در مورد این مذاکرات، بر این دریافت قرار دارد: «بقای رژیم» و فراهم شدن زمینه‌های لازم برای بازچینی سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه، به دو عامل اصلی به‌هم‌پیوسته یعنی با تعیین تحولات در درون کشور و در منطقه خاورمیانه وابسته است.

«نامه مردم» از اندک‌شمار نشریه‌هایی بوده است که امضا شدن «برجام» را ضرورتی گریزناپذیر برای مجموع رژیم و به‌ویژه علی‌خامنه‌ای دانست و از این روی «دلواپسان هسته‌ای» را به‌درستی «بوق‌چی‌هایی» پر سروردا و عامل‌های فرعی‌ای نامید که تعیین‌کننده فرایند نهایی نخواهند بود. حزب ما - از طریق جستارهای تحلیلی «نامه مردم» - از نخستین نیروهایی بود که نشان داد مذاکرات و تعامل با آمریکا به‌هدف برداشته شدن تحریم‌ها، از سال‌ها پیش از ظهور حسن روحانی و با موافقت و نظارت علی‌خامنه‌ای و به‌منظور بقای «نظام» آغاز شده بود، و دولت اوباما با تشخیص دادن فرصت مناسب به‌منظور جای دادن جمهوری اسلامی در طرح «خاورمیانه جدید»، با فرستادگان علی‌خامنه‌ای به‌صورتی محرمانه در عمان مذاکرات شد. «نامه مردم» بر این موضوع مهم تأکید ورزیده است که از منظر بحران اقتصادی، «ترمش قهرمانانه» علی‌خامنه‌ای و، سرانجام، به‌امضا رساندن «برجام»، حرکت‌های ناگزیر و حیاتی‌ای بوده‌اند که در پشت پرده دود مذاکرات هسته‌ای «پنج به‌علاوه یک» با تیم دیپلماتیک ایران، رژیم ولایی را به‌پذیرش شرایط خفت‌آمیزی در جهت تعامل با آمریکا مجبور کرده است.

از دو سال پیش، تحلیل‌های «نامه مردم» با درنظر گرفتن فرایندهای کلیدی در پهنه جهان نشان داده‌اند که، دولت اوباما برای حفاظت از موقعیت هژمونی آمریکا در جهان و پیش‌برد آن، «اسلام سیاسی» را خطری مهلک نمی‌بیند و اتفاقاً جای‌گیری جمهوری اسلامی در مقام عنصری مهم در طرح «خاورمیانه جدید» را به‌طورجدی دنبال می‌کند. حزب ما با توجه به «اقتصاد سیاسی» رژیم ولایی، و به‌ویژه گرایش آن به سوی اقتصاد نولیبرالی و الزامش به برقراری پیوندهایی بسیار قوی‌تر با سرمایه‌داری جهانی، این

کارگران بر کشور متحد شوید!

پیام تشکيلات دمکراتیک زنان ایران به فدراسیون جهانی دمکراتیک زنان

WIDE

۱۰۸ صفحات در ۱۹۸

نامه مردم

آرگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۹۸۶، ۲۶ آبان ۱۳۹۴

دوره هفتاد و نهم

اصلاح طلبی آری، تسلیم طلبی نه!

حزب توده ایران حمله جانکوارانه تروریستی به پارسی را شدیداً محکوم می‌کند. ص ۲

جلسه‌های شورای عالی کار، مطالبه کارگران، و برنامه دولت

ادامه در صفحه ۲

برای نظام و باطنی می‌تواند و می‌تواند... (مقاله در مورد اصلاح طلبی و تسلیم طلبی)

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

مسئله را مطرح کرد که: منافع بورژوازی کلان در ایران با بازچینی سیاست‌های آمریکا در منطقه با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ دارند. تحلیل‌های «نامه مردم» بر این تشخیص خود- یعنی: عملکرد جدید آمریکا در مرحله امپریالیستی جهانی شدن، سرمایه‌های مالی و تسلط آمریکا بر مکانیزم‌های بنیادی سرمایه‌داری مالی در پهنه جهان- مبتنی بوده است، که در نتیجه آن به تأکید بر این نکته می‌رسد که: امکان نفوذ آمریکا در «اقتصاد سیاسی» بغایت مالی‌گرای ایران را به‌شکلی فزاینده آسان‌تر کرده است.

تحلیل‌های حزب توده ایران نشان می‌دهند که، هم‌اکنون منافع بورژوازی کلان به نیروی محرکه مهمی [در اقتصاد و سیاست کشور] تبدیل شده است چنان که، به تغییرهایی مهم در توازن قدرت بین جناح‌ها دامن می‌زند، و این فرایند، با روند تعامل با آمریکا و ضرورت جای‌گیری جمهوری اسلامی در طرح «خاورمیانه جدید» در ارتباط است. اما شماری از تحلیل‌گران- مخصوصاً هواداران جناح اعتدال‌گرایی در درون و بیرون از ایران- درباره گسترش حیطة نفوذ و عملکرد اعتدال‌گرایان و توان جذب کردن نیرو از اردوی اصول‌گرایان تبلیغ می‌کنند و در این تبلیغات، مردم را نیروی محرکه این تغییرهای درون رژیم می‌نمایند و ادعا می‌کنند که ماهیت «نظام» در حال تغییر است. شدت یافتن کنش و واکنش‌های جناحی را هم‌اکنون می‌توان با شل‌وسفت کردن‌های مهار تحریم‌های آمریکا مشاهده کرد، و این، به نزاع بین جناح‌های قدرت به‌منظور سهم بردن بیشتر و ضروری شدن دخالت هرچه بیشتر علی‌خامنه‌ای در پشتیبانی از محدود کردن گسترش حیطة نفوذ جناح نوپای «اعتدال‌گرایی»، منجر شده است.

حزب توده ایران، با انتشار هزارمین شماره «نامه مردم» نشان داده است که نیروی سیاسی‌ای پر قدرت و ریشه‌داری‌ست که حتی ترفندهای مختلف امنیتی و مطبوعاتی رژیم ولایی فقیه نتوانسته، و نیز نخواهد توانست، آن را از میدان بدر کند. مبارزه برای گذار از دیکتاتوری ولایی تا برقراری دموکراسی و عدالت اجتماعی ادامه خواهد داشت، و حزب توده ایران با تمامی امکان‌هایش- به‌ویژه انتشار «نامه مردم» همراه با جستارها و تحلیل‌هایش- در کنار و همگام با دیگر نیروهای اجتماعی و سیاسی مترقی برای به‌وجود آوردن «تغییرهای واقعی» در جهت برقراری دموکراسی، عدالت اجتماعی، و حق حاکمیت ملی، تلاش خواهد ورزید.

انتخاب جنتی و لاریجانی بر گرسی‌های ریاست و بن بست تئوری بافی‌های بی‌سرانجام اصلاح‌طلبان حکومتی

پس از هفته‌ها گمانه‌زنی در مورد انتخاب رئیس مجلس خبرگان رهبری و رئیس مجلس شورای اسلامی، و حدسیات دربارهٔ توان جناح‌های مختلف در این دو مجلس، گمانه‌زنی‌ها و حدسیات با انتخاب جنتی، با رای بالا به ریاست مجلس خبرگان و لاریجانی به ریاست مجلس شورای اسلامی، به پایان رسید. در پی انتخابات مهندسی‌شدهٔ اسفندماه ۱۳۹۴، اصلاح‌طلبان استحاله‌شده در حکومت ولایت‌فقیه دربارهٔ توان نیروهای مدافع "لیست امید" و اینکه در آینده نیروهای "معتدل" و "اصلاح‌طلب" ساکن رهبری هر دو مجلس را به دست می‌گیرند، هیاهو و سروصدای زیادی بر پا کردند که با روشن شدن نتیجهٔ انتخابات ریاست هر دو مجلس، پوچ بودن تئوری بافی‌های بی‌سرانجام این نیروها به روشنی در معرض قضاوت افکار عمومی قرار گرفت.

ما در همان دوران برگزاری انتخابات و در زد نظریهٔ "شرکت در انتخابات به هر قیمتی" و عواقب این چنین شیوه‌های تسلیم‌طلبانه‌ای، نوشتیم که، اعلام نتیجهٔ نهایی بررسی صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس [شورا] و خبرگان در روز ۱۷ بهمن، یعنی تأیید رد صلاحیت ۷۵ درصد از معترضان به عملکرد شورای نگهبان در دور قبلی بررسی صلاحیت‌ها را باید توافقی کلی بر سر سهمیهٔ جناح‌های حکومتی و ایفای نقش هر یک در نمایش انتخاباتی ۷ اسفندماه تلقی کرد. ما همچنین تأکید کردیم که مردم با تجربهٔ ملموس خود دریافته‌اند که برخلاف نظریهٔ رئیس شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، آقای عارف که: "ما سعی کردیم با حاکمیت اعتمادسازی کنیم چرا که احساس می‌شد بخشی از جریان اصلاحات با حاکمیت زاویه پیدا کرده است، ولی ما خواستیم نشان دهیم که ما بخش اصلی انقلاب هستیم..." چنین سیاست‌های تسلیم‌طلبانه‌ای در عمل جز یاری رساندن به تحقق کامل برنامه‌های رژیم ولایت‌فقیه برای مهندسی خواسته‌های جنبش اصلاحات، ثمری ندارد. این نظریهٔ تسلیم‌طلبانه‌ای که شرکت وسیع مردم در انتخابات - در پی رد صلاحیت‌های فله‌ای دگراندیشان - می‌تواند از راه پیدا کردن عوامل خطرناک تندرو (بخش‌های متمایل به احمدی‌نژاد در جبههٔ پایداری) به مجلس جلوگیری کند، را باید به چالش کشید. ما برخلاف این نظریهٔ تسلیم‌طلبانه، معتقدیم که "پروژهٔ اعتمادسازی با حاکمیت" عملاً به معنای خارج کردن مردم از صحنهٔ مبارزهٔ سیاسی و به چالش نطیلیدن سیاست‌های ولی فقیه و شورای نگهبان و در خدمت تحکیم استبداد و برخلاف مصالح ملی میهن است. بزرگ‌کنندگان رژیم ولایت‌فقیه می‌کوشند که بار دیگر مردم را بر سر دوراهی انتخاب میان "بد و بدتر" قرار دهند، در حالی که مضمون رژیم دیکتاتوری ولایتی همانی که بوده خواهد ماند، و آن طور که بخش اعظم کارنامهٔ این حاکمیت تنگ‌نظر و تاریک‌اندیش نشان می‌دهد، کوچک‌ترین دورنمایی به سمت تغییرهای واقعی در زندگی توده‌های مردم، نمی‌تواند در برنامه‌های آن تصور کرد.

آنچه انتخاب جنتی و لاریجانی به ریاست دو مجلس خبرگان و شورای اسلامی نشان می‌دهد آن است که، تنظیم لیستی به نام لیست طرفدار اصلاحات که در آن شمار زیادی از چهره‌های ضد اصلاحات (از جمله چهره‌های مرتجع‌ی همچون امامی‌کاشانی در لیست خبرگانش و مدافعان اعمال شد مجازات برای موسوی و کروبی در لیست مجلس) و چهره‌های ناشناس سیاسی، حضور داشتند، نتیجه‌اش همین است که اتفاق افتاده است، یعنی در هنگام تصمیم‌گیری‌های کلیدی، این افراد نه تنها در صف مدافعان اصلاحات قرار نخواهند گرفت بلکه با قاطعیت و آشکارا در مقابل

اصلاح‌طلبان خواهند ایستاد. مصطفی کواکبیان، از نمایندگان لیست امید مجلس، در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا، می‌گوید: این که گفته شود ما ادعا می‌کردیم که ۱۶۰ رای داریم اما در عمل انجام نشد واقعیت این است که ۴۰ - ۵۰ نفر از دوستانی که با ما عکس یادگاری می‌گرفتند رفتند و زنبیلشان را جای دیگری گذاشتند و این حالت، حالت خوبی نیست. عارف با ۷۰ رای از لاریجانی شکست خورد، و صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول روزنامهٔ ابتکار، محمدعلی وکیلی، در این باره گفت: باتوجه به نتایج به‌دست آمده، آقای عارف دیگر برای انتخاب هیئت‌رئیس دائم نامزد نخواهد شد.

احمدرضا احمدپور، در مطلبی با عنوان: "ریاست جنتی؛ محصول رای سلبی، تحریم یا مهندسی انتخابات؟"، که در پایگاه اینترنتی "سحام نیوز" به چاپ رسیده است، ضمن اشاره به انتخاب رئیس مجلس خبرگان، همین نظریه را این طور بیان می‌کند: "در هفت اسفند ۱۳۹۴ رخدادی سیاسی به نام انتخابات در ایران برگزار شد. پیش از برگزاری آن پاره‌ای از شخصیت‌های گرامی اعلام کردند، تحت هر شرایطی [با فرض حتی رد صلاحیت‌های گسترده] در چنان رخدادی شرکت خواهند کرد! شورای نگهبان از این جهت مانع و متعرضی در برابر خویش ندید و رد صلاحیت‌ها گسترده گردید و آن گرامیان نیز بر اراده و گفتهٔ خود ماندند و مردم را به شرکت در انتخابات فراخواندند و پیوسته، کسانی را که مایل به رای دادن نبودند و آن رخداد را نمایشی می‌دانستند متهم کردند که رای ندادن‌شان در واقع رای به جیب جنتی‌ها دادن است و در نهایت آن رخداد سیاسی با اتخاذ راهکار "رای سلبی" به پایان رسید. "احمدپور در ادامه اضافه می‌کند: "نکتهٔ شایستهٔ توجه اول، این است که تبلیغ‌شده بود لیست امید حضوری چشم‌گیر در خبرگان خواهد داشت؛ اما دیدیم آن گونه نبود و جناب امینی رای بالایی نداشت و نمایندگان خبرگان، تندروترین و حذفی‌ترین چهرهٔ خبرگان را بر کرسی ریاست آن نشانده که خود نشان از چگونگی لیست امید در نمایش انتخابات هفتم اسفند سال ۹۴ و نیز بیانگر میزان تدبیر و درایت دست‌اندرکاران آن لیست است. "و نکتهٔ بسیار مهم در نتیجه‌گیری این مطلب: "نکتهٔ سوم اینکه، از شوربختی ایرانیان است که هر دو جناح اصلاح‌طلبی، اعتدالی و اصول‌گرا، عادت دارند تا بجای پذیرش واقعیت‌ها و سعی بر جبران اشتباهات و عذرخواهی از مردم، تلاش می‌کنند تا غیرمنطقی، خطای خود را توجیه کنند و به دنبال مقصر بگردند؛ بر همین اساس شاهد هستیم، برخی مروجان و هواداران رای سلبی در فضای مجازی و محافل، همچون ایام رقابت رخداد هفت اسفند ۹۴ که منتقدان رای سلبی و کسانی که نمی‌خواستند رای بدهند را متهم می‌کردند به همکاری با تندروها و به نفع جنتی و مصباح و یزدی، اکنون نیز گناهکار اصلی [را] در به ریاست رسیدن احمد جنتی، منتقدین و تحریم‌کنندگان می‌دانند در حالی که در زمان تبلیغات انتخاباتی، تحریمی‌ها را از اثرگذاران به‌شمار نمی‌آوردند و تا اکنون نیز، نمی‌خواهند باور کنند در چینش نامزدان خبرگان در سال گذشته که در برخی حوزه‌ها، نامزدها بدون رقیب بودند، رای و مشارکت بالا کارساز نبود و تأثیری بر تغییر چینش مهندسی‌شده نداشت."

حزب ما، از همان فردای برگزاری انتخابات و شور و شغف اصلاح‌طلبان استحاله‌شده در حاکمیت، به‌صراحت اعلام کرد که، مهندسی انتخابات ۷ اسفندماه، ادامهٔ روال معمول در حکومت ولایتی است، مشتمل بر: رقابت‌ها و دسته‌بندی‌های پشت‌پرده که نتیجهٔ نهایی‌اش برقراری توازن قوا بین جناح‌های حکومتی بر محور پایبند بودن به حکومت مطلقهٔ ولی فقیه بوده است. از این روی، اشتباه نخواهد بود اگر بگوییم: تقسیم قدرت، سهم‌خواهی‌ها، و برقراری توازن نیرو، عملاً در چند هفتهٔ اخیر در پشت پرده و از طریق "نظارت استصوابی" و رایزنی‌ها و وزن‌کشی‌ها به سرانجام خود رسیده است و نتیجهٔ آرا در هفتم اسفندماه، در "توازن نیرو" ای که از قبل و از بالا تعیین شده است، تأثیر چندانی نخواهد داشت.

نتیجهٔ انتخاب هیئت‌رئیس مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی، مهر تأییدی است بر این تحلیل حزب ما که: نمی‌توان از درون چارچوب‌های تعیین‌شدهٔ رژیم ولایت‌فقیه و تأیید نظارت استصوابی جنتی - یزدی و رهبری سپاه و نیروهای سرکوبگر، زمینه‌ساز تغییراتی شد که حاکمیت بی‌چون‌وچرای استبداد را با چالش روبرو کند. بالا بردن انتظارات مردم جان به لب رسیده از ادامهٔ استبداد و ظلم با نظریه‌پردازی‌های بی‌پشتوانه، به‌جز دلسردی مردم و بی‌اعتباری کامل اصلاح‌طلبان استحاله‌شده در حاکمیت، نتیجه‌ای نخواهد داشت. باید به فکر چاره‌ی جدی و بسیج نیروهای اجتماعی برای مقابله با برنامه‌های حاکمیت ارتجاع بود. ادامهٔ اوضاع وخیم اقتصادی - اجتماعی کشور، با وجود امضای برجام و رشد نارضایی زحمتکشان از ادامهٔ فشارهای اقتصادی، از جمله نشانه‌های آماده شدن جامعه برای تنش‌های گسترده اجتماعی است. باید با بسیج گردان‌های اجتماعی، با اتحاد عمل و تلاش در راه سازمان‌دهی اعتراض‌های پراکنده مردم، راه برای بازسازی جنبش اعتراضی‌ای سراسری را، بر پایهٔ امکان‌های موجود جامعه، هموار ساخت. جنبش قدرتمند و فراگیر مردمی به خودی خود به وجود نخواهد آمد. نیروهای ملی و دموکراتیک میهن می‌توانند با تعامل و توافق بر سر یک برنامه حدافل، در راستای تحقق آزادی و عدالت، نقش تاریخی و ضرور خود را در شرایط حساس کنونی ایفاء کنند.

کارل مارکس و کار سیاسی



هدایت کرد. این آرمان‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در تحلیل او از رخدادهای مهم گوناگون داشت که در طول زندگی‌اش به وقوع پیوسته بود: انقلاب‌های ۱۸۴۸ در بسیاری از کشورهای اروپایی، و نیز کمون پاریس در سال ۱۸۷۱. او اهمیت زیادی به کار عملی می‌داد، و با شرکت در اقدام‌های عملی گوناگون پرولتاریایی در آن دوره، تحلیل خود را به آزمایش گذاشت.

مارکس که در سال ۱۸۴۸ و در ۳۰ سالگی تازه متن «مانیفست کمونیست» را تهیه کرده بود، در انقلاب‌هایی که آن سال اروپا را به لرزه درآورد، فرصتی یافت تا اندیشه‌هایش را در عمل بیازماید. اگرچه پرولتاریا نیز در این انقلاب‌ها

شرکت داشت، ولی این انقلاب‌ها در اساس انقلاب‌های بورژوا-دموکراتیک بودند، و به‌جز در فرانسه، انقلاب سوسیالیستی در دستور کار هیچ‌یک از آنها نبود. سرشت بز دلانه بورژوازی آن را به سوی سازش با نیروهای ارتجاعی کشاند و به زایش انقلابی دموکراتیک منجر شد که به قول معروف «سر زامرد» در خیلی از کشورها، حکومت‌های سلطنتی به حکومت‌های سلطنتی مشروطه تبدیل شدند و حقوقی ظاهری و صوری هم به مردم اعطا شد.

لنین درباره فعالیت‌های مارکس و انگلس در این دوره نوشت: «در زمره فعالیت‌های مارکس و انگلس... دوره شرکت آنها در مبارزه انقلابی توده‌یی در سال‌های ۱۸۴۸ و ۱۸۴۹ برجسته است. از همین مقطع بود که آنها طرح آتی دموکراسی و جنبش کارگری در کشورهای گوناگون را ریختند.»^۱

مارکس و انگلس در انتخاباتی که در سال ۱۸۴۹ برگزار شد، در ابتدا خواهان و مدافع این بودند که پرولتاریا به بورژوا-دموکرات‌های لیبرال رای بدهد چون حزب کارگران و دهقانان و ائتلاف خرده‌بورژوازی قدرت کافی نداشت. اما آنها بعداً بررسی انتقادی این موضع خود و مشاهده عهدشکنی و خیانت بورژوازی لیبرال، موضعشان را تغییر دادند و گفتند که «فریبکاری لیبرالی حيله‌گرانه و حقیرانه هرگز دیپلماسی انقلابی‌ها نبوده است.»^۲ مارکس و انگلس ضمن شرح دادن تاکتیک‌هایی که حزب طبقه کارگر، به‌ویژه در برخوردش با دموکرات‌های خرده‌بورژوازی در جریان انقلاب دموکراتیک، باید دنبال کند، نوشتند: «... هر جا که نامزدهای کارگران در کنار نامزدهای بورژوا-دموکراتیک معرفی می‌شوند، تا آنجا که ممکن است از اعضای اتحادیه باشند، و اینکه برای [رای دادن به آنها] و انتخاب آنها از هر راه ممکن تبلیغ شود. حتی اگر امید چندانی هم به انتخاب آنها نباشد، کارگران باید نامزدهای خودشان را معرفی کنند تا استقلال خود را حفظ کنند، به نیروهای خود ارزش و اهمیت بدهند، و دیدگاه‌های حزب و گرایش‌های انقلابی‌شان را به میان مردم ببرند. در این ارتباط، آنها نباید بگذارند که مسحور و مقهور این استدلال دموکرات‌ها شوند که کارگران با این کار در حزب دموکرات شکاف می‌اندازند و به مرتجعان امکان پیروزی می‌دهند. هدف نهایی همه این گفتارها و استدلال‌ها فریفتن پرولتاریاست. پیشروی حزب پرولتاریا در روند چنین اقدام مستقلی بینهایت مهم‌تر از زیان و گزند احتمالی به علت حضور چند مرتجع در مجمع نمایندگان است.»^۳ (تاکید از ماست)

مارکس و انگلس در اینجا قاطعانه اعلام می‌کنند که پیروزی‌های انتخاباتی در درجه دوم اهمیت و فرع بر عمل مستقل طبقه کارگر است؛ نخستین و مهم‌ترین وظیفه حزب طبقه کارگر این است که «به نیروهای خود ارزش و اهمیت بدهد، و دیدگاه‌های حزب و گرایش‌های انقلابی‌اش را به میان مردم ببرد»، فریب استدلال‌های به‌اصطلاح دموکرات‌ها را نخورد، و به پیشبرد عمل مستقل خود اولویت بدهد. طبق گفته‌های مارکس و انگلس، اهمیت این عمل مستقل بر احتمال خطر انتخاب مرتجعان می‌چربد. مارکس و انگلس هر دو در انتقاد از آنهایی که انتخاب شدن در پارلمان را مهم‌تر از پیشبرد عمل مستقل طبقه کارگر و تقویت حزب بر اساس عمل مستقل می‌دانستند، تأمل و تردید نمی‌کردند و نسبت به اینان گذشت نداشتند. انگلس نوشت: «این افراد بی‌نوا و سبک‌مغز در روند زندگی به طور کلی بسیار مهم و گنگ خود، به قدری با چیزهایی مثل موفقیت ناآشنا و ناماموس‌اند که واقعا باور دارند که اصلاحات ناچیز و حقیر آنها که با اکثریت دو

دو سال دیگر، جهان ۲۰۰مین سالزاد کارل مارکس را که در روز ۵ ماه مه ۱۸۱۸ به دنیا آمد جشن خواهد گرفت. مارکس، که او را بزرگ‌ترین اندیشمند هزاره دوم می‌دانند، تأثیری عظیم و شگفت بر جهان داشت، و از همین رو، اینکه می‌گوییم همه جهان دوست‌مین سالگرد تولد او را جشن خواهد گرفت، اغراق نیست. مارکس چنان شخصیتی است که می‌توان دوستش داشت، یا از او متنفر بود. اما به هیچ‌وجه نمی‌شود او را نادیده گرفت.

اندیشه‌ها و تحلیل‌های مارکس نه‌فقط بر رشته‌های گوناگون علوم اجتماعی مانند تاریخ، اقتصاد، جامعه‌شناسی، فلسفه، علوم سیاسی، مطالعات جنسیتی، مردم‌شناسی، و...، بلکه بر ادبیات و رشته‌های گوناگون علوم طبیعی نیز تأثیر گذاشت و همچنان نیز می‌گذارد. فردریک انگلس، دوست و یار غار سالیان دراز کارل مارکس، پس از مرگ مارکس در روز ۱۴ مارس ۱۸۸۳ در ۶۴ سالگی، در سخنرانی‌اش بر سر مزار مارکس گفت: «بزرگ‌ترین اندیشمند زنده دنیا از اندیشیدن باز ماند»، و درباره بزرگی و مقام والای مارکس گفت: «... مارکس در هر زمینه‌ای که تحقیق و تفحص کرد- و او در زمینه‌های بسیاری کنکاش و تحقیق کرد، و هیچ‌یک هم سرسری و سطحی نبود- در هر زمینه‌ای، حتی در زمینه ریاضی، به کشف‌های مستقلی دست یافت. مارکس چنین دانشی مردی بود. اما همه اینها حتی نیمی از کار او هم نبود. برای مارکس، علم و دانش نیرویی از لحاظ تاریخی پویا و انقلابی بود. او با اینکه از یک کشف تازه در یکی از علوم نظری، که کاربرد آن در عمل احتمالاً هنوز غیرقابل تصور بود، لذت می‌برد، اما لذتی که از کشف موضوع یا نکته‌ای مرتبط با تغییرهای انقلابی فوری در صنعت، و به طور کلی در توسعه تاریخی می‌برد، چیز دیگری بود.»^۴ علاقه‌ای که مارکس به همه این رشته‌های گوناگون علوم نشان می‌داد صرفاً از روی کنجکاوی محض نبود. این علاقه و توجه با هدف معینی در مارکس شکل گرفت. انگلس این مطلب را به طور مختصر و مفید به این صورت بیان می‌کند: «مارکس پیش از هر چیز، یک انقلاب‌گرا بود. هدف عمده و واقعی او در زندگی این بود که از این یا آن راه به برانداختن جامعه سرمایه‌داری و نهادهای دولتی‌ای که این نظام به وجود آورده است، و نیز به رهایی پرولتاریای نوین، که او نخستین کسی بود که آن را از موقعیتش و نیازهایش و از شرایط آزادی‌اش آگاه کرد، یاری رساند و در آن سهمی داشته باشد. رزمیدن عنصر بنیادی او بود.»^۵ چنین بود که رهایی نوع بشر، به پیشگامی پرولتاریا در مقام نیروی محرکه انقلاب، انگیزه تلاش‌های مارکس بود.

لنین، یکی از تواناترین کاربران اندیشه مارکسیستی، می‌گوید: «آموزه مارکسیستی قدرت بی‌پایانی دارد، چون درست است. آموزه مارکسیستی جامع و موزون است، و جهان‌بینی یکپارچه‌ای را در اختیار انسان قرار می‌دهد که با هر شکلی از خرافات، ارتجاع، یا دفاع از رنج و ستم بورژوازی ناسازگار و آشتی‌ناپذیر است. این آموزه جانشین برحق بهترین اندیشه‌هایی است که انسان در سده نوزدهم تولید و مطرح کرد، که در فلسفه آلمانی، اقتصاد سیاسی انگلیسی، و سوسیالیسم فرانسوی متبلور است.»^۶ لنین ضمن اشاره به نبوغ سرشار مارکس می‌گوید که مارکس «نخستین کسی بود که از درسی که تاریخ جهان می‌آموزد نتیجه‌گیری کرد»، که همانا آموزه مبارزه طبقاتی بود، «و آن را پیگیرانه و با انسجام به کار برد.»^۷ حاد کردن مبارزه طبقاتی در راه دگرگونی انقلابی جامعه، هسته بنیادی همه فعالیت‌هایی است که مارکس را در سراسر عمرش

ادامه کارل مارکس ...

یا سه رأی به تصویب می‌رسد، سیمای اروپا را تغییر خواهد داد. آنها از همان آغاز کارشان در مجلس قانون‌گذاری، بیشتر از هر جناح دیگری از مجلس دچار آن مرض ناعلاج کودنی پارلمانی شده بودند؛ بیماری و اختلالی که با این اعتقاد جدی به قربانیان بیچاره‌اش سرایت می‌کند که: همه جهان، تاریخ گذشته و آینده آن، توسط اکثریت آرا در همان مجمع نمایندگان خاص که ایشان افتخار عضویت در آن را دارند تعیین می‌شود، و همه و هر چیزی که در بیرون از دیوارهای مجلس آنها جریان دارد- جنگ‌ها، انقلاب‌ها، ساختمان راه‌آهن، استعمار قاره‌های کاملاً جدید، اکتشاف طلا در کالیفرنیا، کانال‌های آمریکای مرکزی، ارتش روسیه، و هر چیز دیگری که ممکن است تأثیری هر چند اندک در سرنوشت نوع بشر داشته باشد- در مقایسه با رخدادهای غیرقابل قیاس پیرامون آن موضوع مهم که درست در آن لحظه توجه مجلس محترم آنها را به خود معطوف کرده است- حالا هرچه می‌خواهد باشد- اهمیتی ندارد.^{۱۰}

مارکس با هر تلاشی برای استفاده از انترناسیونال به عنوان وسیله‌ای برای تحقق جاه‌طلبی‌های پارلمانی به شدت مخالفت می‌کرد. او نوشت: "متاسفم بگویم که بیشتر نمایندگان کارگران از موقعیت خود در شورای ما فقط برای پیشبرد هدف‌های شخصی حقیر خود استفاده می‌کنند. وارد شدن به مجلس عوام از هر راه ممکن و لازم، عزیزترین هدف آنهاست، و هیچ چیزی بیشتر از شانه به شانه شدن با اربابان و نمایندگان مجلس که آنها را نوازش و فاسد می‌کنند، برایشان خوشایند نیست."^{۱۱}

مارکس و انگلس البته این مطلب را نیز کاملاً روشن کردند که آن موضع آنها نباید به این معنی تلقی شود که آنها اساساً مخالف شرکت در انتخابات، و انتخابات‌گریزند. "بترتی سیاسی پرولتاریا... انقلاب عالی‌ترین و والاترین عمل سیاست است؛ هر کس که خواهان آن است، باید عمل سیاسی و وسیله‌ای را بخواهد که او را برای انقلاب آماده می‌کند، که کارگران را برای انقلاب آموزش می‌دهد، و بدون آن کارگران همیشه فریب داده می‌شوند... اما سیاستی که به آن نیاز است، سیاست طبقه کارگر است؛ حزب کارگران نباید دنباله‌روی حزب بورژوازی باشد، بلکه باید حزب مستقلی با هدف خودش، با سیاست خودش باشد. آزادی‌های سیاسی، حق تجمع و تشکل و آزادی مطبوعات، اینها سلاح‌های ما هستند. اگر خواستند سلاح‌هایمان را از ما بگیرند، آیا باید آنها را کنار بگذاریم و از صحنه کنار برویم؟ گفته می‌شود که هر اقدام و عمل سیاسی به معنای پذیرش وضع موجود است. ولی وقتی که این وضع موجود وسیله‌ای برای اعتراض به وضع موجود در اختیار ما می‌گذارد، آنگاه استفاده از این وسیله به معنای پذیرش وضع موجود نیست." (تأکید از ماست)

در کشور خودمان نیز آنچه لازم است، خطامشی و سیاست طبقه کارگری، و حفظ موضع مستقل بدون تبدیل شدن به "دنباله‌رو حزب بورژوازی" است. شرکت در مجلس وسیله‌ای است برای رسیدن به یک پایان؛ خط مشی‌ای است برای اشاعه اصول انقلابی و پیشبرد آرمان انقلاب.

مارکس در یادداشتی به یکی از دوستان قدیمی‌اش در آلمان درباره گرایش‌های زیانباری که در "حزب پدید آمده است، دریغ و افسوس می‌خورد که "در آلمان، روحیه‌ای زشت و گمراه‌کننده دارد خودش را در حزب ما جا می‌کند؛ نه چندان در میان توده‌های حزبی، بلکه بیشتر در میان رهبران (طبقه بالا و "کارگران"). "سازش با لاسالی‌ها [طرفداران فرديانند لاسال] به سازش‌های بیشتر با دیگر عناصر متزلزل منجر شده است... تازه اگر از انبوه دانشجویان خام‌مغز و فارغ‌التحصیلان مافوق‌عقلی بگذریم که می‌خواهند به سوسیالیسم سمت‌وسویی "بالا تر و ایدئالیستی" بدهند، به این معنی که آن را جانشین بنیاد ماتریالیستی کنند... اسطورگان نوینی با الهه‌های عدالت، آزادی، برابری، و برادری خودش را جایگزین [سوسیالیسم با بنیاد ماتریالیستی] کنند."^{۱۲}

مارکس و انگلس در انتقاد از پرشتاین و دیگران به دلیل اندیشه‌های فرصت‌طلبانه (اپورتونیستی) و تجدیدنظرطلبانه

(رویزبونیستی)‌شان که می‌خواستند که حزب سمنگیری پرولتاریایی‌اش را کنار بگذارد و به خرده‌بورژوازی و بورژوازی- هر دو- پناه ببرد، و موضعی کم‌خطرتر نسبت به رژیم بیسمارک [نخستین صدراعظم آلمان در قرن نوزدهم] بگیرد، نامه سرگشاده‌ای با عنوان "بخش نامه" (خطاب به اوگوست بیل، ویلهلم لیکنشت، و ویلهلم براک) به اعضای حزب نوشتند: "پس بورژوا را انتخاب کنید! مخلص کلام، طبقه کارگر با سعی و کوشش خود قادر به رهایی خودش نیست. طبقه کارگر برای اینکه خودش را رها کند باید تحت هدایت بورژوازی "تحصیل کرده و صاحب ملک" درآید که فقط اوست که برای آشنا شدن با آنچه برای کارگران خوب است "وقت و فرصت" دارد. و دوم اینکه نباید با بورژوا جنگید- نه در حیات خودتان- بلکه باید با تبلیغ زیاد بر او پیروز شد."^{۱۳}

گذشته از این، هدف سه نفر مذکور آن بود که به بورژواها نشان دهند که "شیخ سرخ به‌روشنی و به طور متقاعدکننده‌ای واقعا فقط یک شیخ است و وجود خارجی ندارد... آنها برنامه حزب را می‌پذیرند، نه برای خودشان و در طول عمر خودشان، بلکه برای پس از مرگشان، به عنوان یادگاری برای فرزندانشان و فرزندان فرزندانشان. در عین حال، آنها "تمام توان و انرژی" خود را وقف انواع و اقسام موضوع‌های کم‌اهمیت، و وصله‌پینه کردن نظم اجتماعی سرمایه‌داری می‌کنند تا دست‌کم به نظر بیاید که کاری کرده‌اند، بدون اینکه در عین حال بورژوازی را ترسانده باشند "و به این ترتیب "بورژواها را به طور کامل از نگرانی و دل‌پرسی دریاورند." (تأکید از ماست)

انگلس با این بیان که چنین افرادی را باید بی‌درنگ و ادا کرد که از حزب بیرون بروند، نوشت: "آنها همان‌طور که می‌نویسند فکر می‌کنند: آنها باید از حزب بیرون روند یا دست‌کم از کار در دفتر حزب [هیئت تحریریه] استعفا کنند. اگر چنین نکنند، به منزله آن است که می‌پذیرند که هدفشان استفاده از موقعیت رسمی‌شان برای مبارزه با سرشت پرولتاریایی حزب است. از این رو، حزب اگر به اینها اجازه بدهد که در حزب بمانند، به خودش خیانت کرده است." (تأکید از ماست)

انگلس ضمن بیان اینکه "اینها تحت هیچ شرایطی نباید اجازه یابند که در رهبری حزب کارگران سوسیالیست آلمان (SAPD) باشند"، با طعنه از برنشتاین و رفقاییش می‌خواهد که جدا از "حزب کارگران سوسیال-دموکراتیک آلمان"، حزب خودشان، "حزب خرده‌بورژوازی سوسیال-دموکراتیک" را تشکیل دهند.

از دید مارکس و انگلس، پیروزی در انتخابات همیشه امری ثانوی بوده است. انگلس به بیل گفت: "در حال حاضر، اینکه بالاخره چند کرسی در پارلمان به دست خواهیم آورد برای من کمتر اهمیت دارد... موضوع عمده، نشان دادن آن است که جنبش ما دارد رو به جلو می‌رود... طوری که کارگران ما کار را به پیش برده‌اند، استواری، اراده، و پیش از هر چیز، خلق و خو و منشی که کارگران به اتکالی آن موضعی را یکی پس از دیگری تسخیر کرده‌اند، و با هر حيله و ترفندی، با هر تهدید و زورگویی توسط دولت و بورژوازی مبارزه کرده‌اند [مهم است]. " (تأکید از ماست) انگلس درباره موفقیت‌های به دست آمده در انتخابات ۱۸۸۷ نوشت: "اما تعداد کرسی‌ها نیست که اهمیت دارد؛ تعداد کرسی‌ها فقط نمایش آماری رشد حزب است، که البته نمی‌شود جلوی آن را گرفت." انگلس درباره انتخابات ۱۸۹۳ تأکید کرد که: "تعداد کرسی‌ها موضوعی کاملاً ثانوی است "چون از دید او آنچه حائز اهمیت زیادی است، استفاده از عرصه انتخابات به منظور "شکل دادن ائتلاف کارگر-دهقان" است. مارکس و انگلس بارها تأکید کرده‌اند که همه تاکتیک‌ها باید طوری در کنار هم چیده شوند که تعالی و برتری طبقه کارگر تضمین شود، و برای این منظور، لازم است که ائتلاف کارگر-دهقان شکل بگیرد.

مارکس و انگلس با صرف وقت و زحمت بسیار و با دقت، شکل‌گیری جنبش در حال شکوفایی کمونیستی را هدایت کردند. آنها این کار را نه فقط با دانش نظری‌شان، بلکه با تجربه‌های عملی‌ای که در سراسر زندگی‌شان به دست آورده بودند به پیش بردند. این دو اندیشمند همیشه انتقادپذیر بودند. انگلس می‌گفت: "[حیات] جنبش کارگری وابسته به انتقاد بی‌رحمانه از جامعه موجود است... پس چطور خودش می‌تواند از انتقاد شدن پرهیز کند، یا بحث را کنار بگذارد و قدغن کند؟ اگر این طور باشد، پس یعنی ما از دیگران می‌خواهیم که حق صحبت آزادانه را به ما بدهند، ولی خودمان آن را در میان صفوف خودمان کنار بگذاریم؟"^{۱۴} به همین ترتیب، و مهم‌تر از آن، مارکس و انگلس هرگز از واری خودانتقادی نتیجه‌گیری‌های خودشان نیز روی گردان نبودند، و اگر معلوم می‌شد که نظرشان درست نبوده است، همان‌طور که در موارد گوناگون دیده‌ایم، واقعیت را می‌پذیرفتند و برای رسیدن به نتیجه‌گیری درست، کار و تلاش مضاعفی می‌کردند.

دیدگاه مارکس در زمینه رعایت انضباط حزبی نیز بسیار روشن بود، بدین معنی که وقتی که پس از بحث و گفتگو، یک خطامشی تعیین می‌شود، باید از آن پیروی کرد. در قوانین و مقرراتی که مارکس و انگلس برای اتحادیه کمونیستی نوشتند تصریح شده است که "پیروی از تصمیم‌های اتحادیه "یکی از شرایط عضویت" است.

مارکس با اعتقاد راسخ به این اندیشه انقلابی خود که توصیف و تفسیر جهان کافی نیست، بلکه لازم است که آن را تغییر داد، نه فقط حزب را تحلیل کرد، بلکه تمام تلاش خود را در راه ساختمان حزبی که بتواند جامعه را دگرگون کند به کار بست. از دید مارکس، همه

ادامه کارل مارکس ...

تاکتیک‌ها و استراتژی‌ها باید در خدمت تقویت چنین تلاش‌هایی باشد.

تقریباً ۲۰۰ سال از تولد مارکس می‌گذرد، ولی اندیشه‌های او امروزه همچنان موضوعیت دارد. بررسی و پژوهشی که اخیراً توسط مؤسسه پژوهشی مستقل "مرکز لوادا" در روسیه انجام شد نشان داد که "بیشتر از نیمی از شهروندان روسیه بر این عقیده‌اند که فروریزی اتحاد شوروی رخداد بدی بود که می‌شد از آن جلوگیری کرد، و بخش بزرگ‌تری از مردم روسیه می‌گویند که از بازگشت و بازسازی نظام سوسیالیستی و "ایالات شوروی" استقبال می‌کنند. از سوی دیگر، در بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری، شامل کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، اشتیاق و تمایل فزاینده‌ای به بازخوانی نوشته‌های مارکس و آموختن درباره بحران اقتصادی جهانی و راه‌ها و روش‌های برقراری نظامی فارغ از بحران دیده می‌شود. همان‌طور که مارکس دریافت و به دنیا آموزش داد، سرمایه‌داری به طور سرشتی نظامی بحران‌زا و بحران‌زده است. تنها راه‌گذار از این نظام تقویت حزب طبقه کارگر و ایجاد ائتلافی طبقاتی بر اساس اتحاد کارگر و دهقان و دیگر زحمتکشان است. دستیابی به این هدف نیز فقط و فقط از راه تقویت و قدرت بخشیدن به مبارزات طبقاتی زحمتکشان امکان‌پذیر است و بس.

مارکس و انگلس در مورد آنهایی که اندیشه‌های انقلابی این دو دانشمند را به‌ظاهر می‌پذیرند و انکارناپذیر می‌دانند ولی از کاربرد آنها سر باز می‌زنند، چنین می‌گویند: "اینها همان‌هایی‌اند که با تظاهر به فعالیت خستگی‌ناپذیر، نه فقط خودشان کاری نمی‌کنند، بلکه سعی می‌کنند از انجام هر کاری جلوگیری کنند و فقط حرف می‌زنند؛ همان‌هایی‌اند که ترسشان از هر گونه عملی در سال‌های ۱۸۴۸ و ۱۸۴۹، در هر مرحله، سدی در برابر جنبش بود و سرانجام هم به نابودی جنبش منجر شد؛ همان‌هایی‌اند که واکنشی را می‌بینند، و دست‌آخر هم تعجب می‌کنند از اینکه خودشان را در بن‌بستی می‌یابند که در آن نه مقاومت امکان‌پذیر است، نه گریز؛ همان‌هایی‌اند که می‌خواهند تاریخ را در افق تنگ خرده‌بورژوازی خود محدود و محصور کنند، و تاریخ ناگزیر از روی سر آنها به سوی ضرورت روز به پیش می‌رود."

مارکس و انگلس نه فقط دانشمندانی نظریه‌پرداز، بلکه فعالانی سیاسی بودند که هنوز هم درس‌های زیادی می‌توان از آنها آموخت.

۱. انگلس، سخنرانی بر سر مزار مارکس، گورستان های‌گیت، لندن، ۱۷ مارس ۱۸۸۳
۲. همان‌جا.
۳. همان‌جا.
۴. لنین، "سه منبع و سه جزء مارکسیسم"، مارس ۱۹۱۳
۵. همان‌جا.
۶. لنین، "علیه تحريم" [انتخابات دوماي سوم]، ژوئيه ۱۹۰۷
۷. مارکس، "آقای وُت"، نوامبر ۱۸۶۰
۸. مارکس و انگلس، خطاب به مرکزیت اتحادیه، مارس ۱۸۵۰
۹. انگلس، "پیروزی پروس"، ژوئيه ۱۸۵۲
۱۰. مارکس، نامه به جولیان هارنی در بوستون، ۲۱ ژانویه ۱۸۷۱
۱۱. مارکس، ۱۸۷۷
۱۲. مارکس و انگلس، بخش‌نامه به اوگوست پیل، ویلهلم لیبنکنشت، ویلهلم براك (از رهبران سوسیال-دموکراسی آلمان)، سپتامبر ۱۸۷۹
۱۳. همان‌جا
۱۴. بخش‌نامه به اوگوست پیل، ویلهلم لیبنکنشت، ویلهلم براك، و دیگران، ۱۷-۱۸ سپتامبر ۱۸۷۹
۱۵. نامه به گرسون ترییر، ۱۸۸۹
۱۶. نامه انگلس و مارکس به اوگوست پیل، ویلهلم لیبنکنشت، و ویلهلم براك، از رهبران سوسیال-دموکراسی آلمان؛ سپتامبر ۱۸۷۹

ادامه مصاحبه با رفیق پروفیسور جان فاستر ...

ملی مترقی بشناسند، و نشان بدهد که این دموکراسی‌ای که اتحادیه اروپا دارد از ما می‌گیرد، در سطح هر کشور و توسط طبقه کارگر به دست آمده است.

سؤال: آیا رأی به ترک اتحادیه اروپا سبب تقویت زیاد نیروهای راست‌گرای ارتجاعی خطرناک در درون و بیرون حزب محافظه‌کار نخواهد شد؟

خیر. اگر نیروهای چپ موضع خود را بر پایه‌ای اصولی مطرح و تبلیغ کنند، آن طور که گفتید نخواهد شد. رأی به ترک اتحادیه اروپا، حزب محافظه‌کار را- به مثابه حزب طبقه حاکم- اساساً دچار تفرقه خواهد کرد. رهبری کنونی پیرامون دیوید کامرون به دفاع از منافع سران سرمایه مالی بریتانیایی-آمریکایی ادامه خواهد داد و در پی حفظ و بهبود روابط نزدیک و دوستانه با اتحادیه اروپا خواهد بود. مدافعان کارزار "ترک اتحادیه اروپا" در موضع مخالف این بخش از حزب محافظه‌کار قرار می‌گیرند. دولت دیوید کامرون در حال حاضر فقط اکثریت شکننده‌ای در پارلمان دارد. اگر حزب کارگر بخواهد برنامه رادیکالی را بر پایه مانیفست کنونی چرمی کوربین مطرح کند، که پس از موضوع ترک اتحادیه اروپا اکنون ممکن می‌شود، در آن صورت همه کسانی را که خواستار نجات و حفظ خدمات دولتی همگانی، توسعه مجدد اقتصاد تولیدی، و توزیع عادلانه درآمد به هزینه ثروتمندان کلان هستند- و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که اینها اکثریت مردم را تشکیل می‌دهند- می‌تواند پیرامون برنامه خود گرد آورد.

اما از سوی دیگر، اگر قرار باشد که بریتانیا در اتحادیه اروپا بماند، آنگاه برای حزب کارگر چرمی کوربین بسیار دشوار خواهد بود که تغییرهای رادیکالی را که حامیانش انتظار دارند بتواند پیش ببرد. به علت الزام‌های تحمیلی اتحادیه اروپا که دولت‌ها باید رهنمودهای نولیبرالی و متمایل به شرکت‌های بزرگ را دنبال کنند، حزب‌های سوسیال دموکرات در سراسر اتحادیه اروپا دچار تلفات انتخاباتی سنگینی شده‌اند.

سؤال: از نظر شما، سه عنصر اصلی و عمده برنامه‌ریزی اقتصادی یک دولت مترقی در بریتانیا، در بیرون از اتحادیه اروپا، چه خواهد بود؟

نخست، مالکیت همگانی بانک‌ها و تأسیسات عمده، که به دولت این قدرت را می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌ها را به سوی اقتصاد تولیدی هدایت کند و منابع مالی برای استفاده‌های قمار سوداگرانه را قطع کند.

دوم، توسعه دموکراسی اقتصادی، از لحاظ برنامه‌ریزی در بخش‌های گوناگون برای رشد صنعتی، با مشارکت جنبش اتحادیه‌ی مردم و کسب‌وکارهای کوچک، و بازگرداندن حقوق اتحادیه‌ی و چانه‌زنی برای تنظیم قراردادهای دسته‌جمعی، همراه با کمک‌های قابل توجه دولتی به صنعت برای عملی کردن این برنامه‌ها.

سوم، بازگشت به بودجه‌بندی کینزی و اشتغال فراگیر و کامل به منظور تغییر توازن نیرو در بازار کار به سود زحمتکشان، توزیع عادلانه درآمد سرمایه، و در عین حال، مالیات بستن بر ثروت به منظور فراهم آوردن امکان مالی برای سرمایه‌گذاری در آموزش، در پژوهش و توسعه، و در خدمات ضروری دولتی. هیچ‌یک از اینها در چارچوب اتحادیه اروپا امکان‌پذیر و "مجاز" نخواهد بود.

سؤال: آیا پیروزی رأی "ترک اتحادیه اروپا" موضع اسکاتلندی‌هایی را که خواهان استقلال از بریتانیا هستند تقویت خواهد کرد؟

نمی‌شود به این سؤال پاسخ قطعی داد. رهبری حزب ملی اسکاتلند به‌شدت طرفدار اتحادیه اروپاست و گفته است که اگر بریتانیا اتحادیه اروپا را ترک کند، خواستار برگزاری همه‌پرسی تازه‌ای درباره استقلال اسکاتلند خواهد شد. اما آنها در عین حال می‌دانند که در وضعیت تازه‌ای که پیش خواهد آمد، توجیه اقتصادی استقلال از بریتانیا برای آنها بسیار دشوار خواهد بود. افت قیمت نفت بدین معناست که کسری بودجه اسکاتلند حتی از آنچه در سال ۲۰۱۴ [دو سال پیش] بود نیز بیشتر خواهد شد و از ۴ درصد به بیش از ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی خواهد رسید. از این بدتر اینکه اگر بریتانیا از اتحادیه اروپا بیرون برود، می‌شود گفت که اسکاتلند به احتمال نزدیک به یقین مجبور به پیوستن به کشورهایی که واحد پولی "یورو" را قبول کرده اند، خواهد شد، و نتیجه آن، همان برنامه "فشرده مالی" اسکاتلند خواهد بود که مستلزم از میان بردن کسری بودجه و کاهش بودجه‌های گوناگون در همان مقیاسی است که یونان مجبور به آن شد. حزب ملی اسکاتلند این موضوع را خوب می‌داند.

بیانیه حزب توده ایران به:

همه آنانی که در کارزار همبستگی با گردهمایی اعتراضی “خیزش شبانه” شرکت دارند

حزب توده ایران، به خاطر آینده‌ای صلح‌آمیز، خلل‌ناپذیری حقوق دمکراتیک و انسانی، و برقراری عدالت اجتماعی، همبستگی‌اش را با مبارزه شما اعلام می‌دارد!

چنان‌که خوانندگان “نامه مردم” به‌یاد دارند، در شماره ۹۹۹، ۲۸ اردیبهشت‌ماه این نشریه، در مقاله‌ی با عنوان: “خیزش شبانه، زمانی برای آگاهی یافتن”، شرح داده شده بود که، از همان آغاز گردهمایی اعتراضی جنبش “خیزش شبانه” (شب‌زنده‌داری) در “میدان جمهوری” پاریس، هواداران حزب توده ایران به‌منظور ابراز همبستگی با این حرکت، به‌سازمان‌دهی اقدام‌هایی ابتکاری دست زدند. در کارزار جهانی همبستگی با جنبش “خیزش شبانه”، ۲۶ اردیبهشت‌ماه/ ۱۵ مه، در میدان جمهوری در پاریس، هواداران حزب توده ایران هزاران نسخه از بیانیه حزب‌مان در همبستگی با زحمتکشان فرانسه را در خلال این کارزار، بین شرکت‌کنندگان پخش کردند. بسیاری از جوانان فرانسوی که در این کارزار حضور داشتند، از همبستگی حزب‌مان با کارگران فرانسه، خواست آنان، و “خیزش شبانه”، قدردانی کردند. برگردان فارسی این بیانیه برای اطلاع خوانندگان “نامه مردم” در زیر می‌آید:

رفقا و دوستان گرامی،

ما به مبارزه متعهدانه و قهرمانانه شما که نهایتاً توجه مردم فرانسه، بلکه توده‌های سراسر اروپا و فراتر از آن را به‌خود جلب کرده است، ادای احترام می‌کنیم. جوانان، گنش‌گران اجتماعی، زحمتکشان یدی و فکری، زنان و مردان، یعنی همه آنانی که در جهت به‌وجود آوردن تغییر در ایران مبارزه می‌کنند نیز، حرکت، حادثه‌ها و تحول‌های روی‌داده در مسیر مبارزات شما را با علاقه دنبال می‌کنند.

پیکار شما، بدیل پیکارهای کنونی است، در یونان: در برابر تحمیل‌های “ترویکا” گروه سه‌گانه “اتحادیه اروپا”، “صندوق بین‌المللی پول” و “بانک مرکزی اروپا”، در اسپانیا: جنبش “به‌خشم آمده‌ها” [“اِیندیگنادوس”]، در نیویورک: جنبش‌های “اشغال”، “اوکوپای”، در لندن و فرانکفورت: در مخالفت با حاکمیت بانک‌ها و بانکدارها، و در ارتباط با بحران‌های مداوم سرمایه‌داری [پس از سال ۲۰۰۸].

امروز، یکشنبه ۱۵ ماه مه [۲۶ اردیبهشت‌ماه]، گنش‌گرانی از سراسر اروپا در “میدان جمهوری” پاریس گردهم می‌آیند تا بُعدهای جهانی پیکارتان را نمایان‌تر کنند. حزب توده ایران از این کارزار بین‌المللی همبستگی با جنبش اعتراضی‌تان که پیامی آشکار به حاکمان اروپا می‌فرستد، پشتیبانی می‌کند. گردهمایی‌های اعتراضی باشکوه شما در محکوم کردن سیاست‌های نولیبرالی به‌کار گرفته‌شده [از سوی دولت و حاکمان فرانسه] به‌منظور بی‌اثر کردن و از بین بردن فعالیت‌های سندیکایی و خصوصی کردن خدمات درمانی و آموزشی و همچنین واکنش اعتراض‌آمیزتان بر ضد اعمال ریاضت‌های اقتصادی، واکنش اعتراض‌آمیز ما و مبارزه و پیکار ما نیز است.

آشکار و روشن است که سیاست‌گذاران نهادهای کلیدی سرمایه‌داری جهانی همواره تلاش کرده‌اند تا بار بحران‌های سیستماتیک (ذاتی) سرمایه‌داری را بر دوش کارگران و تهیدستان بیندازند و پرداخت هزینه‌های بحران را به آنان تحمیل کنند. سیاست‌های نولیبرالی بر همه شئون اروپا و ایالات‌متحده مسلطند. نابرابری در کشورهای سرمایه‌داری، رو سوی هرچه بیشتر نهادینه شدن دارد. دولت‌ها برای در هم شکستن مقاومت مردم در برابر این نابرابری‌ها، از هر شیوه و حربیه بهره می‌گیرند. از جنگ و نظامی‌گری به‌هدف انتقال بار مشکلات و بحران‌های‌شان به‌گرده دیگر کشورها همواره استفاده می‌کنند، و این خطری عظیم است. خاورمیانه درحال حاضر مخاطره‌آمیزترین دوران

تاریخش را سپری می‌کند. جنگ، اشغال و تروریسم داعش، چهره منطقه را تاریک کرده و آن را به‌خاک و خون کشیده است. خاورمیانه در مرکز کوشش‌های برنامه‌ریزی‌شده‌ای دقیق از سوی کشورهای امپریالیستی به‌رهبری ایالات‌متحده قرار گرفته است تا با تحکیم سیطره‌شان بر آن- و درعین‌حال تضمین نظارت بی‌رقیب بر جریان نفت- به غارت آزادانه مواد خام اولیه، استثمار، و دراختیار گرفتن بازارهای منطقه به‌طورگسترده دست زنند. نیروهای ارتجاعی و دست‌راستی خاورمیانه، زیر حمایت ایالات‌متحده و کشورهای اتحادیه اروپا، در این تلاشند تا اطمینان حاصل کنند که هیچ چالش جدی‌ای “طرح خاورمیانه جدید” ایالات‌متحده را دچار اختلال نکند. این نیروها، با مهندسی بحران‌ها، برپایی جنگ و درگیری‌ها، این قابلیت را داشته‌اند تا روند وقایع موردنظرشان را به منطقه دیکته کنند. سوریه، عراق و یمن در آتش جنگ و ترور درحال سوختن‌اند. لیبی تبدیل به کشوری شده است که در آن، قبیله‌های مختلف برای به‌چنگ گرفتن قدرت مرکزی با یکدیگر می‌جنگند و بر سراسر قلمرو آن ترور اسلامی حکمرانی می‌کند.

ایالات‌متحده و اروپا از زمان توافق‌شان با ایران در ژانویه ۲۰۱۶ (دی‌ماه ۱۳۹۴) برای اجرای “برجام”، تلاش کرده‌اند ثابت کنند رژیم مذهبی ایران شریکی است که می‌توان با آن به تعامل پرداخت. این رژیم نه‌تنها هر گاه اراده کرده است تمامی قوانین بین‌المللی پذیرفته‌شده را نقض کرده است، بلکه فعالان سندیکایی عرصه‌های مختلف صنفی، کنش‌گران حقوق‌بشری، و روزنامه‌نگاران را بی‌آنکه جرمی از آنان سر زده باشد به زندان می‌افکند و از روی برنامه، به‌ضد زنان تبعیض قائل می‌شود و جوانان را از حقوق طبیعی‌شان محروم می‌دارد. این رژیم با از میان برداشتن تمامی اصل‌ها و ابزارهای نظارت دمکراتیک بر حکومت و مدیریت کشور، اقتصاد کشور را به‌سوی نابودی می‌برد. اجرای سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی به‌افزایش نجومی تورم، سیر صعودی بیکاری، تهاجم به حقوق کارگران و خصوصی‌سازی اقتصاد کشور انجامیده‌اند. سلطه استبداد قرون‌وسطایی، امکان‌های راه‌بردی [استراتژیک] بالقوه انسانی و طبیعی کشور را قربانی حکمروایی مخرب و وحشیانه خود کرده است. با این حال، از ژانویه ۲۰۱۳، ایالات‌متحده، به‌منظور یاری گرفتن از رژیم تئوکراتیک (مذهبی) در پیاده کردن “طرح نقشه خاورمیانه جدید”، دست دوستی و همکاری به سوی آن دراز کرده است که یکی از نتیجه‌های عمده این سیاست کمک به تداوم این دیکتاتوری خواهد بود.

رفقا و دوستان گرامی،

مبارزات ما، از آنجا که به‌هدف در اختیار گرفتن کنترل زندگی اقتصادی و اجتماعی‌مان به‌دست خودمان و مخالفت و مبارزه با سیاست‌های نولیبرالی است، با یکدیگر پیوند دارند. در بیان همبستگی‌مان با مبارزه شما، به‌زرفش و گسترش مبارزه‌مان در راه صلح پایدار در جهان، و برقراری دمکراسی و عدالت اجتماعی نیز باور عمیق داریم.

پایدار باد همبستگی بین‌المللی حزب توده ایران

آخرین خبر در ارتباط با مبارزه اعتراضی مردم و زحمتکشان فرانسه در مخالفت با اصلاح قانون کار این کشور از سوی دولت اینک، در هفته‌های اخیر این مبارزه اعتراضی ابعاد وسیع‌تری به‌خود گرفته و به‌طورجدی دولت فرانسوا اولاند را به‌چالش طلبیده است. اکنون به‌روشنی می‌توان مشاهده کرد که جنبش “خیزش شبانه”- که از ماه مارس آغاز شده است- در پاریس و شهرهای بزرگ فرانسه (نیز نگاه کنید به: گزارش نامه مردم، شماره ۹۹۹) درحال زدن پل‌های ارتباطی‌ای مؤثر با جنبش کارگری فرانسه است. در روزهای اخیر بخش عمده جنبش سندیکایی فرانسه، به‌رهبری سندیکای “ث. ژ. ت.”، با اعلام اعتصاب عمومی، جنبش اعتراض‌های گسترده ضد تصمیم دولت به تحمیل تغییرهایی ارتجاعی در قانون کار این کشور را وارد مرحله‌ی تازه کرد. در هفته گذشته، کارگران پالایشگاه‌های نفت، نیروگاه‌های هسته‌ای، و مراکز اصلی حمل‌ونقل، دست از کار کشیدند که در نتیجه، حیات اقتصادی فرانسه دچار اختلال گردید. نشانه‌های مشخصی از سراسیمه شدن دولت پس از این اعتصابات و احتمال عقب‌نشینی گام‌به‌گام دولت فرانسه از موضع‌گیری‌های سرسختانه‌اش به‌چشم می‌خورند.

ادامه مصاحبه با رفیق پروفیسور جان فاستر...

همگانی و مداخله دولت در اقتصاد، اگر نگوئیم غیرممکن، بسیار دشوار خواهد کرد.

سؤال: آیا ترک اتحادیه اروپا به نیروهای ترقی خواه مخالف پیمان همکاری کشورهای دو سوی اقیانوس اطلس در تجارت و سرمایه‌گذاری (TTIP) کمک می‌کند یا کار آنها را دشوار می‌کند؟

جدا شدن از اتحادیه اروپا کمک زیادی به این امر می‌کند. دولت محافظه‌کار دیوید کامرون یکی از سرسخت‌ترین هواداران TTIP در درون اتحادیه اروپاست و مستقیماً منافع آمریکا را نمایندگی می‌کند. اگر بریتانیا دیگر عضو اتحادیه اروپا نباشد، صدای مخالفان در فرانسه و آلمان نیز بلندتر و قوی‌تر خواهد شد. و البته اگر بریتانیا عضو اتحادیه اروپا نباشد، آنگاه از پیمان TTIP نیز بیرون خواهد بود و الزامی در برابر آن نخواهد داشت. باید تأکید کنم که اتحادیه اروپا خودش تا کنون در تحمیل "توافق‌نامه‌های تجاری آزاد" زینبار بر کشورهای گوناگون در آفریقا و در سراسر منطقه مدیترانه نقشی تعیین‌کننده داشته است. چنین توافقی‌هایی نه فقط مستلزم پایین آوردن تعرفه‌های کمرگی است که صنایع داخلی هر کشور را حفاظت و حمایت می‌کند، بلکه مستلزم گشودن درهای بخش دولتی در عرصه مخابرات، حمل‌ونقل، نیرو، و آب، به روی رقابت و سرمایه‌های شرکت‌های اتحادیه اروپاست.

حزب کمونیست بریتانیا مدافع و هوادار خروج کامل از اتحادیه اروپاست. ممکن است بنیادهای اقتصادی، سیاسی، و نظری این موضع حزب را برای خوانندگان ما توضیح دهید؟

از دید حزب کمونیست، عضویت بریتانیا در اتحادیه اروپا وسیله‌ای است که طبقه حاکم بریتانیا از آن برای تحکیم قدرت ضددموکراتیک خود بر نهادهای سیاسی بریتانیا استفاده می‌کند، و هم‌زمان، رابطه انگلی (و البته بسیار سودآور) خود را با منافع سرمایه‌های آمریکا حفظ می‌کند. اتحادیه اروپا، به مثابه یک نهاد، در خدمت سرمایه‌های مالی است. پیشرفت‌های دموکراتیک به دست آمده در سطح ملی هر کشور را محدود و مهار می‌کند، و مطابق با نیازهای سرمایه در مرحله سرمایه‌داری انحصاری و امپریالیستی‌اش عمل می‌کند. به طور مشخص‌تر، اتحادیه اروپا سلطه و نفوذ قدرت‌های امپریالیستی عمده درون اتحادیه، یعنی آلمان و فرانسه و بریتانیا (و در کنار آن آمریکا) را بر کشورهای دیگر و بر نهادهای دموکراتیک آنها نمایندگی می‌کند. حزب کمونیست بریتانیا این توصیف لنین از شعار "کشورهای متحد اروپا" در سال ۱۹۱۵ را در نظر دارد: "از دیدگاه شرایط اقتصادی امپریالیسم، یعنی صدور سرمایه و تقسیم جهان توسط قدرت‌های استعمارگر "پیشرفته" و "متمدن"، کشورهای متحد اروپا در زیر سیطره سرمایه‌داری یا غیرممکن است یا ارتجاعی... کشورهای متحد اروپا به مثابه سازش و توافقی میان سرمایه‌داران اروپایی شدنی است... ولی توافق بر سر چه چیزی و به چه منظور سرکوب مشترک سوسیالیسم در اروپا، و حفاظت مشترک از غنیمت‌های استعماری..."

امروزه اتحادیه اروپا سدی است در برابر استفاده زحمتکشان از نهادهای دموکراتیکی که خودشان با مبارزه‌شان در سطح هر کشور ایجاد کرده‌اند؛ سدی است در برابر توسعه بیشتر دموکراسی اقتصادی و تقویت توان و قدرت زحمتکشان در برابر سرمایه. به این ترتیب، اتحادیه اروپا مسئول مستقیم بحران دموکراسی اجتماعی در سراسر اروپاست.

حزب کمونیست بریتانیا معتقد است که پیشبرد چنین برنامه‌ای [ترک اتحادیه اروپا] برای صف‌آرایی و متحد کردن زحمتکشان از لحاظ طبقاتی در برابر تبعیض نژادی و بیگانه‌هراسی ضروری است. حزب خواهان مقابله با کنترل شرکت‌های بزرگ، ملی کردن بانک‌ها و تأسیسات کلیدی، استفاده از کمک‌های دولتی به منظور توسعه مجدد تولید، و پایان دادن به بازارهای کار "هر از گاهی" و انعطاف‌پذیر از نوعی است که اتحادیه اروپا و "برنامه اصلاح ملی" آن خواستار آن است.

شالوده‌موضع‌گیری حزب کمونیست بریتانیا بر این اعتقاد است که دفاع مجدد از سنت‌های ترقی‌خواهانه و انترناسیونالیستی جنبش طبقه کارگر بریتانیا، و تأکید بر اینکه مبارزه طبقه کارگر در راه دموکراسی، مبارزه در راه صلح و سوسیالیسم نیز است، امری ضروری و بسیار مهم است. در شرایطی که راست افراطی بیش از پیش از شعارهای ملی‌گرایانه استفاده می‌کند، به قول گتورکی دیمیتروف ضرورت داد

که چه خودش را با این سنت‌های

حزب محافظه‌کار بیشتر از آنچه دیوید کامرون انتظار داشت دچار تفرقه شده است. شماری از وزیران هیئت دولت و نمایندگان پارلمان خواهان ترک اتحادیه اروپا هستند، که خود نشانگر دو چیز است: یکی ترس از "حزب استقلال"، و دیگری، نفع مادی هواداران حزب محافظه‌کار، که بر دو نوع است. در قشرهای بالایی، افرادی‌اند که در زمینه مدیریت ثروت و صندوق‌های سرمایه‌گذاری فعالیت دارند و از این نگرانند که اتحادیه اروپا محدودیت‌هایی بر قدرت مالی آنها تحمیل کند، که می‌تواند تهدیدی برای کسب سودهای سرشار از معاملات (تراکیش‌های) مالی باشد. در قشرهای پایینی این حزب، کسب‌وکارهای کوچک هستند که خود را زیر فشار شرکت‌های چندملیتی‌ای می‌بینند که مقررات اتحادیه اروپا به سود آنهاست.

در سوی دیگر، که کامرون هم در همان طرف است، رده‌های بالایی سرمایه‌های مالی بریتانیایی، بزرگ‌ترین بانک‌های بریتانیا، شرکت‌های عمده و بزرگ کشور و "بانک انگلستان" که نماینده آنهاست، و به‌ویژه نیروهای مسلط در شهر لندن قرار دارند که می‌خواهند در اتحادیه اروپا بمانند. بانک‌های بزرگ آمریکایی جزو این دسته آخر هستند، که از دهه ۱۹۹۰ [۱۳۷۰] از لندن به عنوان پایگاهی برای کنترل کردن دو-سوم امور مالی سراسر اتحادیه اروپا استفاده کرده‌اند و می‌کنند. بودن شهر لندن در اتحادیه اروپا امری حیاتی برای تسلط جهانی دلار است. وساطت‌ها و دخالت‌های اوپاما هم از همین‌جا نشأت می‌گیرد. علاوه بر اینها، حضور بریتانیا در اتحادیه اروپا برای یکپارچگی و همگرایی اتحادیه اروپا با "تاتو" و پیروزی از ختم‌شده ژئوپلیتیکی آمریکا نیز امری حیاتی است.

سؤال: آیا بریتانیا خود یکی از هواداران اولیه اتحادیه اروپا نبود؟

خیر. بریتانیا تا سال ۱۹۷۳ [۱۳۵۲] به کشورهای بازار مشترک (الگوی قبلی اتحادیه اروپا) نپیوست، که سال‌ها پس از تشکیل آن در فاصله سال‌های ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۷ [۱۳۳۰ تا ۱۳۳۶] بود. یکی از علت‌های آن تأخیر این بود که طبقه حاکم بریتانیا در آن زمان می‌خواست که سیاست‌های مستقلی را در حفاظت از امپراتوری بریتانیا و منافع آن دنبال کند. علت دیگر، مخالفت ژنرال دوگل از درون خود اتحادیه اروپا بود که بریتانیا را اسب تروای آمریکا می‌دانست. و باز یک علت دیگر این بود که حزب کارگر در آن مرحله پیگیرانه با اتحادیه اروپا مخالفت می‌کرد، چون آن را ابزاری برای مداخله شرکت‌های بزرگ می‌دانست. همان‌طور که در همه‌پرسی ۱۹۷۵ [۱۳۵۴] دیدیم، هم نکته اتحادیه‌های

صنعی (TUC) و هم حزب کارگر رسماً از موضع "ترک" حمایت کردند. با وجود این، بریتانیا در شکل دادن سرشت اتحادیه اروپا به صورتی که اکنون وجود دارد نقشی حساس و حیاتی داشته است. "قانون اروپای واحد" (۱۹۸۶/۱۳۶۵) را وزیران دولت‌های محافظه‌کار مارگارت تاچر و هلموت کهل به طور مشترک تدوین و تنظیم کردند. این پیمان هم‌زمان با مقررات‌زدایی خدمات مالی در لندن و نیز در نیویورک به سرانجام رسید. بانک‌های آمریکایی خواستار "بازار واحد"ی در بخش خدمات مالی اروپا بودند، که به معنای لزوم حذف همه مقررات داخلی و ملی کشورهای جداگانه بود. آلمان هم همان را می‌خواست تا صنعت تولیدی آن بتواند بر سراسر اروپا تسلط داشته باشد. "قانون اروپای واحد" از همان زمان تا کنون تعیین‌کننده و شکل‌دهنده سرشت نولیبرالی، خصوصی‌ساز، و حامی بازار "آزاد" و بی‌نظارت اتحادیه اروپا بوده است.

سؤال: چرا حزب کارگر و بسیاری از اتحادیه‌های صنفی بریتانیا در همه‌پرسی پیش‌رو رسماً موضع "ماندن" در اتحادیه اروپا گرفته‌اند؟

به سه دلیل. اول اینکه بسیاری از فعالان اتحادیه‌های صنفی هنوز بر این باورند که مصالحه‌ها و توافقی‌های ژاک دلور در زمان ریاستش در کمیسیون اتحادیه اروپا، به‌نحوی می‌تواند آنها را در برابر قوانین ضد کنگره اتحادیه‌های صنفی دولت محافظه‌کار کشور حفاظت کند. علت دوم، واکنش غریزی در برابر مواضع ضد مهاجر بخشی از اردوی "ترک" است. و سوم، فشارهای بسیار زیادی است که دستگاه سیاسی کشور، از راه راست‌گرایانی که همچنان در درون جناح پارلمانی حزب کارگر قدرت و تسلط دارد، بر رهبری چپ‌گرای تازه حزب کارگر (جرمی کوربین) وارد می‌کند. جرمی کوربین در زمانی که در رقابت برای کسب رهبری حزب کارگر فعالیت می‌کرد، در برنامه‌اش اشاره‌ای به اتحادیه اروپا نکرد، و بنابراین اکنون هیچ تعهدی به مخالفت با آن ندارد، اگرچه اتحادیه اروپا کار او را در تصویب و اجرای بسیاری از برنامه‌های سوسیالیستی‌اش در زمینه مالکیت



ریاضتی) تا بتوانند بدهی‌ها را بازپرداخت کنند. نتیجه این سیاست‌ها در بیشتر کشورهای عضو اتحادیه چیزی نبود جز بیکاری عظیم، عدم امنیت شغلی برای شاغلان، و مهاجرت در

مقیاسی عظیم. پیامد این روند، ظهور و قدرت‌گیری حزب‌های راست‌گرا و غالباً نژادپرست در سراسر اتحادیه اروپا بود. در بریتانیا، حزب استقلال بریتانیا (UKIP) پس از دو حزب سنتی محافظه‌کار (توری) و کارگر، به سومین حزب بزرگ تبدیل شد، که به‌ویژه رأی‌های حزب محافظه‌کار را به سوی خود کشید. در چنین وضعیتی بود که دیوید کامرون، رهبر حزب محافظه‌کار، پیش از برگزاری انتخابات سراسری اخیر کشور، برگزاری همه‌پرسی درباره ماندن در اتحادیه اروپا را در دستور کار خود قرار داد. قصد و هدف او از این همه‌پرسی این بود که رهبری هوادار اتحادیه اروپای خودش را، که مورد پشتیبانی شرکت‌های بزرگ و شهر لندن است، تحکیم کند، و در ضمن، نمایندگان رده دوم پارلمان از حزب محافظه‌کار را که نگران از دست دادن کرسی‌های خود هستند، خاطرجمع کند و راضی نگه دارد.

سؤال: این همه‌پرسی تا چه حد زیر تأثیر دیدگاه‌های نژادپرستانه و ضدمهاجر است؟

طیف خیلی گسترده‌ای از نیروهای خواهان ترک اتحادیه اروپا در این همه‌پرسی فعالیت دارند. گروه بزرگی از اتحادیه‌های صنفی (شامل راهان، کشتی‌رانی، صنایع غذایی) از موضع "ترک اتحادیه" حمایت می‌کنند. حزب کمونیست و شماری از گروه‌بندی‌های چپ‌گرای بانفوذ در درون و بیرون حزب کارگر نیز همین موضع را دارند. عامل بنیادی در موضعی که این گروه‌ها گرفته‌اند، مخالفت آنها با گرایش‌های طرفدار شرکت‌های بزرگ، طرفدار خصوصی‌سازی، و ضد اتحادیه‌های صنفی در برنامه‌های اتحادیه اروپاست.

"حزب استقلال (UKIP) نیز در تصمیم خود بر ترک اتحادیه اروپا، بر موضوع مهاجرت و تهدیدی که متوجه فرصت‌های شغلی کارگران "بریتانیایی" است تأکید دارد.

ادامه در صفحه ۲۵

کمک‌های مالی رسیده

بمناسبت هزارمین شماره نامه مردم از تورنتو ۱۰۰ دلار

مصاحبه: با رفیق پروفیسور جان فاستر، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست بریتانیا و دبیر شعبه بین‌المللی آینده عضویت انگلستان در «اتحادیه اروپا»: گام بعدی چه خواهد بود!

فضای سیاسی انگلستان در ماه‌های اخیر دچار تب‌وتاب ویژه‌ای بوده است. با نزدیک شدن زمان همه‌پرسی [رفراندوم] - روز ۳ تیرماه ۲۳/۱۹۵ ژوئن ۲۰۱۶- درباره ادامه عضویت یا خروج این کشور از عضویت در "اتحادیه اروپا"، همه فعالیت‌های سیاسی در این کشور عمده جهان سرمایه‌داری را به‌نوعی به کارزارهایی مختلف در ارتباط با این همه‌پرسی تبدیل کرده است. سران کشورهای سرمایه‌داری جهان و سیاست‌گذاران "اتحادیه اروپا"، "بانک جهانی"، "سازمان همکاری و توسعه اقتصادی" و رهبران دولت‌های غربی از جمله باراک اوباما، آنگلا مرکل، و فرانسوا اولاند، از ضرورت باقی ماندن انگلیس در اتحادیه اروپا آشکارا حمایت کرده‌اند و پیامدهای منفی خروج این کشور از این اتحادیه را تذکر داده‌اند. هر دو حزب سیاسی عمده انگلستان: حزب کارگر و حزب محافظه‌کار، در ارتباط با این همه‌پرسی، تشکیل فراکسیون‌هایی پر قدرت در حمایت از "خروج" و یا "باقی ماندن" در "اتحادیه اروپا" را در صفوف حزب‌هایشان شاهد بوده‌اند. کابینه دولت عملاً دو نیمه شده است: نیمه‌ی بهره‌بردی دیوید کامرون باقی ماندن در اتحادیه اروپا را خواهند، نیمه دیگر، مرکب از وزیرانی بانفوذ در کابینه، از سیاست خروج از اتحادیه اروپا دفاع می‌کنند. "حزب کمونیست بریتانیا"، در همکاری با برخی نیروهای سیاسی و اتحادیه‌های کارگری چپ، کارزاری همراه با نیروهای ترقی‌خواه کشور در جهت پشتیبانی از خروج انگلیس از عضویت در اتحادیه اروپا را سازمان داده است.

باتوجه به اهمیت نتیجه این همه‌پرسی [رفراندوم] تاریخی، و ضرورت توضیح و روشن شدن برخی جنبه‌های عمده مورد بحث آن، هیئت تحریریه "نامه مردم"، با رفیق پروفیسور جان فاستر، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست بریتانیا و دبیر شعبه بین‌المللی حزب برادر، گفت‌وگویی کرد که برگردان آن، برای اطلاع خوانندگان نامه مردم، در زیر می‌آید:

سؤال: چرا الآن درباره ماندن بریتانیا در اتحادیه اروپا همه‌پرسی می‌شود؟ چه کسانی پشت این قضیه هستند؟

از همان زمانی که شورای اتحادیه اروپا تلاش کرد که قانون اساسی مرکزگرا و نولیبرالی تازه‌ای را در سال ۲۰۰۵ [۱۳۸۴] بر اعضای اتحادیه تحمیل کند (که در همه‌پرسی‌هایی در فرانسه و هلند شکست خورد) خواست برگزاری همه‌پرسی درباره ماندن در اتحادیه اروپا در صحنه سیاست بریتانیا مطرح بوده است. این موضوع بار دیگر و در زمانی مطرح شد که همین سند (قانون اساسی) با شکلی تازه، در چارچوب پیمان لیسبون، در سال ۲۰۰۸ [۱۳۸۷] به اعضای اتحادیه تحمیل شد. در هر دو مورد، رأی "کنگره اتحادیه‌های صنفی بریتانیا (TUC)" بر این بود که همه‌پرسی درباره ماندن در اتحادیه اروپا در بریتانیا نیز انجام شود، به این دلیل اصولی که ساختارهای تازه اتحادیه اروپا از لحاظ قانونی، به عوض اولویت دادن به حقوق کارگران، به حقوق کسب‌وکارها اولویت می‌داد، اختیار و قدرت مرکزی اتحادیه اروپا را در تحمیل بودجه‌های نولیبرالی بدون کسری به اعضا تثبیت می‌کرد، و حق رأی بزرگ‌ترین کشورهای عضو را در چارچوب شورای وزیران - که مرکز قدرت نهایی در چارچوب اتحادیه است - تقویت می‌کرد.

در جریان بحران مالی سال ۲۰۰۸ [۱۳۸۷]، اتحادیه اروپا ضمن مداخله در امور کشورهای جداگانه، دولت‌های آنها را مسئول بدهی‌هایی شناخت که عملیات قماری نظام بانکداری به وجود آورده بود. همچنین، از دولت‌ها خواست که هزینه خدمات عمومی و دولتی، سطح دستمزدها، و حقوق قراردادی کارگران را به‌شدت کاهش دهند (اقدامات

30 May 2016

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس‌های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس‌های اینترنت و "ای-میل" http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 1000
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

حساب بانکی ما:

نام حساب: Iran e.V.
بانک: Berliner Sparkasse
کد بانک: 100 500 00
شماره حساب: 790020580
IBAN: DE35 1005 0000
BIC: BELADEBEXX

نامه مردم

مخترانی رفیق علی خاوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران درکنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفیق گرامی،
از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران و به نام همه اعضا و هزاران حزب خلق کارگر ایران واقع بزرگ تباری بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و به صیانت و حزب کمونیست پر افتخار اتحاد شوروی و همه دستگاران جوان این کنگره - تبریک می فرستیم و تمنا می کنیم که در این کنگره، حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمونیست های تاجیک از ایران موفق و پیروز گردند. امید این کنگره را از اسامی به بحث گذاشته شد، طرح و تصمیمات تازه برنامه و تقویات را استاماده و

۹۲ شماره هر ماه
سال دوم پخشده ۲۲ شماره ۲۲
تیرا ۶۰ ریال

نامه مردم

فتوای خمینی در مورد آموزش نظامی زنان

خمینی برای مردم که فتنه تهر، جنگ فرمان دهنی صلواتی، از خودمردم فتوای فتاح بر همه راجع است و از دفاع بر همه راجع شده، بدست فتاح می باید چل شود. بر ضرورت آموزش نظامی زنان انگشت ناکند گذارد.

در شرایط کنونی که مردمان و فلسطینیان رژیم در روز از پشتیبانی بیوفای پادشاه و متحدین مردم از همه جای جنگ می زنند، بر اساس فتاوی ضرورت خمینی از کتیر به صدور فتاوی لازم می آید که "مردم بفرماندهای ایران" باشد و از همه جا، "بر مسنه خاشتره" و اگر این ادعا که زنان کتیر با فرزندان و همسران خود را راجع همه جایی با ولایت جنگ می سازند، درست است، در این صورت بر اساس فتوای خمینی در مورد فتوای زنان ایران کتیر به این چنین می شود:

واقعیت این است که در این آزادی شرمش از ارتش و جبهه آزادیگان، خدمات جنگ برای مردم ایران تقویت کرد و از آن بیرون خدمتات نیهادهای مستشار یا ادعا جنگ آزادیگری، این روند مستشار یا پادشاه به رزم در بالا گذشت نظامی بر ساقه های خود گرفت. شایع است که خدمت، عدم استقبال از زنان به جبهه، فرار از جبهه، از بدنام شدن، به جبهه، سبب بی وفای نظامی، مخالفت کتیر و کتیر و در ۱۳۵۲ نشیبه به کم کردن آجوری یک روز از جبهه، استفاده های پرشمار پادساران و غیره نیز بود. جبهه های جنگ از بالا کتیر هم به نامشود و مخالفت مردم نسبت به ادعا جنگ ایران و عراق، و فرمان خمینی "شوی" از این هم از

نامه مردم

مخترانی رفیق علی خاوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران درکنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفیق گرامی،
از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران و به نام همه اعضا و هزاران حزب خلق کارگر ایران واقع بزرگ تباری بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و به صیانت و حزب کمونیست پر افتخار اتحاد شوروی و همه دستگاران جوان این کنگره - تبریک می فرستیم و تمنا می کنیم که در این کنگره، حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمونیست های تاجیک از ایران موفق و پیروز گردند. امید این کنگره را از اسامی به بحث گذاشته شد، طرح و تصمیمات تازه برنامه و تقویات را استاماده و

۹۲ شماره هر ماه
سال دوم پخشده ۲۲ شماره ۲۲
تیرا ۶۰ ریال

نامه مردم

فتوای خمینی در مورد آموزش نظامی زنان

خمینی برای مردم که فتنه تهر، جنگ فرمان دهنی صلواتی، از خودمردم فتوای فتاح بر همه راجع است و از دفاع بر همه راجع شده، بدست فتاح می باید چل شود. بر ضرورت آموزش نظامی زنان انگشت ناکند گذارد.

در شرایط کنونی که مردمان و فلسطینیان رژیم در روز از پشتیبانی بیوفای پادشاه و متحدین مردم از همه جای جنگ می زنند، بر اساس فتاوی ضرورت خمینی از کتیر به صدور فتاوی لازم می آید که "مردم بفرماندهای ایران" باشد و از همه جا، "بر مسنه خاشتره" و اگر این ادعا که زنان کتیر با فرزندان و همسران خود را راجع همه جایی با ولایت جنگ می سازند، درست است، در این صورت بر اساس فتوای خمینی در مورد فتوای زنان ایران کتیر به این چنین می شود:

واقعیت این است که در این آزادی شرمش از ارتش و جبهه آزادیگان، خدمات جنگ برای مردم ایران تقویت کرد و از آن بیرون خدمتات نیهادهای مستشار یا ادعا جنگ آزادیگری، این روند مستشار یا پادشاه به رزم در بالا گذشت نظامی بر ساقه های خود گرفت. شایع است که خدمت، عدم استقبال از زنان به جبهه، فرار از جبهه، از بدنام شدن، به جبهه، سبب بی وفای نظامی، مخالفت کتیر و کتیر و در ۱۳۵۲ نشیبه به کم کردن آجوری یک روز از جبهه، استفاده های پرشمار پادساران و غیره نیز بود. جبهه های جنگ از بالا کتیر هم به نامشود و مخالفت مردم نسبت به ادعا جنگ ایران و عراق، و فرمان خمینی "شوی" از این هم از

نامه مردم

مخترانی رفیق علی خاوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران درکنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفیق گرامی،
از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران و به نام همه اعضا و هزاران حزب خلق کارگر ایران واقع بزرگ تباری بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و به صیانت و حزب کمونیست پر افتخار اتحاد شوروی و همه دستگاران جوان این کنگره - تبریک می فرستیم و تمنا می کنیم که در این کنگره، حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمونیست های تاجیک از ایران موفق و پیروز گردند. امید این کنگره را از اسامی به بحث گذاشته شد، طرح و تصمیمات تازه برنامه و تقویات را استاماده و

۹۲ شماره هر ماه
سال دوم پخشده ۲۲ شماره ۲۲
تیرا ۶۰ ریال

نامه مردم

مخترانی رفیق علی خاوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران درکنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفیق گرامی،
از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران و به نام همه اعضا و هزاران حزب خلق کارگر ایران واقع بزرگ تباری بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و به صیانت و حزب کمونیست پر افتخار اتحاد شوروی و همه دستگاران جوان این کنگره - تبریک می فرستیم و تمنا می کنیم که در این کنگره، حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمونیست های تاجیک از ایران موفق و پیروز گردند. امید این کنگره را از اسامی به بحث گذاشته شد، طرح و تصمیمات تازه برنامه و تقویات را استاماده و

۹۲ شماره هر ماه
سال دوم پخشده ۲۲ شماره ۲۲
تیرا ۶۰ ریال

نامه مردم

مخترانی رفیق علی خاوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران درکنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفیق گرامی،
از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران و به نام همه اعضا و هزاران حزب خلق کارگر ایران واقع بزرگ تباری بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و به صیانت و حزب کمونیست پر افتخار اتحاد شوروی و همه دستگاران جوان این کنگره - تبریک می فرستیم و تمنا می کنیم که در این کنگره، حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمونیست های تاجیک از ایران موفق و پیروز گردند. امید این کنگره را از اسامی به بحث گذاشته شد، طرح و تصمیمات تازه برنامه و تقویات را استاماده و

۹۲ شماره هر ماه
سال دوم پخشده ۲۲ شماره ۲۲
تیرا ۶۰ ریال

نامه مردم

مخترانی رفیق علی خاوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران درکنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفیق گرامی،
از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران و به نام همه اعضا و هزاران حزب خلق کارگر ایران واقع بزرگ تباری بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و به صیانت و حزب کمونیست پر افتخار اتحاد شوروی و همه دستگاران جوان این کنگره - تبریک می فرستیم و تمنا می کنیم که در این کنگره، حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمونیست های تاجیک از ایران موفق و پیروز گردند. امید این کنگره را از اسامی به بحث گذاشته شد، طرح و تصمیمات تازه برنامه و تقویات را استاماده و

۹۲ شماره هر ماه
سال دوم پخشده ۲۲ شماره ۲۲
تیرا ۶۰ ریال

نامه مردم

مخترانی رفیق علی خاوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران درکنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحاد شوروی

رفیق گرامی،
از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران و به نام همه اعضا و هزاران حزب خلق کارگر ایران واقع بزرگ تباری بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و به صیانت و حزب کمونیست پر افتخار اتحاد شوروی و همه دستگاران جوان این کنگره - تبریک می فرستیم و تمنا می کنیم که در این کنگره، حزب کمونیست اتحاد شوروی و کمونیست های تاجیک از ایران موفق و پیروز گردند. امید این کنگره را از اسامی به بحث گذاشته شد، طرح و تصمیمات تازه برنامه و تقویات را استاماده و

۹۲ شماره هر ماه
سال دوم پخشده ۲۲ شماره ۲۲
تیرا ۶۰ ریال

ویژنامه هزارمین شماره «نامه مردم»، دوره، هشتم

مبارزه بر ضد رژیم ولایت فقیه ادامه دارد!



حزب توده ایران